# کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۵ - اول مه ۱۹۹۶ - دورهٔ سوم - شماره ۱۳۲

KAR. No. 132 Wedensday 1 May. 1996


اعلامیه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## کشتار مردم لبنان توسط اسرائیل را محکوم می‌کنیم

صفحه ۳

## ائتلاف نیروهای چپ و میانه در انتخابات ایتالیا به پیروزی رسید

صفحه ۱۲

# خامنه‌ای: لیبرالها را از مجلس بیرون می‌اندازیم

- هیچکدام از جناحها در مجلس پنجم اکثریت مطلق را بدست نیاوردند
- در نهاوند ۶ نفر کشته و ۱۲ نفر زخمی شدند
- حزب‌الهی‌ها شهردار تهران را پابرهنه از حسینیه نازی‌آباد فراری دادند

مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در محیطی پر کشمکش برگزار شد. نزاع جناحهای رقیب در برخی از استانها و شهرستانها به اعتراضات عمومی بدل گردید و به درگیری انجامید. گفته می‌شود در این درگیری‌ها چندین تن کشته، دهها نفر زخمی و بازداشت شدند.

در نهاوند در درگیری میان طرفداران دو تن از نامزدهای نمایندگی مجلس پنجم که در پی پیروزی یکی از کاندیداها روی داد، ۶ تن کشته شدند و ۱۲ نفر به شدت مجروح گردیدند. این درگیری در میدان اصلی شهر و به دنبال مشاجره لفظی میان طرفداران جناحهای رقیب رخ داد. در این درگیری ۱۰ نفر بازداشت شدند.

در اصفهان عده‌ای به مساجد، مراکز علوم دینی و ساختمانهای دولتی حمله کردند و خسارات سنگینی به بار آوردند. آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان در خطبه‌های نماز جمعه خبر حمله به حوزه‌های آموزش دینی «باقرالعلوم»، «امیرالمومنین» و مسجد «شریف واقفی» را تائید کرد و آن را حادثه‌ای تأسف‌بار خواند.

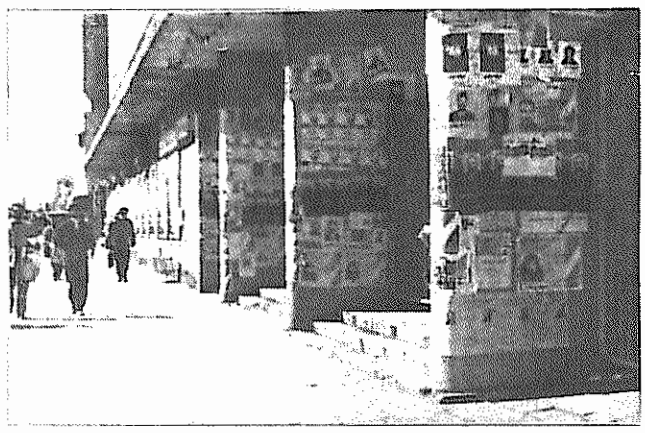

در تهران روز پنجشنبه ۲۹ فروردین انصار حزب‌الله سخنرانی کرباسچی شهردار تهران را در حسینیه حجت نازی آباد برهم زدند و شهردار تهران را از حسینیه بیرون راندند.

دسته دیگری از انصار حزب‌الله در حالی که عکس‌های خامنه‌ای و خمینی را در دست داشتند برابر ساختمان مرکزی خبرگزاری جمهوری اسلامی اجتماع کردند و به تهدید طرفداران گروه «کارگزاران سازندگی»

بقیه در صفحه ۲

## کمیسیون حقوق بشر رژیم اسلامی را بار دیگر محکوم کرد

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در روز ۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت ماه) بار دیگر رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کرد. در قطعنامه، رژیم حاکم بخاطر ادامه خشونت علیه ایرانیان برون مرزی، اعدامها و نقض حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی محکوم شده است. همچنین در قطعنامه حکومت اسلامی بخاطر فتوای مرگ سلمان رشدی به شدت تقبیح شده است.

این قطعنامه به پیشنهاد جامعه اروپا با پشتیبانی آمریکا با ۲۴ رای موافق در برابر ۷ رای مخالف و ۲۰ رای ممتنع به تصویب رسید. در این قطعنامه اقدامات خشونت‌آمیز بر علیه ایرانیان خارج از کشور به شدت تقبیح شده و از دولت جمهوری اسلامی خواسته شده تا از دخالت در امور ایرانیان مخالف رژیم در خارج از کشور خودداری کند. قبل از طرح این

بقیه در صفحه ۲

## اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

*پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

*همبستگی جهانی، مهمترین پیام اول ماه مه

*تعیین ساعات کار روزانه حاصل چند قرن مبارزه است

*مرگ یک دختر مددوز

*وضعیت کودکان کارگر در ایران

ویژه‌نامه اول ماه مه در صفحات ۷ - ۸ - ۹

## جنگ لبنان و تحرک دیپلماتیک جمهوری اسلامی

در جریان اقدامات دیپلماتیکی که به توافق برای برقراری آتش‌بس بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل انجامید، ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی چند بار در دمشق با مقامات بلندپایه سوریه و رهبران حزب‌الله لبنان دیدار کرد. هنگامی که وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در خلال اقامت یک هفته‌ای خود در منطقه، بین دمشق و بیت‌المقدس در رفت و آمد بود تا بین طرفین میانجیگری کند، ولایتی نیز در سوریه به سر می‌برد. آمریکا از طریق سوریه با حزب‌الله در مذاکره بود و سوریه نیز به نوبه خود نه تنها با حزب‌الله لبنان، بلکه با جمهوری اسلامی نیز گفتگو می‌کرد. در مجموع، نام جمهوری اسلامی که همزمان با کنفرانس شرم‌الشیخ مصر، به عنوان حامی تروریسم در رسانه‌های غربی مطرح شده بود، در ارتباط با جنگ لبنان بارها به عنوان یک طرف جدی مذاکرات بر سر زبانها افتاد. کاملاً آشکار بود که رژیم ولایت فقیه، همه تلاش خود را به کار گرفته است تا وانمود کند هیچ مسئله منطقه، بدون دخالت دادن تهران حل نمی‌شود. ولایتی در مصاحبه‌های متعدد، نقش سخنگوی دیپلماتیک حزب‌الله را بر عهده گرفت و مواضع این نیرو را به زبان متداول بین دولت‌ها ترجمه می‌کرد. وزیر خارجه حکومت اسلامی از جمله خواهان «تضمینهای بین‌المللی» برای عدم حمله اسرائیل به اهداف غیرنظامی در لبنان شد. برای اولین بار است که بعد از چندین سال متوالی با حکومت اسلامی به عنوان یک طرف مؤثر در رویدادهای منطقه که از نظر غرب می‌تواند نقش «مثبت» هم ایفا کند، برخورد می‌شود.

اینک که جزئیات توافق حاصله برای آتش بس اعلام شده است، به نظر می‌رسد آن طرفی که تضمین‌هایی برای خواست‌های خود گرفته است، در وهله نخست اسرائیل است. حزب‌الله متعهد شده است از شهرها و روستاها برای حمله به اهداف نظامی اسرائیلی (یعنی نیروهای ارتش اسرائیل که جنوب لبنان را در اشغال دارند) به عنوان پایگاه استفاده نکند. اسرائیل به این شرط حاضر شده است بپذیرد که به مردم غیرنظامی لبنان حمله نکند، و این تعهد با تعهد متقابلی نیز از سوی حزب‌الله همراه است که دیگر شمال اسرائیل را مورد حمله موشکی قرار ندهد.

از قرائن پیداست که موضوع توافق از نظر ایران و غرب تنها به توافقهای بالا محدود نبوده است. این امر محتمل است که آینده لبنان و نقش ایران در اقتصاد آن که طرحهای غرب، بویژه فرانسه قرار است دوباره به مرکز مهم مالی - تجاری خاورمیانه تبدیل شود هم جزئی از موضوعاتی باشد که در جریان حضور وزیران خارجه آمریکا، فرانسه، ایران و نیز رهبران سوریه و لبنان مورد تبادل نظر قرار گرفته باشد.

اما اصل توافق، بین آمریکا و اسرائیل از یک سو و سوریه از سوی دیگر صورت گرفته است. شیمون پرز نخست‌وزیر اسرائیل، که ماه آینده انتخابات پارلمانی در پیش دارد، اکنون می‌تواند ادعا کند که با حملات سنگین به لبنان، برای اسرائیل یک گام فراتر از توافق شفاهی سه سال پیش با حزب‌الله برداشته است. در آن هنگام، به دنبال یک رشته حملات سخت متقابل، طرفین توافق کرده بودند به اهداف غیرنظامی حمله نکنند، و هنوز سخن از این نبود که حزب‌الله در جنگ چریکی خود، نباید از پایگاههایی در شهرها و روستاها عمل کند. صرفنظر از اینکه حزب‌الله، به این توافق عمل کند یا نه، زمینه برای بهره‌برداری سیاسی داخلی حزب حاکم اسرائیل آماده شده است.

بقیه در صفحه ۲

## گزارش فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران

متن زیر چکیده گزارش ۵۰ صفحه‌ای از سفر موریس کاپیتورن به ایران است. این سفر از ۱۰ تا ۱۶ فوریه انجام گرفت و گزارش آن به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تقدیم شد.

این گزارش شامل ۳۰ صفحه متن اصلی و ۲۰ صفحه ضمایم است.

گزارش اصلی شامل: مقدمه، سیستم قضایی در ایران، مقام زن، فتوا بر علیه سلمان رشدی، سرنوشت بهائیان، آزادی رسانه‌ها، اطلاعات در مورد زندانیان، دیدار از زندان اوین، ناپدید شدن و مرگ مشکوک، تروریسم در خارج از مرز، دمکراسی و سازمانهای حقوق بشر، شرایط پناهندگان و در خاتمه، پایانه است.

کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران در سال ۱۹۸۲ آغاز شد و با انتخاب نماینده مخصوص در سال ۱۹۸۴ کار خود را شروع کرد. و تا امروز نیز وضعیت حقوق بشر هنوز در دستور کار سازمان ملل قرار دارد.

پیش از بازدید کمیسیون جدید از ایران، موریس کاپیتورن با سازمانها و افراد زیر تماس و مکاتبه داشته است:

دولت جمهوری اسلامی، افرادی در داخل و خارج ازکشور، سازمانهای داخل و خارج، سازمانهای غیر دولتی، دولت‌ها یا دیگر گروههای پارلمان و اشخاص و گزارش‌های دیگر از طرف سازمان ملل.

هدف موریس کاپیتورن، تداوم کار ادوارد گالیندوپل بوده و تمرکز این گزارش از ژانویه ۱۹۹۵ تا فوریه ۱۹۹۶ است.

قبل از سفر به ایران کمیسیون مخصوص، ۶۵ نامه از سازمانها و افراد دریافت داشته است که از میان آنان نامه‌ای از طرف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بوده است.

هدف موریس کاپیتورن به شرح زیر بوده است:

پس از ۱۷ سال از گذشت انقلاب و ۷ سال از اعلام آتش‌بس، آیا هنوز دادگاههای انقلاب مفهومی برای موجودیت دارند؟

آیا قانون اجرا شده همان قانون تصویب شده است؟

برخورد دولت با مخالفان خود چگونه است؟

زندانیان سیاسی در ایران وجود دارند؟ آیا دولت جمهوری اسلامی آنان را زندانی سیاسی می‌داند؟

سیستم حقوقی جامعه‌ای نشانه‌ای است از شکوفایی تمدن این اجتماع و از نقشی که به حقوق بشر و برای شهروندان خود قایل هستند.

در ایران مدت معینی برای بودن تا قبل از دادگاهی شدن وجود ندارد. در یک مورد این مسأله تا ۷ سال نیز به طول انجامیده است.

حضور وکیل مدافع و حق داشتن وکیل مدافع به روشنی تصریح نشده است. آیت‌الله یزدی عقیده دارد که متهم حق استفاده از وکیل در دادگاه را دارد. در صورتی که آیت‌الله املشی ربانی، حضور وکیل را فقط در روز اعلام حکم مجاز می‌داند.

عملکرد دادگاههای انقلاب با دادگاههای عادی تفاوت دارد. پارامترهای عمل دادگاههای انقلاب مشخص نیستند.

جزای گناهان ذیل در جمهوری اسلامی مرگ هستند:

اشاعه فساد، ترور و کشتار،

بقیه در صفحه ۳

## تصمیم اتحادیه اروپا به ادامه «دیالوگ انتقادی»

روز سوم اردیبهشت (۲۲ آوریل) وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مورد نحوه تنظیم مناسبات با جمهوری اسلامی، به تبادل نظر و تصمیم‌گیری پرداختند. نشست وزرای خارجه اتحادیه به دنبال ارائه گزارش هیأت ترویکا از نتیجه سفر به تهران تشکیل شد. هیأت ترویکا، از سوی اتحادیه اروپا مأموریت داشت حکومت ایران را وادارد در مورد تروریسم و اقدامات تروریستی گروههای حزب‌الله و روند صلح خاور میانه صریحاً موضع بگیرد و به عرف و موازین جاری در روابط بین‌المللی گردن گذارد.

از جزئیات گفتگو و قول و قرارهای پنهانی نمایندگان جمهوری اسلامی با هیأت ترویکا، خبری انتشار نیافت. قبل از آن اعلام شده بود در صورت عدم حصول توافق طی سفر هیأت مزبور، اتحادیه اروپا در روابط سیاسی خود با جمهوری اسلامی تجدید نظر خواهد کرد. در حالی که خبرگزاریها از شکست هیأت ترویکا سخن می‌گفتند، سرپرست هیأت مزبور پس از بازگشت از تهران اعلام کرد، نتیجه این سفر به دنبال نشست وزرای خارجه کشورهای اتحادیه اروپا اعلام خواهد شد.

وزیر خارجه آلمان، کلاوس کینکل، نشست وزرای خارجه اتحادیه

بقیه در صفحه ۲

اشپیگل :

## کنسولگری‌های جمهوری اسلامی متقاضیان ترک تابعیت را آزار می‌دهند

هفته‌نامه «اشپیگل» در گزارش کوتاهی با عنوان «کلوپ نخبگان» در این باره می‌نویسد: خانمی با لباسی شیک که به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در هامبورگ وارد گردید، تقاضای بسیار وحشتناکی را در برابر نماینده دولت جمهوری اسلامی قرار داد: ترک تابعیت ایران.

بقیه در صفحه ۱۱

## اعدام دو زندانی سیاسی در ایران

بر پایهٔ گزارش رسیده روز ۲۲ فروردین دو زندانی سیاسی به نام‌های سلیم صابرنیا و مصطفی قادری در زندان ارومیه اعدام شده‌اند. هر دو این زندانیان در سال ۱۳۶۹ به هنگام تلاش برای خروج از ایران توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شناسایی شده و پس از درگیری با این گزمگان رژیم که منجر به زخمی شدن هر دوشان شده بود، به دست مأموران رژیم افتاده بودند.

سلیم صابرنیا ۳۴ سال داشت. او که در منطقهٔ مرگور ارومیه متولد شده بود، از سال ۱۳۵۸ پیشمرگ سازمان پیکار برای آزادی طبقهٔ کارگر و از سال ۱۳۶۰ ابتدا پیشمرگ و سپس

بقیه در صفحه ۱۱

www.iran-archive.com

یادداشت

## ترکیب مجلس آینده

مرحله دوم انتخابات مجلس شورا برگزار گردید. انتخابات این دوره همانند دوره‌های قبلی تنها عرصه رقابت و کشمکش نیروهای وابسته به نظام اسلامی بود. در این دوره جناح حاکم از ابتدا قصد انحصارگرانه کرسیهای مجلس را داشت. اما با زائیده شدن گروه خدمتگزاران و ارائه لیست کاندیداتوری از جانب آن و نیز اعلام لیست کاندیداتوری از جانب ائتلاف خط امام، صحنه انتخابات تغییر یافت و رسالتی‌ها ناگهان با دو رقیب انتخاباتی مواجه شدند و انتخابات با شرکت طیف وسیع‌تری از نیروهای سیاسی وابسته به نظام اسلامی برگزار گردید.

نتایج انتخابات نشان داد که انحصارگری جناح حاکم در درون نظام اسلامی شکست خورد و این جناح نتوانست مجلس را به انحصار خود درآورد.

گرچه هنوز نمی‌توان با قطعیت در مورد ترکیب نمایندگان مجلس آتی به لحاظ وزن هریک از طیفهای فکری ـ سیاسی سخن گفت. چرا که بخشی از نمایندگان جزو منفردین بوده و جایگاه آنها هنوز معلوم نیست و احتمالاً بخش مهمی از آنها به گرایش حاکم خواهند پیوست. ولی می‌توان گفت جناح حاکم نسبت به سایر نیروها، کرسیهای بیشتری را تصاحب کرده است. در عین حال دو اقلیت نسبتاً قوی که متعلق به گروه کارگزاران و خط امامی‌ها است، در دور آتی در مجلس تشکیل خواهد شد.

گروه کارگزاران تا قبل از انتخابات اخیر فاقد سیمای معین سیاسی بود و تنها در شخص رفسنجانی و کابینه او تجلی داشت. این جریان بدون اعلام برنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تنها با شعارهای کلی، حیات سیاسی خود را اعلام کرد و توانست تعداد زیادی از کاندیداهای خود را راهی مجلس کند. بخش قابل توجهی از رای‌هایی که به نفع گروه کارگزاران ریخته شد، به خاطر طرفداری از این جریان نبود چرا که این جریان مجری همان برنامه تعدیل اقتصادی است که اقتصاد کشور را فلج کرده و مردم را به فلاکت و فقر بیشتر سوق داده است.

آن رای‌ها در حقیقت جواب «نه» به جناح حاکم است که سرکوب و اختناق شدیدتری را در برنامه خود دارد. بخشی از مردم به «گروه کارگزاران» رای دادند تا جناح حاکم نتواند مجلس را تماماً به قبضه خود درآورد.

جناح رسالت که نتوانست مجلس را به انحصار خود درآورد، بلافاصله بعد از انتخابات مجلس، یورش خود را آغاز نمود. حمله حزب‌الهی‌ها به شهردار تهران، بستن هفته‌نامه بهمن، تهدید موحدی ساوجی به عدم تائید صلاحیت نمایندگان گروه کارگزاران، از جمله آنها است. به نظر می‌رسد جناح رسالت برای انتخاب ناطق نوری به ریاست مجلس در دور آتی و تضمین پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری به تهاجم وسیع روی خواهد آورد. اما در موفقیت این نیرو جای تردید وجود دارد.

# خامنه‌ای: لیبرالها را از مجلس بیرون می‌اندازیم

بقیه از صفحه اول

پرداختند. یکی از سرکردگان انصار حزب‌الله در مقابل خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: «ما در اولین اقدام خود کسانی را که با صرف بیت‌المال به مجلس رفته‌اند به بیرون پرتاب کرده و سپس افرادی را که در سازمان خبرگزاری از دگراندیشان و لیبرالها طرفداری کنند از بالای ساختمان خبرگزاری بیرون خواهیم انداخت».

هدف دیگر حزب‌الهی‌ها دفتر روزنامه سلام بود. روز ۲۸ فروردین صدها تن از بسیجیان حزب‌الهی به بهانه اعتراض به اخبار روزنامه سلام برابر دفتر روزنامه اجتماع کردند و با شعار «مرگ بر لیبرال» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» خواستار برخورد قانونی با روزنامه سلام شدند. آنان معترض بودند که روزنامه سلام در گزارش خود به نادرست از «بسیجیان ناحیه شرق تهران» به عنوان حامیان «کارگزاران سازندگی» یاد کرده است.

در حالی که در نامه فرمانده بسیج به روزنامه سلام بر غیر قانونی بودن دخالت نیروهای مسلح سپاه و بسیج در انتخابات تاکید شده بود، محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران بی‌توجه به این ضوابط قانونی رژیم، وارد گود انتخابات شد و علناً به نفع جامعه روحانیت مبارز سخن گفت و «کارگزاران سازندگی» را عده‌ای «نااهل» خواند که «ولایت فقیه را زیر سؤال می‌برند». رضایی تاکید کرد که حزب‌الله باید وارد مبارزه انتخاباتی بشود و حکومت را به دست گیرد.

### لیبرالها را از مجلس بیرون می‌اندازیم

در روزهای قبل از برگزاری مرحله دوم انتخابات، خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی آشکارا به حمایت از جامعه روحانیت مبارز پرداخت و رهبری مبارزه علیه «کارگزاران سازندگی» معروف به گروه ریاست جمهوری را به دست گرفت. خامنه‌ای در سخنرانی خود در روز پنجشنبه ۳۰ فروردین «کارگزاران سازندگی» و نامزدهای نمایندگی آنان را افرادی «لاابالی» و «لیبرالهایی» خواند که آنتن‌هایشان را به سمت آمریکا تنظیم کرده‌اند.

خامنه‌ای گفت: «مبادا کسانی داخل مجلس بروند که گیرنده‌های آنها، منتظر فرستنده قوی آمریکا و غرب باشد، مبادا کسانی به مجلس بروند که آنتن‌های خود را به آن سمت تنظیم کرده باشند و هر چه از آنجا می‌آید، بگیرند و در داخل به زبان دیگری منتشر و منعکس کنند».

خامنه‌ای اضافه نمود: «خیال هم نکنند که اگر کسانی لابلای جمعیت توانستند از حسن ظن یا غفلتی استفاده کنند و خودشان را به محیط مجلس بیندازند، دیگر مصونیت پیدا خواهند کرد، خیر این ملت آگاه و هوشیار و خون داده و رنج کشیده، اگر دیدند یک عنصر وابسته در مجلس است، دست دراز می‌کنند و او را از مجلس در می‌آورند و بیرون می‌اندازند».

### کناره‌گیری ۴ تن از کاندیداهای گروه ریاست جمهوری

تحت فشار جناح رسالت، چهارتن از کاندیداهای سرشناس گروه کارگزاران که عضو جامعه روحانیت مبارز هم هستند، خواستار حذف اسامی خود از فهرست انتخاباتی گروه «کارگزاران» شدند. اعلام انصراف این چهار تن زمانی صورت گرفت که فرصت تبلیغات انتخاباتی به پایان رسیده بود و حذف اسامی آنان از ترا کتها و پلاکاردهای تبلیغاتی گروه کارگزاران ناممکن بود.

آیت‌الله موحدی کرمانی، حجت‌الاسلام مجتهد شبستری، علی‌اکبر ابوترابی و مرضیه وحید دستجردی در اطلاعیه کناره‌گیری خود از فهرست انتخاباتی «کارگزاران» نوشتند: «بودن نام ما در لیست کارگزاران به معنای انطباق همه دیدگاهها و مواضع ما با دیدگاهها و مواضع آحاد و تک تک آنها و یا رضایت با هر عملی که در ستادهای انتخاباتی آقایان انجام می‌گیرد نیست. ما در مورد استفاده از اموال دولتی معترضیم و اینک که در بیانات مقام معظم رهبری هشدارهایی مشاهده می‌شود و رئیس دادگستری تهران هم به تحقق بعضی از تخلفات انتخاباتی تصریح نموده و. دوست می‌داریم اعلام نمائیم از ماندن در فهرست کاندیداهای کارگزاران ناخشنودیم. امید است مؤمنین با مراجعه به لیست جامعه روحانیت مبارز تهران و رای به آنها به انجام وظیفه شرعی خود مطمئن شوند».

تبلیغات خامنه‌ای علیه «لیبرالها» و تهدید آنان به تصفیه از درون مجلس در پی آن انصراف ۴ تن از کاندیداها، به شدت خشم گروه کارگزاران را برانگیخت. کناره‌گیری چهارتن و واکنش گروه ریاست جمهوری نشان داد که جامعه روحانیت مبارز برای دست یافتن به اکثریت و به شکست کشاندن رقبا، توافق دیگری را زیر پا گذاشته است. گروه کارگزاران با انتشار بیانیه‌ای از این اقدام به عنوان «حرکت مشکوک» و «عمل از پیش سازمان یافته» یاد کردند. محمد هاشمی برادر رفسنجانی و از پایه‌گذاران گروه ریاست جمهوری در رابطه با انصراف یکی از افراد فوق گفت: آقای ابوترابی اخیراً به این تصمیم رسیده‌اند و در مرحله اول انتخابات هیچ مشکلی نداشته‌اند. وی افزود: «آقای ابوترابی این کار را بسیار دیر اعلام کردند چون کارگزاران اسم وی را در تمامی لیست‌های خود اعلام کرده‌اند. اگر قبلاً اعلام کرده بودند ما نام فرد دیگری را به جای ایشان انتخاب می‌کردیم. آقای ابوترابی از امکانات تبلیغاتی ما بهره می‌برند اما با ما طور دیگری برخورد کردند و از نظر اخلاقی چندان درست نیست».

### انتخاب عبدالله نوری به ریاست مجلس

با انتخاب علی‌اکبر ناطق نوری به عنوان نماینده اول تهران، بار دیگر نام وی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری اسلامی در مطبوعات مطرح شده است. محمد رضا باهنر، غفوری فرد و محمد جواد لاریجانی از اعضای جناح رسالت در گفتگو با مطبوعات اعلام کردند که رئیس آتی مجلس شورای اسلامی ناطق نوری خواهد بود. جواد لاریجانی که از وی به عنوان کاندیدای وزیر امور خارجه این جناح نام برده می‌شود در گفتگو با روزنامه اخبار گفت: اگر ما در انتخابات برنده شویم ناطق نوری مجدداً به ریاست مجلس خواهد رسید و این امر، راه را برای رسیده او به مقام ریاست جمهوری هموار خواهد کرد. گروه کارگزاران برای جلوگیری از ریاست ناطق نوری بر مجلس، یکی از چهره‌های سرشناس خود را که از حمایت جناح اقلیت ـ خط امام ـ برخوردار است به عنوان کاندیدای ریاست مجلس در نظر گرفته‌اند. بنا به نوشته روزنامه رسالت گفتگوهای اولیه میان ائتلاف خط امام و «کارگزاران سازندگی» صورت گرفته و توافق شده که عبدالله نوری را به عنوان رئیس مجلس انتخاب کنند. عبدالله نوری در سال ۷۲ـ۶۸ وزیر کشور و عضو شورای بازنگری قانون اساسی بود.

### ترکیب مجلس پنجم

شمارش آرای مرحله دوم انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی روز یکشنبه اول اردیبهشت پایان یافت و نتایج قطعی انتخابات تهران و شهرستانها اعلام شد. بنا به گزارش منابع دولتی، در تهران ۱۴۳۱۴۳۱ نفر در انتخابات شرکت کردند. این رقم در مقایسه با آمار جمعیت واجد شرایط تهران بزرگ ـ شمیرانات، شهر ری، اسلامشهر ـ که میان ۵/۵ تا ۶ میلیون نفر در نوسان است، نشان می‌دهد کمتراز ۲۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند. در تهران از میان ۵۶ نامزد نمایندگی، ۲۸ نفر به مجلس راه یافتند. در شهرستانها رقابت میان ۱۹۰ نفر برگزار شد و ۹۵ نفر به عنوان نماینده مجلس تعیین شدند.

در پایان انتخابات دو جناح اصلی حکومت اعلام کردند که اکثریت آرا را در تهران و شهرستانها کسب کرده‌اند. یکی از اعضای جمعی از «کارگزاران سازندگی» به خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت از ۹۵ کرسی نمایندگی مجلس در شهرستانها در مرحله دوم، نامزدهای کارگزاران موفق شده‌اند ۵۱ کرسی را کسب کنند. بنا به گفته وی از مجموع ۹۵ کرسی شهرستانها، ۳۵ تن، از افراد مورد تائید جامعه روحانیت مبارز بودند که نام ۱۰ تن از آنان در فهرست انتخاباتی کارگزاران آمده بود.

با توجه به نتایج آماری انتخابات، جناح رسالت نسبت به جناح گروه ریاست جمهوری آرای بیشتری را به خود اختصاص داده است. جامعه روحانیت مبارز معتقد است از ۲۶۵ کرسی مجلس که تکلیف آنها معین شده است ۱۲۰ کرسی را در تهران و شهرستانها به دست آورده‌اند و از تهران ۲۳ تن از کاندیداهای آن به مجلس راه یافته‌اند.

۵ کرسی به اقلیت‌های مذهبی اختصاص یافته و ۱۳۱ کرسی میان گروه کارگزاران، ائتلاف خط امام و «منفردها» تقسیم شده است. ۱۴ کرسی از ۲۷۰ کرسی مجلس به حوزه‌هایی اختصاص دارد که آرای آنها از سوی شورای نگهبان باطل شده است. در مجلس چهارم جامعه روحانیت مبارز با ۱۴۰ کرسی اکثریت داشت.

ارزیابی آماری بر آن دلالت دارد که هیچ یک از جناحها اکثریت مطلق را کسب نکرده‌اند.

در حالی که روز جمعه ۳۱ فروردین انتخابات مرحله دوم مجلس پنجم در جریان بود، کار بررسی نتایج انتخابات مرحله اول ادامه داشت. شورای نگهبان در مرحله اول انتخابات آرای شهرهای اصفهان، نائین، نجف‌آباد، میاندوآب، خمین، آستارا، برخوار، میمه، ملایر، تفرش و آشتیان را به نفع جامعه روحانیت مبارز باطل کرد. در این مناطق به نفع کاندیداهای جناح رسالت رای کمی به صندوقها ریخته شده بود.

شورای نگهبان در شهرهای سیرجان، زنجان، میبد، اردکان و ساوه با ابطال آرای برخی صندوقها به جایگزینی افراد دلخواه پرداخت.

# جنگ لبنان و تحرک دیپلماتیک جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

تردیدی نیست که سوریه، حزب‌الله لبنان را به چنین توافقی وادار کرده است. بعداً معلوم خواهد شد که آمریکا در ازای این خدمت حافظ اسد، چه قولهایی در ارتباط با روند صلح به وی داده است. چنین وعده‌هایی می‌تواند مثلاً در مورد عقب‌نشینی اسرائیل از بلندیهای جولان باشد.

هر چند سوریه و نیروهای نظامی‌اش در لبنان، پشت جبهه حزب‌الله محسوب می‌شوند و حزب‌الله، تا کنون هر چه کرده لااقل با موافقت ضمنی سوریه بوده است، اما رهبری ایدئولوژیک و سیاسی حزب‌الله لبنان در دست جمهوری اسلامی است و سوریه اگر بخواهد رابطه حسنه خود را با حزب‌الله حفظ کند، باید خواست‌های خود را به کمک مقامات تهران و با «زبان خوش» به حزب‌الله حالی کند. در اینجاست که دیپلماسی جمهوری اسلامی به کار سوریه آمده است.

جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود، از اینکه بالاخره پس از مدتها، در عرصه بین‌المللی کسانی پیدا شدند که به حکام تهران به عنوان طرفین مذاکره برخورد کردند و نه یاغیان بین‌المللی، خوشحال است. برای اولین بار است که در تمام طول منازعات خاورمیانه هر دو کشور ایران و اسرائیل توافق بدست آمده را یک «موفقیت» دانسته و از آن استقبال کرده‌اند. در حقیقت، کسی که در این ماجرا بیش از همه آسیب دیده، ملت لبنان است. صدها نفر از مردم غیرنظامی بی‌گناه در این کشور، قربانی بمب‌ها، موشکها و گلوله‌های اسرائیلی شدند. نیم میلیون نفر لبنانی آواره گشتند. در مذاکرات هفته گذشته، آنچه که محلی از اعراب نداشت، سرنوشت این مردم بود. در توافق حاصله نیز در عمل، حق مقاومت این مردم در برابر اشغال کشورشان توسط اسرائیل، نفی شده است. بدون اینکه اسرائیل کوچکترین تعهدی مبنی بر خروج نیروهایش از «نوار امنیتی» در جنوب لبنان متقبل شود.

مردم لبنان در نومیدی و خشمی که زیر بمباران اسرائیل بدان دچار شده‌اند، رو به حمایت معنوی از حزب‌الله به مثابه تنها نیرویی آورده‌اند که علیه اشغال بخشی از لبنان توسط اسرائیل اقدام می‌کند، غافل از آنکه میدان مانور رهبری حزب‌الله لبنان، حصار تنگی است که منافع سوریه تعیین می‌کند و از طریق جمهوری اسلامی تفهیم می‌شود. حمایت سوریه و جمهوری اسلامی از حزب‌الله لبنان، به شدت تابع مصالح این دو دولت است که هر وقت منافعشان ایجاب کند، همه حرفهای پرطمطراق در دفاع آتشین از مردم لبنان را یکشبه فراموش خواهند کرد.

# کمیسیون حقوق بشر رژیم اسلامی را بار دیگر محکوم کرد

بقیه از صفحه اول

قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر، جامعه اروپا با جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده و خواسته بود تا با لغو فتوای کشتن سلمان رشدی و تعهد در عدم مداخله در کار نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، این قطعنامه با توافق طرفین به تصویب برسد ولی پس از خودداری جمهوری اسلامی از قبول این پیشنهادها، جامعه اروپا این قطعنامه را بدون موافقت حکومت اسلامی به رای گذاشت.

# تصمیم اتحادیه اروپا به ادامه «دیالوگ انتقادی»

بقیه از صفحه اول

اروپا را بسیار «جدی و مسئولانه» خواند.

بنابه گفته کینکل، اکثریت وزرای خارجه اتحادیه اروپا مخالف تحریم اقتصادی ایران بودند و هیچ یک از آنان بر قطع دیالوگ با جمهوری اسلامی تاکید نداشتند. کینکل اظهار داشت که روابط با جمهوری اسلامی سرد شده است، برای گرم‌تر شدن آن باید جمهوری اسلامی به اقداماتی دست بزند.

دولت آلمان از مدافعین اصلی حفظ روابط حسنه سیاسی با جمهوری اسلامی و از طراحان سیاست «دیالوگ انتقادی» با دولت تهران است. واقعیت این است که تاکنون در روابط اتحادیه اروپا با ایران، جنبه انتقادی در دیالوگ‌ها همیشه امر فرعی و تابعی از مناسبات اقتصادی و اوضاع و احوال سیاسی بوده است. سیاست دیالوگ‌انتقادی بیش از آن که بیانگر اعمال فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی باشد، پوشش و سپر دفاعی دولت‌های کشورهای اروپای غربی به ویژه آلمان در مقابل فشارهای اپوزیسیون چپ و دموکرات در این کشورهابوده است. انتقاد نسبت به سیاست «دیالوگ انتقادی» به دنبال افزایش اقدامات تروریستی حزب‌الله در اسرائیل، ادامه مقابله جمهوری اسلامی با روند صلح در خاورمیانه و روشن‌تر شدن نقش جمهوری اسلامی در ترور مخالفین و رهبران اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور بالا گرفت.

این انتقادها به دنبال سیاست دولت آمریکا دایر بر تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی بر حکومت ایران افزایش یافت. دولت آلمان به مثابه مهمترین شریک تجاری ایران و مهم‌ترین مدافع سیاست دیالوگ انتقادی، بیش از پیش پیشبرد این سیاست را با مانع مواجه دید.

برای جمهوری اسلامی نیز به تدریج فضای مانور بین اروپا و آمریکا محدودتر شد و امکان استفاده از تضاد منافع این دو، مشکل‌تر گشت.

در چنین شرایطی تاکید مجدد اتحادیه اروپا بر ادامه سیاست «دیالوگ انتقادی» و عدم اتخاذ تصمیمی صریح و قاطع برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی، از سویی جایگاه مهم و استراتژیک این روش را در سیاست خارجی اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان به نمایش می‌گذارد و از سویی دیگر بر انجام توافق‌هایی پنهانی و گردن گذاردن جمهوری اسلامی به شرایط معینی در ارتباط با مسائل مربوط به خاورمیانه دلالت دارد.

بدون شک این تصمیمات اتحادیه اروپا بی‌ارتباط با توافق‌های اسرائیل و حزب‌الله لبنان نیست. مذاکرات وارن کریستوفر، وزیر خارجه ایالات متحده در سوریه با حافظ اسد، حضور همزمان وزیر خارجه فرانسه در این کشور و رفت و آمدهای مکرر ولایتی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی به سوریه، نمودهای مذاکرات چند جانبه و غیر مستقیمی بود که بین آمریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا با سوریه، جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان جریان داشت. جمهوری اسلامی در هماهنگی با سوریه به مثابه‌میانجی، حزب‌الله لبنان را به انجام توافقی وادار کرد که در نتیجه آن شیمون پرز از وضعیت دشوار که در آن گرفتار آمده بود، رهایی یافت. شروع جنگ برای پیروزی در انتخابات و ظاهراً برای پیشبرد روند صلح از طریق کشتار و آواره کردن انسانها در لبنان. این چنبره تناقضی بود که پرز در آن گرفتار شده بود. شواهد حاکی از آن است که جمهوری اسلامی در این زمینه ایفای نقشی را پذیرفته است که نمی‌تواند موقت باشد. اتخاذ این مواضع و به نوعی کنار آمدن با روندهای صلح در منطقه از سوی جمهوری اسلامی تداوم خواهد داشت . در چنین صورتی اتحادیه اروپا موفق شده است جمهوری اسلامی را به پذیرش عملی برخی از شروط خود وادار کند.

www.iran-archive.com

# گزارش فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران

بقیه از صفحه اول

سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی، تجاوز، زنا، مقاربت جنس مرد غیر مسلمان با زن مسلمان، قاچاق مواد مخدر، استفاده از سلاح و مخل کردن آسایش و مردم و تجاوز جنسی به عنف

در نوامبر ۱۹۹۵ مجلس قانون دیگری را وضع کرد که مجازات آن نیز اعدام می‌باشد:

خدشه آوردن به امنیت کشور، تهمت زدن به مقامات بلند پایه دولتی، توهین به خاطره امام خمینی و بی‌حرمتی به رهبران جمهوری اسلامی.

موریس کاپیتورن می‌نویسد:

دولت اعتراف کرده که در سال قبل در تهران بزرگ تاکنون ۳۰ نفر به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شده‌اند.

در مورد سلمان رشدی در گزارش آمده است که آقای ولایتی، گفته است که ما با بازار مشترک اروپا در مکاتبات، مسایل مربوط به سلمان رشدی تصمیم و امیدواریم که این مسئله هر چه زودتر به نتیجه برسد.

سرنوشت بهائیان در ایران بسیار غم‌انگیز است. تا کنون افرادی فقط به جرم بهائیت به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. در چند مورد نیز املاک اعدام‌شدگان بهایی از طرف دولت ضبط شده و خانواده آنان را بی‌خانمانی دچار کرده‌اند.

در مورد آزادی رسانه‌ها، موریس کاپیتورن به دو فقره اشاره کرده که شامل «گردون» و نشریه «توس» میشود. دولت دلیل دادگاهی عباس معروفی را شکایت مردم و بی‌حرمتی به اعتقادات مردم دانسته است.

## زندانها

افراد زیر هنوز در زندانها در انتظار مرگ هستند:

ج ـ مهرابی، ۵۰ ساله، بهایی، اهل یزد.

رحمان رجبی ۲۸ ساله، عضو حزب دمکرات کردستان ایران

علی مدد کرمی، فعالیت در کردستان

سید محمد مهدی عباس‌زاده، کاظم افخمی مقدم، تبریزی و جلیل شوقی خطیبی، به اتهام فعالیت برای سازمان «سیا»

سهراب معینی ، فعالیت در کردستان

روحانیون زیر نیز به جرم فعالیت بر علیه جمهوری اسلامی و ایجاد تشکیلات، دستگیر و در جریان دادگاهی شدن هستند. تقاضای اعدام برای آنان شده است:

حجت‌السلام شیخ محمد تقی ۴۵ ساله از قم

سید عبدالرسول موسوی ۴۵ ساله از قم

محمد علی، دستگیری در تهران

طالب صالحی ۴۰ ساله، دستگیری در قم

احمد آخوند

تقی آخوند ۳۳ ساله، دستگیری در تهران

هادی آخوند ۲۹ ساله دستگیری در تهران

آیت‌الله سید مرتضی پیشنمازی ۳۳ ساله، دستگیر در قم

حجت‌السلام شیخ محمد دلواریان (حایری) ۳۲ ساله دستگیر در قم

حجت السلام شیخ محمد فاضل صفار ۳۳ ساله، دستگیر در قم

حجت‌السلام سید عباس موسوی ۳۰ ساله دستگیر در قم

حجت‌السلام فواد فوجیان ۳۳ ساله، دستگیر در تهران

حجت‌السلام شیخ صالح هدایتی ۲۹ ساله، دستگیر در تهران

حجت‌السلام شیخ مکی ۳۲ ساله، دستگیر در تهران

حاج محمد غفاری ۴۲ ساله دستگیر در تهران

حجت‌السلام هادی ذاکری، ۲۹ ساله، دستگیر در تهران

## دیدار از زندان

نماینده ویژه روز ۱۳ فوریه از زندان اوین دیدار کرد. در زندان با اسدالله لاجوردی رئیس اوین ملاقات داشته و از طرف او به موریس کاپیتورن ترجمه انگلیسی قانون زندانهای جمهوری اسلامی داده شده است.

او از لاجوردی پرسیده است که آیا او از منشور سازمان ملل در مورد رفتار با متهمان اطلاع دارد؟ او اظهار بی‌اطلاعی نمود. لاجوردی تائید کرد که در زندانهای ایران ۹۸۰۰۰ نفر زندانی وجود دارند

آقای کاپیتورن می‌نویسد: در زندان خواهان دیدار با افراد زیر شدم:

کیوان خلج‌آباد، و بهنام متقی، بهائیان، احمد بختیاری از سازمان فدائیان (اقلیت)، بهرام جعفری دنیائی به جرم سیاسی، رضا جعفری، کشیش مسیحی، هدایت‌الله زنده‌دل، تاجر یهودی به جرم جاسوسی و عباس امیرانتظام.

از این میان فقط با کیوان خلج‌آبادی و بهنام متقی و عباس امیرانتظام دیدار داشتم. مسئولان از رضا جعفری، کشیش مسیحی و هدایت‌الله زنده‌دل اظهار بی‌اطلاعی کردند.

در دیدار با امیرانتظام مسایل زیر از طرف او افشا شد:

با تقاضای من در مورد حضور هئیت منصفه و وکیل مدافع انتخابی خودم، موافقت نشد

– در یک شب پاییز ۱۹۸۱، ۱۱۰۰ زندانی متعلق به سازمانهای چپ را اعدام کردند.

او تقاضای دادگاهی شدن علنی خود با حضور هئیت منصفه، وکیل مدافع و حضور سازمان های بین‌المللی شد.

بعضی از زندانیان مدعی هستند که پس از سفر گالیندوپل و دیدارشان در زندان اوین، آنان شکنجه شده‌اند. امیرانتظام شنوائی گوش چپ خود را از دست داده است.

## موارد ناپدید شدن و مرگ مشکوک

نماینده مخصوص در این بخش از گزارش خود می‌نویسد که او اطلاعاتی پیرامون ناپدید شدن و آدم‌ربائی آشکار علی توسلی، ۴۵ ساله در روز ۱۷ سپتامبر از باکو توصیف شده است دریافت کرده است. آقای توسلی بازرگانی معرفی شده است که قبلاً در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فعال بوده است. گزارش در مورد واکنش دولت ایران در قبال این اطلاعات ساکت است.

همچنین نویسنده و مترجم مشهور، آقای احمد میرعلائی نیز مطابق گزارشها ناپدید شده و روز ۱۴ نوامبر ۱۹۹۵ جسد او در اطراف اصفهان کشف شده است. دولت در این مورد نیز سکوت کرده است.

دولت در مورد ترور زهرا رجبی و عبدل‌علی مرادی، اعضای شورای ملی مقاومت ، اظهار بی‌اطلاعی کرد.

ترور اعضای حزب دمکرات کردستان: غفور مهدی زاده، علی امین و صادق عبداللهی در کویا، عثمان رویان و ابوبکر رجبی در اربیل، رحمان شعبان‌زاده و علی عبدالله و محمود در سلیمانیه، از طرف دولت انکار شده است.

## تازه‌ترین مورد قتل

آخرین موردی که توجه نماینده ویژه به آن جلب شده مرگ مشکوک آقای مولوی احمدسید، روحانی سنی، ۵۰ ساله است که روز ۲۸ ژانویه ۹۶ در فرودگاه بندرعباس توسط ۶ پاسدار بازداشت می‌شود و روز ۲ فوریه جسد اعدام شده او در اطراف شهر کشف می‌شود. آقای مولوی احمدسید در سال ۱۹۹۰ نیز بازداشت و به ۵ سال زندان در بندر عباس محکوم شده بود. مطابق گزارش مولوی احمدسید چهارمین روحانی سنی است که بصورت مشکوک در این منطقه ناپدید شده است.

نماینده ویژه از مقامات ایران در مورد این قتل تقاضای اطلاعات کرده است.

## نتیجه گیری

نماینده ویژه احساس می‌کند که پس از این دوره کوتاه پرداختن به مسئولیتی که پذیرفته است هنوز زمان برای نتیجه‌گیری نهائی زود است. این مرحله الزاماً مشاهدات، طرح پرسشها، و شناسائی عرصه‌هائی است که باید با جزئیات بیشتر مورد وارسی قرار گیرند.

جمهوری اسلامی یک جامعه دینامیک است. به وضوح دیده می‌شود که در اغلب مسائلی که جامعه با آن روبروست طیفی از نظرات عمل می‌کند. بر سر بسیاری مسایل بحث بصورت انصافاً باز و به گونه‌ای مشهود فعال جریان دارد. در ضمن در هر حالت از نقطه نظر نماینده ویژه جای نگرانی قابل ملاحظه از چشم‌انداز وضعیت حقوق بشر باقی است و شماری از این موارد که در گزارش حاضر ارائه شده‌اند.

به زبان کلی‌تر، به هر حال اصطلاح «حقوق بشر» هنوز به نظر نمی‌رسد که بصورت گسترده در کشور و بصورت یک سیستم ارزشی و رویه‌ای به منظور حفظ شأن فرد پذیرفته شده باشد.

نماینده ویژه اعتقاد دارد که که مسئولیت او تنها پیگیری اقدامات ناقض حقوق بشر نیست. او همچنین موظف است روندها را نیز پیگیری کند و از آن مهمتر با دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه موضوع تغیر، هر چند بطور ضمنی، به دیالوگ بپردازد.

نماینده ویژه معتقد است که تشویق دولت به در پیش گرفتن راهی بسوی گسترش بیشتر فضا، برای اشاعه فرهنگ حقوق بشر از اهمیت بسیار برخوردار است.

---

اعلامیه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

# کشتار مردم توسط اسرائیل را محکوم می‌کنیم

حمله هوائی ارتش اسرائیل به خاک لبنان و بمباران و گلوله‌باران مناطقی در جنوب این کشور و شهر بیروت، تاکنون به قربانی شدن عده کثیری از اهالی بی‌گناه این مناطق منجر شده است. روز گذشته اردوگاهی در جنوب لبنان در نزدیکی شهر طایر توسط راکت و گلوله‌های توپ اسرائیلی درهم کوبیده شد و طی آن بیش از صد تن از زنان و کودکان لبنانی – فلسطینی کشته شدند. این افراد به دنبال آغاز حمله و تهدیدات ارتش اسرائیل به این اردوگاه که در منطقه تحت نظارت نیروهای سازمان ملل قرار دارد، پناه آورده بودند.

اقدامات اخیر ارتش اسرائیل و کشتار این مردم بی‌گناه، اعتراض مردم صلح‌دوست سراسر جهان و خشم و نفرت عظیم مردم لبنان و فلسطین را برانگیخته است.

بمبارانها و گلوله‌بارانهای خاک لبنان توسط اسرائیل به خاطر تلافی عملیات تروریستی حزب‌الله لبنان صورت گرفته است. اینگونه اقدامات که شکل دیگری از بروز تروریسم است، در تقابل مستقیم با روندها و تلاشهای صلح قرار داشته و بیش از پیش به تقویت بنیادگرائی در اسرائیل و در میان فلسطینی‌ها و مردم لبنان منجر خواهد شد و تروریسم در منطقه را گسترش خواهد داد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تجاوز هوائی اسرائیل به خاک لبنان و گلوله‌باران مناطق مسکونی این کشور، که به کشتار بی‌رحمانه بسیاری از ساکنین بی‌گناه این کشور منجر شده است را شدیداً محکوم می‌کند و قطع فوری این حملات را خواستار است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۳۱ فروردین ۱۳۷۵

---

# تحریف مواضع با چه انگیزه‌ای؟

می‌گویند عابدی از خلایق دوری گزیده بود و چهل سال در غاری به عبادت مشغول. وی هر روز ساعت‌ها ریشش را شانه می‌کرد و مجذوب در آینه به آن می‌نگریست. از عالم غیب ندا رسید که تو پیش از آن که به فکر ما باشی، در فکر ریشت هستی. عابد با خشم شروع کرد به کندن دانه دانه ریش‌هایش و شاید باز هم در برابر آینه. بار دیگر ندا آمد که باز هم در فکر ریشت هستی.

حال حکایت آقای علی‌کشتگر است که مجذوبانه در برابر آینه به خویش می‌نگرد و این بار تصمیم گرفته است با چنگ زدن بر چهره دیگران، به آرایش سیمای خویش بپردازد.

در شماره ۱۵ نشریه میهن که توسط آقای کشتگر و به سردبیری وی منتشر می‌شود، دو مقاله علیه سازمان ما نگاشته شده است، سراپا دروغ، که تنها آن را می‌توان غم‌انگیز توصیف کرد. غم‌انگیز از این زاویه که هنوز در میان آنان که خود را چپ تحول یافته می‌دانند، کسانی یافت می‌شوند که کسب اعتبار را از طریق هتک حرمت دیگران می‌جویند و در پی اعتباری حقیر، حقارتی معتبر را پذیرا می‌شوند.

در مقاله‌ای پیرامون انتخابات مجلس پنجم و امر تحریم آن، در نشریه میهن آمده است:

«اماآن چه موجب تأسف است، آن است که جریاناتی مثل سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و یا حزب‌دمکراتیک مردم ایران بدون آن که در این بازی راهی داشته باشند تا آخر حاضر به تحریم نبودند و فقط هنگامی که نهضت آزادی و آقای سحابی از ادامه تلاش خود اعلام انصراف کردند، این دو جریان به تاکتیک تحریم پیوستند».

تا آن جا که به سازمان ما مربوط می‌شود، شورای مرکزی سازمان روز ۸ آبان ۱۳۷۴ یعنی ۴ ماه پیش از برگزاری انتخابات و دو ماه پیش از آن که مدیر مسئول میهن با امضا بیانیه ۹ نفره به جمع تحریم‌کنندگان انتخابات بپیوندد، با صدور اطلاعیه‌ای از مردم ایران خواست که در انتخابات شرکت نکنند.

متن این اعلامیه در «کار» شماره ۱۲۰، ۱۷ آبان ۱۳۷۴) به چاپ رسیده است. چه پیش و به ویژه پس از صدور این اطلاعیه، ما در سرمقاله‌ها و مقاله‌های متعدد در نشریه «کار» ضرورت تحریم انتخابات را باز نمودیم. از جمله تعلل برخی از نیروها در پیوستن به این تحریم را مورد انتقاد قرار دادیم. در واقع هر کس سر سوزنی به مسائل جنبش و مواضع اپوزیسیون علاقه‌مند باشد، از مواضع ما در این زمینه اطلاع دارد.

در مقاله دیگری، که تحت عنوان آیا همکاری با پهلوی‌طلبان نشانه دمکرات بودن است؟ و در نشریه میهن به چاپ رسیده است، مواضعی به سازمان ما نسبت داده شده است که هیچ قرابتی با مواضع سازمان ما درقبال سلطنت‌طلبان و مشروطه‌خواهان ندارد.

اکنون سئوال این است، تحریف آشکار مواضع ما از سوی نشریه میهن با چه انگیزه‌ای صورت گرفته است؟

از دو حالت خارج نیست؛ یا آقای کشتگر مواضع شورای مرکزی سازمان ما، پیرامون تحریم انتخابات و مقالات مندرج در نشریه کار در این زمینه را مطالعه نکرده است، که در آن صورت در بی‌خبری، دروغها و تخیلات خود را به جای مواضع ما نشانده و پراکنده است و یا با اطلاع از آنها این مطالب را منتشر کرده است که...

آقای کشتگر می‌توانند مخالف سازمان ما باشند و در نشریه خود «پیکار با تمام قوا» علیه سازمان را به «نیروهای دموکرات و چپ» توصیه کنند. این حق ایشان و یک انتخاب سیاسی و یا شخصی است. اما تهمت و انتساب دروغ، تماماً به دور از اخلاق سیاسی و امری به شدت نکوهیده است.

باور کنید آقای کشتگر، برای فرهیختگان و پیشروان عرصه فرهنگ و سیاست کشور، دوران تصفیه حساب سیاسی از طریق تهمت و افترا به سر آمده است.

---

# نامهٔ عباس امیرانتظام به کمیتهٔ دفاع از خودش

اخیراً" از سوی کمیتهٔ دفاع از عباس امیرانتظام نامه‌ای منتشر شده است که وی خطاب به کمیتهٔ دفاع از خود نوشته است. نامهٔ امیرانتظام مبنی بر دعوت از خارج‌نشینان برای همکاری برای آزادی ایران، تشکیل «جبههٔ نجات ملی ایران» و کنار گذاشتن گذشتهٔ اختلاف برانگیز است.

این نامه شامل بخش‌های مختلف می‌باشد. در بخشی از نامه امیرانتظام به شرح زندگی و فعالیت‌های سیاسی خود در دوران شاه و پس از آن پرداخته است. این بخش همچنین شامل شکنجه‌ها و فشارهایی است که در زندانهای جمهوری اسلامی در حق وی روا شده است.

در بخشی دیگر از نامه، وی با تأکید بر نیاز به تغییر رژیم، راه‌هایی برای اعمال فشار بین‌المللی بر رژیم اسلامی حاکم بر ایران پیش پای گذاشته است. نکتهٔ مرکزی این بخش‌که شامل ۱۲ بند می‌باشد تکیه بر وحدت ملی برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی است.

امیر انتظام در بخشی دیگر در ۵۶ بند به شرح اجمالی برداشت نظر خود در مورد آیندهٔ ایران پرداخته است. برخی از این بندها عبارتند از:

۱ – اجرای کامل اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۴ – جدایی مطلق دین از سیاست

۱ – ۴ – حذف کامل برنامه‌های عزاداری از رسانه‌های گروهی

۵ – انحلال کلیهٔ نهادهایی که توسط نظام توتالیتر مذهبی به وجود آمده‌اند مانند: سپاه پاسداران – بسیج – وزارت اطلاعات – کمیته‌های نیروهای انتظامی – دادگاه انقلاب – نهاد عقیدتی و سیاسی – نهاد ائمهٔ جمعه و ...

۹ – پیش‌بینی قوانینی برای ایجادیک جمهوری فدرال با تأیید مردم در یک همه‌پرسی با حفظ تمامیت ارضی کشور حداکثر در مدت دو سال

۱۰ – لغو مجازات اعدام با تدابیر لازم و تدوین قوانین مربوطه حداکثر در مدت ۵ سال

۱۴ – بازگرداندن شکوه و عظمت و تمدن تاریخی ایران با اتخاذ رفتار متناسب با شئونات تاریخی ملت کهنسال ایران

۱۷ – استفاده از نیروی خلاقهٔ بانوان کشور

۱۸ – آزاد کردن زن ایرانی از زندانی که رژیم مذهبی برای او ایجاد کرده است.

۱۹ – ایجاد شرایط مساعد برای بازگشت

۴۷ – حل اختلافات با کشورها از طریق مذاکره با حفظ منافع ملت ایران

۵۳ – لغو کلیهٔ قوانین دادگستری و تهیهٔ و تدوین قوانین با رعایت اعلامیهٔ حقوق بشر

قانون قصاص در مورد کلیهٔ‌متجاوزین به حقوق مردم در رژیم مذهبی در بارهٔ آنها اجرا خواهد شد.

در بخشی دیگر از نامه سخنگوی دولت موقت پیرامون ایجاد وحدت برای سازندگی ایران سخن گفته است.

در آخر امیرانتظام پیشنهادهایی برای چگونگی پیگیری «مسئلهٔ» خود ارائه داده است. از جملهٔ این پیشنهادات عبارتند از ارسال متن نوشته‌های وی به نهادهای بین‌المللی و کشورهای مهم جهان، ارسال نامه‌های اعتراضی از سوی ایرانیان به نشانی‌های نامبرده، تظاهرات و متحصن مقابل نمایندگیهای سیاسی جمهوری اسلامی در خارج از کشور و تشکیل کمیته‌های دفاع از امیر انتظام در دیگر کشورها با هدف ارتباط همهٔ آنها با هم.

---

# موحدی ساوجی: مجلس «لیبرالها» را تحمل نخواهد کرد

موحدی ساوجی که یکی از گردانندگان اصلی جناح رسالت است، اعلام کرد که شماری از «لیبرالها» در جریان انتخابات مجلس شورا انتخاب شده‌اند که این موضوع با بازبینی دقیق پرونده‌ها، سوابق و اسناد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. او حضور «لیبرالها» در مجلس شورا را از کمی فرصت شورای نگهبان برای رسیدگی به پرونده‌ها دانسته و تهدید کرده است که مجلس این افراد را تحمل نمی‌کند و به قول خودش «مجلس به وظایف خود عمل خواهد کرد».

موحدی ساوجی یکی از عناصر تندرو و متنفذ جناح حاکم است. وی موقعی که گروه کارگزاران قبل از انجام انتخابات اعلام موجودیت کرد، تهدید نمود در صورتی که رفسنجانی از این گروه اعلام حمایت نماید، مجلس او را مورد استیضاح قرار خواهد داد. اما تهدید او مؤثر واقع نشد و گروه کارگزاران بی‌توجه به این تهدیدها در انتخابات فعالانه شرکت کردند.

www.iran-archive.com

## جریمه‌های کلان برای دست فروشان

مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی یکشنبه‌ی گذشته‌ی (۲۹ فروردین) خود با تصویب لایحه‌ئی کشیدن سیگار را در همه‌ی اماکن عمومی شامل فرودگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، اداره‌ها، سینماها، هتل‌ها و ... ممنوع اعلام کرد. همچنین براساس این لایحه خرید و فروش سیگار در خیابان‌ها ممنوع است و برای سیگار فروشی در حاشیه خیابان‌ها و اماکن عمومی بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار ریال جریمه تعیین شده است.

از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی نمود که اجرای این مصوبه‌ی مجلس با شکست مواجه خواهد شد، زیرا از یک سو مشکلات نفس‌گیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری از مردم را وامی‌دارد که برای کاستن از فشار عصبی خود گاه‌وبی‌گاه به سیگار پناه برند و برای این کار فرقی میان اماکن عمومی و غیر عمومی قائل نشوند. از سوی دیگر بیکاری فزاینده، فقدان فاحش محل‌های اشتغال، تورم افسار گسیخته و سطح نازل درآمدی که در وجه عمده ثمره‌ی سیاست‌های جمهوری اسلامی در ۱۷ سال گذشته می‌باشند بسیاری از مردم را به مسافرکشی و دست‌فروشی کالاهایی هم چون سیگار واداشته است. از این‌رو سیگارفروشان در حاشیه‌ی خیابان‌ها اینک گروه بزرگی را تشکیل می‌دهند که جمهوری اسلامی تاکنون نتوانسته است با بگیر و ببند و ضرب و شتم آنها را از این کار بازدارد؛ لایحه‌ی مزبور نیز تا زمانی که با سیاست‌های اشتغال‌زا و کاهش تورم همراه نشود مشکلی را حل نخواهد کرد. هم‌چنین باید به این واقعیت اشاره کرد که کانال‌های عمده‌ی توزیع سیگار در میان دستفروشان را خود محافل درونی رژیم در اختیار دارند که از قِبَل آن و با دادن بخش اندکی از سود این‌گونه توزیع به دست‌فروشان، به درآمدهای کلان و نجومی دست یافته و می‌یابند. طبیعی است که این محافل نیز در راه اجرای لایحه‌ی مزبور سنگ‌اندازی کنند.

## یزدی: ما می‌توانیم مقامات آلمان را محکوم کنیم

محمد یزدی رئیس قوه‌ی قضائیه‌ی رژیم، روز یکشنبه‌ی گذشته در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد. وی در برابر سؤال خبرنگاری از انگلیس که نظرش را در مورد صدور حکم جلب فلاحیان خواسته بود گفت: دادستان آلمان بدون در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی، چنین حکمی صادر کرده است که در صورت روال بودن این رویه ما هم در ایران پرونده‌هایی داریم که می‌توانیم مقامات آلمانی را محاکمه کنیم. یزدی که چون دیگر سران رژیم در پرونده‌سازی و قلب واقعیت ید طولایی دارد در مورد حادثه‌ی مرگ دردناک علیرضا فرزانه‌فر جوان ۲۳ ساله‌ئی که هنگام حمله‌ی نیروهای بسیجی از طبقه‌ی هجدهم آپارتمانی در شهرک غرب سقوط کرد، وقیحانه اظهار داشت: من تعجب می‌کنم که یک مسئله‌ی جزئی را این همه بزرگ و درشت می‌کنند. نیروی انتظامی طبق گزارش مردمی با حکم قضایی وارد ساختمان شده و با حدود ۶۰ نفر زن و مرد لخت و نیمه‌لخت مواجه می‌شود و در حین نوشتن گزارش خود بوده است که علیرضا فرزانه‌فر که طبق گزارش پزشک قانونی شدیداً به الکل و مواد مخدر مسموم بوده، به بالکن رفته و دور از چشم ماموران خود را پایین می‌اندازد. یزدی در این مصاحبه‌ی مطبوعاتی گزارش اخیر کاپیتورن در مورد نقض حقوق بشر در ایران را متعادل‌تر از گزارش‌های گالیندوپل دانست و از اینکه عمده‌ی سخنان او و دادستان کل و دیگر مقامات قضایی رژیم در این گزارش منعکس شده است، ابراز وجد نمود. رئیس قوه‌ی قضائیه رژیم در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه‌ی آساهی ژاپن در مورد محکومیت عباس معروفی نویسنده‌ی معروف و سردبیر نشریه‌ی گردون به زندان، محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و شلاق گفت، حکم عباس معروفی با نظر هیئت منصفه‌ی مطبوعات صادر شده است وچنانچه این هیئت تشخیص دهد که وی استحقاق تخفیف را دارد، حکم شلاق در مورد وی اجرا نخواهد شد.

## هفته نامه بهمن تعطیل خواهد شد؟

هفته‌نامه «بهمن» که از دیماه سال گذشته شروع به انتشار کرده بود و عمدتاً به نشر و اشاعه دیدگاههای جناح «کارگزاران سازندگی» می‌پرداخت، تعطیل شد. بهمن که صاحب امتیاز آن عطاءالله مهاجرانی، معاون حقوقی و پارلمانی رفسنجانی می‌باشد در ۱۷ شماره گذشته خود کوشیده است در گرماگرم رقابت جناحهای درون حکومت بر سر کرسی‌های مجلس چهره‌ای مستقل و حامی آزادیهای سیاسی و اجتماعی از خود به نمایش بگذارد و جناح مقابل یا «جامعه روحانیت مبارز» را حامل قشارها و محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معرفی کند.

روزنامه های سلام و کیهان چاپ تهران روز شنبه گذشته با استناد به سر مقاله آخرین شماره بهمن صراحتاً از قطعیت تعطیل و توقیف فعالیت این نشریه خبر دادند. تلاش سلام برای گرفتن تماس با مدیر مسئول بهمن بی نتیجه مانده است. بهمن در سرمقاله خود نوشته است که این نشریه بیش از آن که انتظار می‌رفت مورد توجه و حساسیت قرار گرفت، اما اشاره نکرده است که این حساسیت‌ها از جانب چه افرادی یا محافلی بوده است. بیان سربسته بهمن این ظن را تقویت می‌کند که این هفته‌نامه احتمالاً مورد غضب بالاترین جناح روحانیت مبارز و شخص خامنه‌ای واقع شده است.

## حکم جلال‌الدین فارسی نقض شد

چهارشنبه‌ی پیش سومین دور رسیدگی به جنایت جلال‌الدین فارسی در دادگاه عمومی تهران آغاز شد. محاکمه‌ی مجدد به علت تجدید نظر دیوان عالی کشور بر روی حکم اعدام صادره دادگاه کیفری تهران و نقض آن صورت گرفت. جلال‌الدین فارسی که از اندیشه‌پردازان و سردمداران اصلی حکومت اسلامی در بدو انقلاب بود و کاندیدای اصلی روحانیون برای انتخابات دور اول ریاست جمهوری به حساب می‌آمد و به خاطر ملیت غیر ایرانی‌اش نتوانست در آن انتخابات شرکت کند و به نمایندگی دومین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی بسنده کرد، سه سال پیش در جریان یک «شکار تفریحی» پس از یک درگیری لفظی با شخصی به نام محمدرضا رضاخانی، وی را به قتل رساند و از آن زمان پرونده‌ی قتل وی در جریان می‌باشد. فارسی در نخستین دادگاه با حکم «قتل شبه عمد!؟» به پرداخت وجه نقدی محکوم شد و پس از نقض آن حکم توسط دیوان عالی کشور، دادگاه عمومی تهران برای دومین بار پرونده را بررسی نموده، وی را به جرم قتل عمد به اعدام محکوم کرد. وکیل مدافع بازماندگان مقتول در دادگاه گفته است که فارسی یا باید ثابت کند که تیرسوم وی موجب قتل نشده است ویا این‌که چرا جواب درگیری لفظی را با گلوله داده است؟

## افاضات عضو شورای مرکزی جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب در گفتگو با صبح

صبح: ضمن اینکه این اعتقادی قرآنی و قطعی است ولی واقعیت این است که نگرانی‌های جدی هم راجع به آینده‌ی این آرایش سیاسی که به تعبیر جنابعالی روزبروز هم هویداتر می‌شود وجود دارد. عواملی که در جهت تقویت آن جناح عمل می‌کنند گسترده‌تر و فعال‌ترند و از امکانات تبلیغاتی، اجرایی و مالی برخوردارند. متأسفانه متقابلاً ما با نوعی ضعف و فتور در این جریان اصول‌گرا مواجه هستیم و آن فعالیت و سازماندهی و جوشش لازم کمتر دیده می‌شود. خود گذشت زمان به نفع یک جریان غیراصولگرا و دنیازده است. یعنی هر مقدار که از مبدا انقلاب دور می‌شویم، مرور زمان شامل حال انقلاب می‌شود و نفع آن به جیب آنها می‌رود. رسانه‌های ما به اعتقاد بنده اعم از مطبوعات و حتا صدا و سیما با نوع فرهنگ‌سازیی که می‌کنند، بستر مناسبی برای جریان غیراصول‌گرا و دنیازده دارند فراهم می‌کنند. شما واقعاً این نگرانی را ندارید. اگر با این نگرانی موافقید چه کار باید کرد؟

حسینیان: از اینکه می‌بینیم متأسفانه قسمت اعظم از حاکمیت اجرائی دارد به این سمت و سو کشیده می‌شود و بسترهای لیبرالیسم در مملکت دارد بوجود می‌آید، متأسف می‌شویم. شما می‌بینید یک فردی که بهرحال وابستگی به یک شخصیت درجه‌ی اول، این مملکت دارد اصرار می‌کند که دختران ما بیایند در خیابان‌ها و در حضور و انظار و چشم‌ها مانور بدهند و تبلیغ هم می‌شود و امکانات برای آن فراهم می‌شود. ما نتوانستیم مردان را دوچرخه سوار بکنیم ولی اصرار دارند که زن‌ها و دخترها را به دوچرخه‌سواری در خیابان‌ها بکشانند.

طبق گزارشی که به ستاد امر به معروف دادند یکی از ارگان‌ها از بیت‌المال و حقوق عمومی مقدار زیادی دوچرخه‌ی ارزان قیمت وارد کرده تا در اختیار دخترها قرار دهد. در حالی که بسیج می‌خواهد چنین کاری را برای بچه‌های بسیج بکند، نتوانسته است دوچرخه وارد بکند ولی به راحتی این امکانات برای کشاندن جامعه به مرزهای لاابالی‌گری صرف می‌شود. واقعاً اینها جای نگرانی دارد احساس می‌کنید که خطر، دارد نزدیک می‌شود. شما فرض کنید چه افرادی سوار دوچرخه می‌شوند. آیا دختران حزب‌اللهی سوار دوچرخه می‌شوند و دخترانی که پای‌بند اصول اخلاقی هستند؟ اصلاً شخصیت زن و دختر متدین اجازه می‌دهد که در نظر مردم سوار دوچرخه می‌شود. و یک زن با شخصیت به خودش اجازه می‌دهد سوار دوچرخه بشود؟ قطعاً پیشگامان دوچرخه‌سواری در ایران زنان و دختران لاابالی هستند و از اینکه دیگران به آنها نگاه کنند و مورد تیر چشم‌های ناپاک قرار بگیرند، هیچ ابائی ندارند.

این‌ها نگران کننده است. اما به نظرم می‌آید شاید این هم یک لطف الهی است که میخواهد بدی‌ها را به حد خودش برساند یک سیلی برای ماها باشد که خفته‌ایم و دم بسته‌ایم و برای دفاع از انقلاب و اصول‌مان که بخاطر آن هزاران شهید به شهادت رسیده‌اند، بطور جدی به صحنه نمی‌آییم.

من این را به فال نیک می‌گیرم خود من وقتی که اینها را می‌بینم احساس می‌کنم که باید دست‌ها را بالازد و به صحنه بیائیم. این انقلاب وراثت فلان خانواده یا فلان دختر و یا فلان شخصیت نیست که هرگونه که دلشان می‌خواهد با آن بازی کنند. این انقلاب وراثت خون بچه‌های مخلصی است که جز دین و خدا و جز مبانی امام آنها را به صحنه‌ی دفاع نکشاند و اگر یک روزی احساس می‌کردند چنین چیزهایی می‌خواهد از این مملکت بوجود بیاید قطعاً با آن خلوص و آرامش، مرگ را نمی‌پذیرفتند. و ما هم اجازه نمی‌دهیم به این راحتی یک عده‌ئی بیایند چنین برخوردهائی بکنند و بخواهند دستاوردهای این انقلاب از گلویشان براحتی پائین برود.

## مراسم «برائت از مشرکین» برگزار نشد

امسال‌نیزچون‌سال‌های‌گذشته،تلاش رژیم در سیاسی کردن مراسم حج عقیم ماند. مقامات رژیم و در رأس آنها سیدعلی خامنه‌ئی از مدت‌ها پیش از شروع مراسم حج اعلام کردند که امسال مراسم موسوم به برائت از مشرکین را به هر قیمت برگزار خواهند کرد. خامنه‌ئی اجرای این مراسم را از اصول مسلم حج دانست و اظهار داشت که حج بدون آن مفهوم واقعی ندارد. با این‌حال در جریان مراسم حج هنگامی که روشن شد حکومت عربستان که در شقاوت از تبار جمهوری اسلامی است و دستش به خون تعداد کثیری از هموطنان ما که به فریب جمهوری اسلامی در سال ۶۶ در این مراسم شرکت کرده بودند، آلوده است، تصمیم قاطعانه دارد از برگزاری مراسم سیاسی حج جلوگیری کند، ری‌شهری نماینده‌ی خامنه‌ئی از ادای این «تکلیف مهم شرعی» خود صرف‌نظر کرد و اظهار داشت سعی خواهد نمود که در عرفات یا منا به‌طریقی این مراسم را برپا کند.

## خامنه‌ای: نفت مایه دردسر است

یحیا آل‌اسحاق وزیر بازرگانی رژیم همزمان با اذعان به اینکه کشور برای توسعه‌ی صنایع پایه‌ئی سالانه به ۲۰ میلیارد دلار احتیاج دارد، در راستای سخنان خامنه‌ئی که اخیراً نفت را مایه‌ی دردسر خوانده و گفته است دولت باید کاری کند که بتواند در مدت معین در چاه‌های نفت را ببندد، اعلام کرد دولت موظف به تنظیم و تدوین برنامه‌ی اقتصاد بدون نفت شده است.

کار را بر روی

شبکه جهانی اینترنت Internet

بخوانید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست.
علاقمندان می توانند صفحات نشریه و هم‌چنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW، زیر آدرس:
http://193.80.248.16/iran.kar.fadai.aksariyat/
ملاحظه فرمایند.
مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

## خبرهای کوتاه

### تهدید تازه‌ی وزیر دفاع آمریکا

ویلیام پری وزیر دفاع ایالات متحده‌ی آمریکا اخیراً رژیم‌های جمهوری اسلامی، لیبی و عراق را از دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی برحذر داشت و اعلام کرد که دولت آمریکا به هر اقدامی برای جلوگیری از دستیابی سه کشور نامبرده به چنین سلاح‌هایی دست خواهد زد و چه بسا که در این راستا گام‌های دور از انتظاری بردارد.
او استفاده از سلاح‌های هسته‌ئی را برای نیل به این مقصود منتفی ندانست.

### انتقاد صدا و سیمای رژیم از کرباسچی

افزایش اختلاف‌های میان شهرداری تهران و صداو سیمای جمهوری اسلامی بدنبال لغو قراردادهای فی‌مابین، برنامه‌های کانال پنجم تلویزیون که بیشتر به مسائل شهری می‌پردازد و تاکنون عملکردهای کرباسچی شهردار تهران را مورد پشتیبانی قرار می‌داد، اکنون تغییر رویه داده و به انتقاد از وی و نمایش کاستی‌ها و نارسایی‌های تهران بزرگ روی آورده است. علاوه بر رادیو و تلویزیون رژیم، مطبوعات وابسته به جناح راست سنتی و تندرو حکومت نیز با هم‌آهنگی حملات تند خود را بر علیه کرباسچی به اتهام سوءاستفاده‌های مالی از امکانات دولتی درجریان انتخابات مجلس پنجم تشدید کرده‌اند.

### حمله به پناهجویان در پوشش هلال احمر

حزب دموکرات کردستان ایران با انتشار اطلاعیه‌ئی خبر داد که تروریست‌های رژیم اخیراً با استفاده از آمبولانس‌های هلال‌احمر جمهوری اسلامی به نگهبانان اردوگاه‌های پناهجویان کرد ایرانی در ناحیه‌ی پانیجان استان سلیمانیه‌ی کردستان عراق حمله کرده‌اند.

### ترکیه یک پناهجو را به رژیم تحویل داد

خبرگزاری رویتر گزارش داد که پلیس ترکیه مهرداد کاووسی یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران راکه در آن کشور تقاضای پناهندگی کرده بود از طریق یک پاسگاه مرزی به مقامات رژیم جمهوری اسلامی تحویل داده است.
به گفته‌ی سخنگوی دفتر سازمان ملل متحد در ترکیه بیم آن می‌رود که مهرداد کاووسی با داشتن سابقه‌ی فعالیت سیاسی و زندانی بودن به مدت ده سال که در زندان اوین دارد، مورد شکنجه و آزار مأموران ساواک جمهوری اسلامی قرار گیرد.

### اختلاس در بانک تجارت کاشان

براساس گزارش‌های دریافت شده یازده تن از کارمندان شعبه‌های بانک تجارت کاشان و پنج تن از مدیران شرکت‌های تولیدی دولتی به اتهام اختلاس و استفاده‌های غیرقانونی از اعتبارهای بانکی اخیراً دستگیر شدند.
قرار است دستگیرشدگان در دادگاه انقلاب اسلامی اراک که مرکز استان مرکزی می‌باشد محاکمه شوند.

### ۲۷ نفر در یک حادثه رانندگی کشته شدند

در یک تصادف رانندگی در استان اصفهان ۲۷ نفر کشته شدند. اتوبوس حامل مسافران که از بندرعباس رهسپار تهران بود با یک کامیون حامل سیمان برخورد کرد و بشدت متلاشی شد.
در این حادثه تمامی مسافران اتوبوس پیش از رسیدن مأمورین امداد جان سپردند. پیکر بسیاری از مسافران چنان آسیب دیده بود که پلیس برای شناسایی آنها از خانواده‌هایشان امداد خواسته بود. بنابر نظر کارشناسان شهری و بین شهری جاده‌های ایران فاقد امکانات ایمنی هستند و سالانه بیش از ۳۰ هزار تصادم رخ می‌دهد که به مرگ ۳۰ هزار نفر منجر می‌شود.

### اجرای مرحله‌اول طرح ایمن‌سازی فلج‌اطفال

بنا به گزارش روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نوبت اول واکسیناسیون سومین دوره‌ی روزهای ملی ایمن‌سازی فلج اطفال در روز ۲۱ اردیبهشت ماه و نوبت دوم در ۲۵ خرداد ماه، در ۶ هزار پایگاه سراسر کشور صورت می‌پذیرد.
شایان ذکر است که این بیماری در نیمه‌ی اول دهه‌ی میلادی جاری در نیمکره‌ی غربی ریشه‌کن شد و سازمان بهداشت جهانی قصد دارد تا سال ۲۰۰۰ این بیماری را نیز مانند آبله در سطح جهان از بین ببرد.

### احتمال وقوع فاجعه‌ئی زیست محیطی

محمود عبدالمحمد هم‌آهنگ کننده‌ی سازمان منطقه‌ئی حفاظت از محیط زیست دریایی که مقر آن در کویت است در مصاحبه‌ئی با خبرگزاری فرانسه هشدار داد در صورتیکه بقایای ده‌ها نفت‌کش و کشتی‌جنگی آسیب‌دیده در جریان دو جنگ خلیج فارس از عمق آبهای این منطقه بیرون کشیده نشود خطر وقوع یک فاجعه‌ی زیست محیطی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. فاجعه‌ئی که تمامی کشورهای مجاور خلیج فارس را تهدید می‌کند.
بنا به اظهارات این کارشناس حفظ محیط زیست، این کشتی‌ها که تعدادشان حدود ۲۰۰ عدد است، مقادیر زیادی نفت یا سلاح و مهمات که دارای مواد شیمیایی خطرناک می‌باشند با خود به قعر آب‌های خلیج فارس برده‌اند.

### اعطای بورس تحصیلی با هزینه‌ی شخصی!؟

بنابه گزارش روابط عمومی سازمان سنجش آموزش کشور آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی (دوره‌های دکترای تخصصی اعزام به خارج از کشور) سال ۱۳۵۷ برای شرکت در امتحان رشته‌های گروه‌های آموزشی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، هنر و رشته‌ی دامپزشکی با استفاده از «بورس تحصیلی به هزینه‌ی شخصی» در نیمه‌ی دوم اردی‌بهشت ماه برگزار می‌شود.

www.iran-archive.com

# اتحادیه اروپا سالانه به ۷ میلیون مهاجر نیاز خواهد داشت

*صاحبنظران اجتماعی، وضعیت اتحادیه‌ی اروپایی از نظر جمعیت‌شناسی را اسفناک توصیف می‌کنند. پیر شدن جمعیت بطور جهشی افزایش خواهد یافت و تنها «خون تازه» از کشورهای جهان سوم می‌تواند سیستم تأمین اجتماعی را نجات دهد.*

*آنچه می‌خوانید ترجمه‌ی مقاله‌ئی با عنوان فوق از نشریه‌ی* Die Presse *چاپ اتریش که در شماره‌ی ۱۷ آوریل آن درج گردیده، می‌باشد.*

مشخصات جمعیتی اتحادیه‌ی اروپا در سال‌های آینده بطور اساسی تغییر خواهد کرد. بر اساس پیش‌بینی‌های انجام گرفته در سال ۲۰۲۵ در مجموع ۱۱۳/۵ میلیون نفر از جمعیت اروپا بیش از ۶۰ سال سن خواهند داشت که میزان آن ۵۰٪ بیش از امروز است. از طرف دیگر در همین مدت جمعیت افراد زیر ۲۰ سال ۱۱ درصد کاهش خواهد یافت. چنین تحولی می‌تواند عواقب وخیمی برای سیستم تأمین اجتماعی این کشورها داشته باشد. برای حفظ این سیستم بدون انجام تغییرات اساسی در آن، تزریق «خون تازه» از کشورهای جهان سوم لازم است.

یک بررسی از طرف کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا در این رابطه ارقام تکان‌دهنده‌ئی ارائه می‌دهد: در سال ۲۰۲۵ اروپا به سالانه ۷ میلیون مهاجر احتیاج خواهد داشت تا بتواند کسری بودجه‌ی تأمین اجتماعی را جبران کند. کمیسر تأمین اجتماعی اتحادیه‌ی اروپا «پادرایگ فلون» می‌گوید: «ما از نظر جمعیت شناسی با یک وضعیت شدیداً اسفناک روبرو هستیم که برای مقابله با آن آمادگی نداریم».

ارقام سخن می‌گویند: در سال ۲۰۲۵ شهروندان مسن بالای ۶۰ سال در اتحادیه‌ی اروپا از رقم ۷۶/۳ میلیون فعلی به ۱۱۳/۵ میلیون افزایش خواهد یافت. این افزایش بصورت یکنواخت نخواهد بود بلکه بعلت مسن شدن «نسل دوره‌ی شکوفائی» از سال ۲۰۰۶ حالت جهشی خواهد داشت. به گزارش کمیسیون این وضع به بازنشستگی در سطح بی‌سابقه‌ئی منجر خواهد شد. علاوه بر آن تعداد شهروندان پیرتر نیز افزایش خواهد یافت. در سال ۲۰۲۵ تعداد افراد بالای ۸۰ سال ۱/۷ برابر، افراد بالای ۸۵ سال دو برابر و افراد بالای ۹۰ سال سه برابر خواهد بود. همزمان بعلت کاهش جمعیت روند «پیر شدن» اروپا تشدید خواهد شد. تعداد افراد زیر ۲۰ سال ۱۱٪ (۹/۵ میلیون نفر) و افراد ۵۹-۲۰ ساله ۶/۴٪ کاهش خواهد یافت. این بمعنی ۱۳ میلیون نیروی کار کمتر است و سیستم تأمین اجتماعی زیر چنین فشار خرد کننده‌ئی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

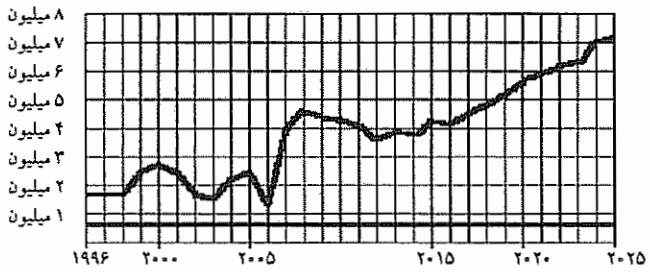


کمیسیون در گزارش خود مهاجرت جدید را به‌عنوان راه خروج از این مشکل طرح می‌کند. بروکسل (اتحادیه‌ی اروپا) محاسبه کرده است که اروپا در سال ۲۰۲۵ به مهاجرت بین ۵ تا ۷ میلیون مهاجر از کشورهای جهان سوم احتیاج خواهد داشت. این رقم در حدود ۸ تا ۱۴ برابر تعداد مهاجرین فعلی (۵۲۵۰۰۰ مهاجر در سال) است. گزارش اضافه کرده است: «بدلیل کاهش بارآوری و پیر شدن جمعیت اتحاد اروپا مهاجرت نقش فزاینده‌ئی در رشد این اتحادیه از نظر جمعیت‌شناسی خواهد داشت».

با این وجود به موضوع بحث‌انگیز مهاجرت نمی‌توان فقط از زاویه‌ی آمار و ارقام نگریست. هم‌اکنون در همه‌ی کشورهای اتحادیه‌ی اروپا بحث‌های سیاسی داغی درباره‌ی «خویشاوندان فقیر» کشورهای جهان سوم جریان دارد که در اتحادیه‌ی اروپا به عنوان سرزمین موعود رفاه اقتصادی می‌نگرند. تجربه و تحلیل ارقام مربوط به مهاجرت واهی بودن این بحث‌ها را نشان می‌دهد. این بحث‌ها پس از تحولات ژئوپولیتیک نظیر وحدت مجدد آلمان، ازهم پاشیدگی بلوک شرق و بحران یوگسلاوی که به افزایش تعداد مهاجران به یک میلیون در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ انجامید، اوج گرفت. تعداد مهاجرین در سال‌های دهه‌ی ۷۰ به ۳۰۰۰۰۰ نفر در سال بالغ می‌شد که در سال‌های ۸۰ این رقم حتا قدری هم کاهش داشت. بنابراین کارشناسان بروکسل چندان خوش‌بین نیستند که حتا در صورت حل عملی مشکلات سیاسی اینکار در اروپای فعلی با ۱۸/۳ میلیون بیکار بتوان به رقم ۷ میلیون مهاجر در سال دست یافت.

علاوه بر این باید در نظر داشت که مهاجرین از کشورهای جهان سوم را نباید بطور ساده به‌عنوان «خون تازه» برای بازار کار و سیستم تأمین اجتماعی نگریست. این افراد نیز بهرحال پیر می‌شوند و انتظار دارند بتوانند از همان امکانات تأمین اجتماعی که همکاران آنها برخوردارند استفاده کنند.

راه دوم برای خروج از این بحران جمعیت‌شناسانه یک «رفرم» اساسی در کل سیستم تأمین اجتماعی (حذف یا کاهش امکانات اجتماعی ارائه شده) موجود است.

دولت‌های اروپائی نمی‌توانند مدت زیادی نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشند و باید دیر یا زود انتخاب کنندگان خود را در برابر یک انتخاب نامطلوب قرار دهند: انتخاب بین «اجتناب داوطلبانه از امتیازاتی (تأمین اجتماعی) که به آنها عادت کردند» و یا «یک اروپا با درهای باز».

# پیرمرد را آیا فرزندی انتظار می‌کشد؟

*در شماره‌ی ۱۱۸ نشریه‌ی کار در مطلبی با عنوان «جشن عاطفه‌ها و ...» اشاره‌ئی داشتیم به نامه‌ی دانشجویی به روزنامه‌ی سلام که در آن نویسنده شرح می‌دهد که چگونه خانمی ۷۰-۶۰ ساله براثر بی‌توجهی مردم و مقامات مسئول، به خاطر ضعف مفرط پس از سه چهار روز جدال با مرگ، روی صندلی ایستگاه اتوبوس جان می‌دهد. بخش‌هایی از نامه‌ی متأثر کننده‌ی این جوان دانشجو متعاقباً در نشریه‌ی آدینه نیز چاپ گردید. در زیر ابتدا مطلبی را در ادامه‌ی این تراژدی که در شماره‌ی ۱۰۶ نشریه‌ی آدینه درج گردیده است، می‌خوانید و سپس پیام تلفنی یک خواننده‌ی روزنامه‌ی سلام را که از مورد مشابهی در روزهای اخیر خبر می‌دهد و پاسخ این روزنامه از نظرتان می‌گذرد.*

وقتی گوشی تلفن را برداشتم، صدای خانمی با وقار و بغض‌آلود به گوشم خورد:

– آقای مدیر، من دختر همان مادری هستم که چندی پیش روی صندلی ایستگاه اتوبوس جان باخت و حکایت دردناک او با عنوان «می‌توانست مادر همه‌ی ما باشد» در تیتر اول به قلم شما چاپ شد. (صدای گریه لحظه به لحظه بیشتر می‌شد) مات و متحیر گوشی تلفن در دستم بود و نمی‌دانستم چه باید بگویم.

– خانم محترم به شما تسلیت می‌گوییم، امیدواریم خداوند به شما صبر و شکیبایی بدهد، به هر حال مرگ حق است و مسلماً نوبت همه خواهد رسید.

– باور کنید در آن روزهایی که مادر پیر و علیلم گم شده بود، به همه جا سرزدیم، تمام بیمارستان‌ها را گشتیم، به اکثر پاسگاه‌ها مراجعه کردیم غافل از این که مادر بیچاره‌ام، روی صندلی ایستگاه اتوبوس با مرگ دست به گریبان بوده و هیچ‌کس او را یاری نکرده است و ... (هق هق گریه امان نمی‌دهد که جملاتش را تمام کند.) لحظه‌ئی سکوت مطلق و دوباره ادامه داد:

– از دوستانم شنیدم که مجله‌ئی حکایت مرگ مادرم را چاپ کرده است پرسان پرسان آدینه را یافتم و قصدم از مزاحمت این است که از شما سپاس‌گزاری کنم، در ضمن خواهش می‌کنم، نشانی یا تلفن آن دانشجوی محترمی را که در جریان مرگ مادرم شاهد و ناظر بوده و کوشیده به او کمک کند، به من لطف کنید تا از او هم قدردانی کنم.

– واقعیت این است که این حادثه را بار اول همان دانشجو نوشت و روزنامه‌ی سلام نامه‌ی آن دانشجو را چاپ کرد و من پس از خواندن آن نامه سخت متأثر شدم و تصمیم گرفتم که دوباره ماجرا را طرح کنم. نام و نشانی آن دانشجوی محترم را باید از روزنامه‌ی سلام جویاشوید.

– وقت شما را بیش از این نمی‌گیرم و در پایان از شما سپاس‌گزارم و از خداوند متعال برای همه‌ی کسانی که در راه اعتلای فرهنگ و توسعه‌ی عدالت اجتماعی در جامعه قلم می‌زنند سربلندی خواستارم، خدانگهدار.

* * *

● چند روز است که آقای میانسالی در خرابه‌ئی واقع در خیابان آزادی، خیابان استاد معین افتاده است و رفته رفته در حال مرگ می‌باشد. بنده بارها ایشان را قبلاً همان حوالی دیده‌ام و آدم محترمی بودند و شبها هم در گوشه‌ئی مأوا می‌گرفتند. به هرکجا که به فکرم رسید، زنگ زدم ولی متأسفانه کسی به فریادش نرسید! می‌خواستم بپرسم آیا سازمانی متولی چنین اشخاصی نیست که حداقل از مرگ نجات یابند؟

سلام در پاسخ پی گیری های خود را پیرامون موضوع گزارش می‌دهد و می‌نویسد که ابتدا با کمیته‌ی امداد خمینی تماس گرفته و آنها عنوان نمودند که در این مواقع مسئولیت قانونی ندارند و متولی این امور، سازمان بهزیستی می‌باشد و نیروی انتظامی یا مراجع قضایی چنین افرادی را باید در اختیار مراکز سازمان بهزیستی قرار دهند تا سازمان ترتیب اسکان و احیاناً درمان و رفع و رجوع مشکلات آنان را بدهد. دفتر فرماندهی نیروی انتظامی پس از تماس عنوان نمود که باید به اورژانس اطلاع داده شود. بالاخره قرار شد که یک واحد از نیروی انتظامی به محل اعزام شده و ایشان را به سازمان بهزیستی تحویل دهند (ساعت ۲ الی ۳ بعدازظهر روز دوشنبه سوم اردیبهشت ماه) ساعت ۷ بعدازظهر سه شنبه چهارم اردیبهشت ماه، پیرمرد هنوز در خرابه هست و هر لحظه هم حالش بدتر می‌شود!

## درد دل یک معلم

امروز شاهد ماجرایی بودم که واقعاً دلم به درد آمد. دانش‌آموزی را برای درس کنار تخته فراخواندم که دیدم دانش‌آموز بعد از چند لحظه افتاد. وقتی او را به دفتر مدرسه بردیم و با دادن آب قند کمی حالش را به جا آوردیم متوجه شدیم که حدود ۳ الی ۴ روز می‌باشد که غذا نخورده است.

بعد از تحقیق دیدیم که پدرش قبلاً مرتب در صحنه‌های جنگ شرکت داشته و بعد براثر حادثه‌ئی فوت کرده و مادرش که در زیرزمین متروکه‌ئی زندگی می‌کند، مجبور است برای امرار معاش فرزندانش در یک تولیدی کار کند که الان حدود دو هفته می‌باشد تولیدی تعطیل شده و حالا مادر این بچه قادر به سیر کردن شکم فرزندانش نیست.

# من بابا چقدر باید خجالت بکشم

آقای علی‌اصغر عسگرشاهی کارمندی با ۲۲ سال سابقه‌ی کار شکوائیه‌ئی از گرانی سرسام‌آور و اوضاع نابسامان اقتصادی خود نوشته است که در شماره‌ی ۱۹ فروردین ماه روزنامه‌ی سلام درج گردید. بخش‌هایی از این نامه از نظرتان می‌گذرد.

هفدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به تازگی پشت سر گذاشته‌ایم و فرزندان دختر انقلاب به سنی رسیدند که باید برای آنها تشکیل خانواده داد، اما اگر پدر این دختر کارمندی متعهد، صادق، امانتدار و مقید به مسائل حرام و حلال باشد و در مجموع مقید به همان اصولی باشد که برایش انقلاب کرده و با آن حقوقی که به وی داده‌اند نه تنها از عهده‌ی تأمین جهیزیه‌ی حتا یک دخترش برنمی‌آید بلکه اگر دخترش هم بمیرد از عهده‌ی پرداخت هزینه‌ی دفن و کفن او برنخواهد آمد.

سئوال این جا است که چرا کارمندی مثل حقیر با مدرک تحصیلی دیپلم و ۲۲ سال سابقه‌ی کار، آنهم کارمندی که بیش از ۱۵ سال از برای رفع احتیاجات خود و خانواده‌اش روزانه حدود ۱۱ ساعت کار می‌نماید و اهل هیچ تفریحی مثل مسافرت، شکم، دود (حتا سیگار)، خوش‌گذرانی، شیک‌پوشی، شب‌نشینی و بدلیل نداشتن هزینه‌ی سفر اهل زیارت حتا مشهد مقدی نبوده اکنون از عهده‌ی تأمین جهیزیه‌ی دخترش برنمی‌آید.

مسلماً تصدیق می‌فرمائید که کار کردن بیش از ۱۱ ساعت در روز میسر نیست. زیرا تمامی انجام این زحمات بخاطر زن و بچه می‌باشد و اگر قرار باشد روزانه بیش از ۱۱ ساعت کار انجام شود پس چه زمانی در کنار زن و فرزند باشد.

البته باید خدا را شاکر باشم که خوشبختانه بیماری به سراغ خود و خانواده‌ام نیامده تا حقوق خود را در آن راه صرف نمایم و اتومبیلی هم نداشته‌ام تا هزینه‌ئی را در بر بگیرد و اجاره نشین هم نیستم تا نیمی از حقوق را به صاحب خانه بدهم و حوادث غیرمترقبه‌ئی هم برایم پیش نیامده است.

صاحب یک دوچرخه هستم که در سال ۶۲ آنرا به بهای ۹۰۰۰ ریال خریداری نموده‌ام معادل ۹ روز حقوق آن سال، اکنون بهای آن دوچرخه بیش از ۴۰۰۰۰۰ ریال است که معادل حقوق ۲ ماه می‌باشد.

در خانه‌ئی تقریباً نیمه تمام زندگی می‌کنم که اگر خدای ناکرده وضع اقتصادی بصورت موجود باشد نه تنها از عهده‌ی تکمیل آن برنخواهم آمد بلکه خدای ناکرده حادثه‌ئی اگر پیش آید مثلاً لوله‌های آب زنگ بزنند و نیاز به تعویض آنها باشد از عهده‌ی مرمت و بازسازی برنخواهم آمد.

مدتی است تعداد ۵ جام از شیشه‌های اتاق منزل شکسته که با نایلون و مقوا جایگزین آن شده در فروردین ۷۳ موتور یخچال منزل سوخت که اجباراً مبلغ ۲۱۰۰۰۰ ریال بابت تعویض آن پرداخت نمودم این مبلغ معادل بود با حقوق یکماه حقیر+ ۳۰۰۰۰۰ ریال دیگر لازم به ذکر است که این یخچال در سال ۶۱ بمبلغ ۴۵۰۰۰ ریال معادل حقوق ۴۵ روز خریداری شد اکنون بهای آن یخچال حدود ۱۱۰۰۰۰۰ ریال است که برای خرید آن باید حقوق پنج ماه را پرداخت نمود.

مدتی بود که برای دختر حقیر خواستگارانی می‌آیند، اما بدلیل اینکه از عهده‌ی تأمین جهیزیه‌ی او برنمی‌آمدم بنابر دلایلی پاسخ منفی می‌دادم بالاخره خواستگاری آمد که بهانه‌ئی برای رد او وجود نداشت همسرم گفت دیگر این یکی را نمی‌توانی رد کنی و بالاخره جواب مثبت داده شد. چند نفر از اقوام دور هم نشسته بودند و از نبودن جهیزیه هم آگاهی داشتند یکی می‌گفت چرخ گوشت را من می‌آورم دیگری می‌گفت پنکه را من می‌دهم. دیگری می‌گفت اجاق گاز را من می‌دهم و ... من هم مثل عبدذلیل در گوشه‌ئی از اتاق نشسته بودم و اشک در چشم‌هایم جاری می‌شد و برای تسلی دادن خودم به خود می‌گفتم بیش از ۱۵ سال است که روزانه حدود ۱۱ ساعت کار کرده‌ام و گرانی مرا به این روز نشانده است. خدا شاهد است که تا چند روزی هر موقع به یاد این صحنه می‌افتادم گریه می‌کردم. گفتنی است که اجازه ندادم تا چند نوع کالاهای مورد نیاز را اقوام تهیه نمایند و ۲ نفرشان هم پشیمان شدند و خدا را شکر که نخریدند و این لکه‌ی ننگ را به پیشانی من نچسباندند در این جا سزاوار است از چند نفری که در جهت احقاق حق حقیر تلاش کرده‌اند و مجوز انجام اضافه‌ی کار و پرداخت آن را به حقیر داده‌اند تشکر کنم و از خداوند بخواهم تا آنها را یاری نماید. پس بنابراین ملاحظه می‌فرمائید که فقط به فکر آینده‌ی فرزندان خود هستم و از مقامات محترم مسئول می‌خواهم که با توجه به شرح فوق فکری برای کارمندان بکنند.

## خبرهای علمی

### کشف کارکرد مفید یک پروتئین

پژوهشگران انستیتوی تکنولوژی ماساچوست (MIT) و مرکز پزشکی «ساوت وست» در دالاس اخیراً در تحقیقات خود بر روی یکی از کارکردهای پروتئینی به نام (SRB1) بطور اتفاقی متوجه شدند که این مولکول با لیپوپروتئین‌های با چگالی بالا که نوع مفید انتقال دهنده‌ی کلسترول به خون می‌باشد، پیوند خورده این نوع از لیپوپروتئین‌ها را به سلول متصل می‌کند. پژوهش‌های بیشتر در این امر می‌تواند امکاناتی را برای پیشگیری از تصلب شرائین که مهمترین عامل مرگ و میر در کشورهای صنعتی به شمار می‌رود، فراهم آورد. شایان ذکر است که لیپوپروتئین با چگالی کم همراه با کلسترول بسادگی در دیواره‌ی رگ‌ها رسوب می‌کنند و به سختی و انسداد آنان می‌انجامد. درحالیکه لیپوپروتئین با چگالی بالا به همراه کلسترول از رگ‌ها و بافت‌ها عبور می‌کند و مانع بروز بیماری‌های قلبی می‌شود.

### هدایت با حرکات چشم و پلک

پیشرفت علم، امید به زندگی را به افرادی که کاملاً فلج شده‌اند برمی‌گرداند.

در آینده‌ی نزدیک کسانی که به واسطه‌ی فلج ماهیچه‌های بدن خود هیچگونه وسیله‌ی ارتباطی با محیط خود ندارند، می‌توانند باکمک کامپیوتر با دنیای بیرون تماس بگیرند. «Eye access» سیستمی است که به حرکات قرنیه و پلک حساس بوده، می‌تواند به جای حرکات دست، فرمان شخص استفاده کننده از کامپیوتر را انجام دهد. به این ترتیب شخص مذکور می‌تواند از فاکس، چاپ و حتا سیستم اینترنت استفاده کند.

### سودآوری مهندسی ژنتیک

با تکامل دانش پزشکی در زمینه‌ی ژنتیک بسیاری از پژوهشگران و شرکت‌های تجارتی، آینده‌ی پزشکی را در این علم یعنی شناخت، کنترل و کاربرد ژن‌های انسانی می‌دانند. در این رابطه بد نیست به آمار زیر توجه کنید. در مسابقه‌ی کسب جواز کار بر ژن انسانی مؤسسه‌های خصوصی آمریکائی و ژاپنی در صدر این رقابت قرار دارند.

در حال حاضر مؤسسه‌هائی که در این زمینه کار می‌کنند ۷۶٪ خصوصی، ۱۷٪ دولتی و ۷٪ از منفردان می‌باشند.

### چای از سکته مغزی جلوگیری می‌کند

کسانی که به مقدار زیاد چای می‌نوشند کمتر از افراد دیگر دچار اختلال‌های عروق مغز می‌شوند. چای حاوی موادی به نام Flavonoid است که مغز را در مقابل ضایعات عروق حفظ می‌کند. بنابراین با اعتماد به پژوهشگران هلندی که مطلب بالا را کشف کرده‌اند تا می‌توانید چای بنوشید.

www.iran-archive.com

# جشنواره سینمای ایران در تبعید

کانون سینماگران ایران در تبعید (مرکز آلمان) با همکاری کانون فرهنگی آینه و سینمای آزاد، جشنواره سینمای ایران در تبعید را از ۱۹ تا ۲۱ آوریل به مدت ۳ روز در شهر فرانکفورت آلمان برگزار شود.

این جشنواره را می‌توان بعد از اولین جشنواره‌ای که در گوتنبرگ سوئد و سمپوزیوم بین‌المللی سینما در شهر زاربروکن آلمان برگزار شده بود، جزء مهمترین گردهمایی سینماگران در تبعید قلمداد کرد.

در این جشنواره بالغ بر ۳۰ فیلم کوتاه، بلند به نمایش درآمد. حضور اکثر سازندگان فیلمای نمایش داده شد و آشنایی تماشاچیان با آنان، که در فواصل نمایشها صورت می‌گرفت این امکان را فراهم کرده بود که از یک طرف و کارگردانان جوان با نقطه‌نظرات بینندگان در مورد فیلمهای خود آشنا شوند، و از طرف دیگر تماشاچیان نیز در جریان چگونگی تهیه این آثار و مشکلات آن قرار گیرند.

جشنواره با صحبت کوتاه آقای فرهاد مجدآبادی کارگردان و بازیگر تئاتر، در ارتباط با سینمای در تبعید افتتاح شد. به دنبال آن آقای عباس سماکار به معرفی سینمای ایران در تبعید پرداخت و آمار مبسوطی از فعالیتهای سینمایی در خارج از کشور ارائه نمود.

«مهمانان هتل آستوریا» ساخته محمدرضا علامه‌زاده به عنوان سرآغاز فیلمهای جشنواره به نمایش درآمد. این فیلم به همراه ۲ فیلم دیگر از همین کارگردان «شب بعد از انقلاب» و «جنایت مقدس» در لیست فیلمهای خارج از برنامه قرار داشتند. فیلمهای دیگری که تحت این عنوان نمایش داده شدند، «اجازه اقامت» به کارگردانی «لز بلر» با سناریویی از ایراج جنتی عطایی و شرکت تعدادی از هنرپیشگان ایرانی و «عشق من وین» ساخته هوشنگ الهیاری و بازیگری فریدون فرخزاد، نام داشتند. فیلم کوتاه «سلاما» ساخته بهزاد بهشتی‌پور نیز در روز دوم تحت همین عنوان نمایش داده شد. بهشتی‌پور طی ۶/۵ دقیقه با نمایش تمامی زشتی‌های موجود روی کره خاکی، در انتها شیرینی و آرامش صلح را، برای تماشاچیان به خواستی دست‌یافتنی تبدیل کرد.

در روز دوم، فیلمهای «جنگ با سکوت» هژیر داریوش، «آه ای صدای زندانی» علی امینی نجفی «طبس» تژا میرفخرایی، «سیاست پناهندگی در آلمان» نگاهی طنزآلود به گفتگوی یک خبرنگار با مسئول امور پناهندگان از داریوش شیروانی، «یک کرونی»داود اخویان، «بازی بچگانه» هوشمند عمران، «تنها صداست که می‌ماند» و«بند سیاه» که نگاهی به وضعیت و احساسات یک زن جوان شکنجه شده ایرانی دارد.از میهن همت‌پور، «وهم» ساخته محمد عقیلی، «ماهی قرمز» اثر امیر رازی به عنوان فیلمهای کوتاه و فیلم «زنان در غربت» منوچهر آبرونتن، «چند جمله ساده» رضا علامه‌زاده و «سنگ» ساخته مهناز تمیزی به عنوان فیلم‌های نیمه بلند به نمایش درآمدند در قسمت پایانی فیلم «گیرنده ناشناس» از سهراب شهید ثالث به نظر بینندگان رسید.

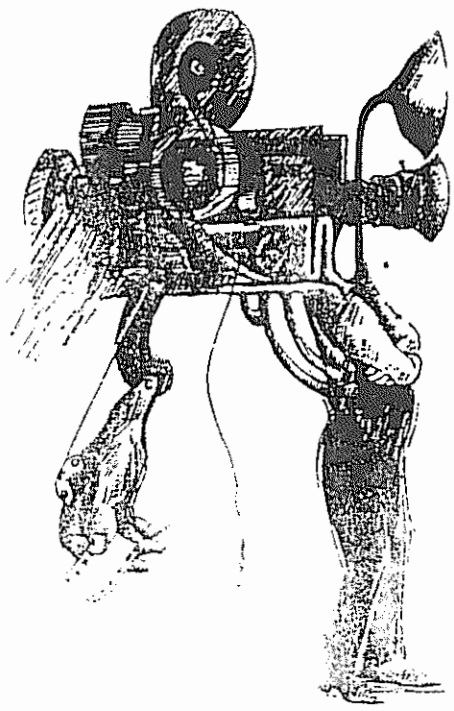

در روز پایانی جشنواره، «چباب» ساخته وحید زمانی، «بیداد» اثر کاوه قدکچیان، «تسریع» از رامین رمضانی، «محل فاجعه» و «یک امید» هر دو از فرهاد فرهادی، «قابهای خونین» و «دویدن» ساخته بهمن جهانشاهی در لیست فیلم؛ کوتاه جای داشتند و سپس «رها» به کارگردانی فرخ مجیدی و بازی شهره آغداشلو، «واپسین دیدار» از سیروس وقوعی و در خاتمه جشنواره فیلم «اندوه، ترس، امید» کار با ارزش و مشترک رامین و شاهین یزدانی به نمایش گذاشته شد.از جمله فیلم‌هائی که مورد توجه و استقبال بینندگان قرار گرفتند، باید از فیلم کوتاه «ماهی قرمز» به کارگردانی امیر رازی، نام برد. «ماهی قرمز» ماجرای پسرکی است که با مادرش ازسرزمین جنگزده به غرب آمده است و خاطره آن را با خود حمل می‌کند. روزی در شهر ماهی کوچک قرمزی می‌خرد. ناگهان صدای آژیر یک کارخانه او را به یاد جنگ می‌اندازد. دو فیلم «تنها صداست که می‌ماند» و «بند سیاه» ساخته مهین همت‌پور، بسیار مورد توجه تماشاچیان قرار گرفتند. در فیلم «بند سیاه» احساسات و وضعیت درونی یک زن شکنجه شده ایرانی را بررسی می‌کند. «سنگ» ساخته مهناز تمیزی از معدود فیلمهایی بود که در طول جشنواره بحثهای زیادی را برانگیخت. این فیلم ماجرای جوانی است که به جرم عمل زنای محصنه، در مراسم سنگسار وحشیانه محبوبش حضور دارد، و پاسداران با دادن سنگی به او، می‌خواهند که او نیز برای رفتن به بهشت در این جنایت شریک باشد. مرد بعد از اینکه از آن جهنم به اروپا می‌گریزد؛ همچنان خاطره آن صحنه فجیع را با خود حمل می‌کند و از آن‌خلاصی ندارد.

رامین یزدانی با نمایش «اندوه – ترس – امید» اثبات نمود که با وسایل ابتدایی نیز می‌توان کار ارزشمند ارائه نمود و حرفی برای گفتن داشت.

جشنواره با اجرای برنامه موسیقی سنتی ایرانی توسط هنرمندان گروه نیریز به پایان برده شد.

جزو اهداف اعلام شده جشنواره بررسی مشکلات فیلم‌سازی در خارج از کشور اعلام شده بود که در جلسه‌ای به این منظور خانم مهناز تمیزی، آقای رامین یزدانی و بصیر نصیبی مصائب کار فیلمسازی در خارج از کشور و شرایط آن را برای حاضرین در جلسه بیان داشتند.

مشکلات مالی در زمینه تهیه فیلم، عدم امکانات فنی لازم، مسائل فرهنگی در ارتباط با فیلمنامه، عدم همکاری موسسات ذیربط کشورهای محل اقامت این فیلمسازان از جمله مشکلات تهیه فیلم در خارج از کشور بود که از جانب عده‌ای از دست‌اندرکاران عنوان شد.

عده‌ای نیز بر این اعتقاد بودند که باید و می‌توان از حداقل امکانات برای تهیه فیلم بهره‌برداری کرد و نباید اجازه داد که به صرف وجود مشکلات دست روی دست گذاشته و به بی‌عملی دچار شد.

در قسمت دیگری از این دست گفت و شنودها، میزگردی تحت عنوان فیلمسازی آسان صورت گرفت. در این جلسه از طرف تعدادی از فیلمسازان با تجربه پیشنهاد گردید که کار فیلم‌سازی در شرایط مشکل کنونی، می‌تواند با حداقل وسایل موجود صورت گیرد. و عنوان می‌نمودند که می‌شود حتی با دوربین‌های ویدیویی نیز کار فیلمسازی انجام داده و با همه اینکه به هر حال مشکلات زیادی در این شیوه کار نیز وجود دارد می‌شود موفقیتهایی را نیز انتظار داشت.

تعدادی نیز بر این نظر بودند که اگر امکانات خوب برای تهیه فیلم خوب وجود ندارد بهتر است اصولا فیلمی تهیه نشود.

## نکته‌ها و گفته‌ها

«مشکل ما نرفتن به غار حراست. ما به کافه‌ها می‌رویم. اگر غار حرا را نمادی از چله‌نشینی باطنی انبیا برای تزکیه تلقی کنیم، در این صورت خداوند هم به اصطلاح عرف به ما الهام قلبی می‌کند. و هنر دینی به وجود می‌آید... من از هر انقلاب اسلامی به عنوان «در انتظار هنر دینی» یاد می‌کنم اما اگر این سیر ادامه یابد آن هم با هدف قرب الهی، نور الهی در جان هنرمندان خواهد درخشید و از این بحران هنری، نه تنها ایران که جهان رهایی خواهد یافت والا همه اسیر همین بحران فراگیر خواهند بود».

*محمد مددپور از مسئولان حوزه هنری*
*سازمان تبلیغات اسلامی*
*کیهان هوایی ۲۳ اسفند ۱۳۷۴*

«از نظر فرهنگی، وضع ما تقریبا خرچنگی بوده است. راست رفته‌ایم، گفته‌اند کج‌اش کن. کج رفته‌ایم، گفته‌اند راست‌اش کن. شعر عاشقانه گفته‌ایم، گفته‌اند سیاسی است و سراینده وابسته به استکبار جهانی است. شعر سیاسی گفته‌ایم، چشم‌اشان را خمار کرده‌اند و توی حال رفته‌اند و گفته‌اند عاشقانه است و سراینده اخلاقش فاسد است، در پرسشنامه‌ای از ما خواسته بودند جوایز و افتخارات فرهنگی خود را بشماریم. دیدیم غیر از فحش و بد و بیراه، جایزه و افتخاری نصیبمان نشده است».

*عمران صلاحی*
*شاعر و طنزنویس معاصر*
*آدینه/ شماره نوروز ۷۵ (۱۰۸/۱۰۹)*

«امروز، البته جز در یک مورد، از هیچ کرده خویش پشیمان نیستم. تنها از این که ساعاتی را در ملاقات با مسئولین فرهنگی و در اداره‌های فرهنگی گذرانده‌ام، خود را سرزنش می‌کنم. چرا که باعث شده‌اند مدت‌ها نتوانم بنویسم. نتوانم به درستی بیاندیشم. امید که این سخت‌ترین جرم که بر خود روا داشته‌ام، دیگر تکرار نشود».

*منصور کوشان، نویسنده و سردبیر*
*ماهنامه توقیف شده تکاپو/ همانجا*

«عده‌ای از جوانان در یکی از خیابانهای شمال شهر جنگ ماشین راه می‌اندازند. به این معنی که شرط‌بندی می‌کنند و ماشینهایشان را به هم می‌زنند، هر کدام بیشتر صدمه دید، مالکش بازنده است. این بازی ملیون تومانی تکرار جنگ خروس و جنگ قوچ پدرهایشان است که در بازیهای قرون وسطایی مالک‌ها و خان‌ها است. هم‌اکنون هم جنگ خروس و امثال آن بین عده‌ای رایج است. آیا اینها علائم زندگی عقب‌مانده ما نیست؟».

*دکتر علی حصوری*
*ماهنامه «جامعه سالم» شماره ۲۵*

«برای پایان بردن «واژه‌نامه انگلیسی – فارسی برای علوم انسانی» (که با ۲۲هزار واژه و اصطلاح انگلیسی و معادل فارسی آنها اخیراً در پاریس انتشار یافت.) زیر بار قرض سنگینی رفته‌ام و حدود ۴۰۰۰۰ فرانک فرانسه بدهی بالا آورده‌ام. ولی شور و شوق من به انجام این کار، کشیدن بار سنگین مادی و معنوی آن را بر من هموار کرده. تازه دستمزد سالیان دراز کار خود و پنج سال کار تمام وقت شبانه‌روزی را حساب نکرده‌ام، اگر همه اینها را بخواهید حساب کنید، رقم خیلی سنگینی می‌شود که از کیسه ضعیف یک نویسنده و پژوهشگر پرداخت شده است و سرمایه عمر او».

*داریوش آشوری*

## جشنواره سینمای معاصر ایران در نیویورک

نیویورک این روزها شاهد برگزاری جشنواره بزرگ سینمای معاصر ایران است. این جشنواره که از ۷ اردیبهشت (۲۶ آوریل) آغاز شده تا اواخر ماه مه ادامه خواهد یافت و حدود ۴۰ فیلم کوتاه و بلند ایرانی در آن به نمایش در می‌آیند.

عباس کیارستمی که ۱۳ فیلم وی نیز در زمره ۴۰ فیلم حاضر در جشنواره است همراه با چند کارگردان ایرانی دیگر مهمان جشنواره نیویورک می‌باشد.

مرکز فرهنگی لینکن که برگزار کننده این جشنواره است، سال ۱۹۹۲ نیز در سطحی محدودتر، جشنواره‌ای از سینمای ایران برپا کرد. گفتنی است که در سال ۱۹۹۱ در فستیوال «فیلمسازان جدید» که در نیویورک برگزار شد، محسن مخملباف به عنوان یکی از بهترین کارگردانان سال معرفی گردید. این عنوان سال گذشته به جعفر پناهی سازنده فیلم «بادکنک سفید» تعلق گرفت.

در همین حال اعلام شد که فیلم «یک داستان واقعی» اثر جدید ابوالفضل جلیلی برای شرکت در بخش رسمی جشنواره بین‌المللی «کان» پذیرفته شده است. از ابوالفضل جلیلی پیش از این نیز فیلم «دت یعنی دختر» در چندین جشنواره بین‌المللی به نمایش درآمده بود.

## فیلمهای جدید رضا علامه‌زاده

رضا علامه‌زاده، کارگردان کوشای ایرانی که در سالهای گذشته فیلم‌هایی همچون «مهمانان هتل آستوریا»، «یک جمله ساده»، «جنایت مقدس» و غیره را از او شاهد بودیم، اخیراً دو فیلم مستند با نامهای «میان روشنایی و تاریکی» و «صدای سنگ» را برای تلویزیون هلند آماده کرده است. وی دو فیلم دیگر در دست تهیه دارد که یکی در باره کودکان ساکن کمپ پناهندگان هلند و یکی در باره زندگی و سرنوشت دو نویسنده و یک شاعر معروف روس که در دوران استالین زندگی می‌کرده‌اند، می‌باشد. فیلم دوم را علامه‌زاده با استفاده از آرشیو کا. گ. ب تهیه خواهد کرد.

## سینمای آزاد

سال اول، شماره اول، فروردین ۱۳۷۵

*شما می‌توانید اینجا باشید (گفتگوی بهرام بیضایی با شاهرخ گلستان) * سینماگر بی‌مرز (رضا علامه‌زاده) * ـ صد سال حیات هنر فیلم و سینما (رامین یزدانی) * نقد فیلم خانه سیاه است (عباس سماکار) * نقد فیلم عشق من وین (علی امینی) * یاد یاد هژیر داریوش (بصیر نصیبی) * چریک تارا (هژیر داریوش) * مکالمه تلفنی با سهراب شهیدثالث * حرفها، نظرها، خبرها...*

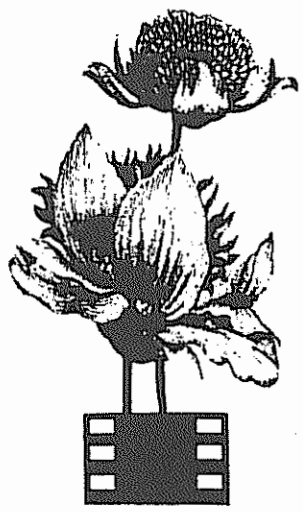

«سینمای آزاد» عنوان دوماهنامه‌ای است که اولین شماره آن فروردین امسال انتشار یافته است. این نشریه که از سوی «مرکز پژوهشی و فیلمسازی سینمای آزاد» و زیر نظر بصیر نصیبی انتشار می‌یابد در پیشگفتار اولین شماره خود «ضرورت ارتباط عمیق‌تر با سینمای در تبعید» را انگیزه اصلی انتشار خود اعلام و در عین حال تاکید کرده است که «نسبت به سینمای امروز در ایران نیز بی‌تفاوت» نخواهد بود. آدرس «سینمای آزاد» از این قرار است:

Pf 100525
66005 Saarbruecken
Germany

معرفی کتاب

## «گسل» و «سبز»

«انتشارات افرا»ی کانادا که به تازگی کار خود را آغاز کرده، در اولین فعالیت خویش دو اثر داستانی و شعر را از ساسان قهرمان، شاعر و نویسنده ایرانی مقیم کانادا، به نامهای «گسل» و «سبز» به بازار کتاب فرستاده است.

«گسل» رمانی است که درونمایه آن به مهاجرت برمی‌گردد و قهرمان کوشیده است از زوایایی تازه و متفاوت از برخوردهای نوستالژیک به این پدیده نزدیک شود. رمان ۱۹۸ صفحه‌ای مزبور دارای بخش‌های پنج‌گانه‌ای به نامهای «آفتاب»، «باران»، «باد»، «مه»، «خاک» است و مقدمه آن را دنا رباطی از نویسندگان مقیم کانادا نوشته است.

مجموعه شعر «سبز» نیز حاوی ۲۸ قطعه شعر است که برخی از آنها را می‌توان در زمره اشعار بلند به شمار آورد. در این مجموعه نیز قهرمان در بهره‌گیری از عناصر، واژه‌ها و مفاهیم طبیعت هیچگونه محدودیتی بر خود روا نداشته است.

اکثر شعرها دارای مضامین اجتماعی و عاشقانه‌اند. و در پاره‌ای از آنها این دو به خوبی با هم درآمیخته‌اند. با هم قطعه پایانی شعر نسبتاً بلند «زیستن» را می‌خوانیم:

من اما پایان نمی‌پذیرم!
من، در نفس نسیم
در تبسم سپیده‌دم
و در سلاله گندم می‌مانم
و باز می‌گردم!
در جوانه‌های بهار،
در آفتاب تموز،
در اندوه زرد خزان،
و در ترنم دلگیر برف
باز می‌گردم!
و تو را خواهم جست!
در نگاه غزال،
در تلالؤی شبنم،
و در خروش آبشار!
و باز خواهمت یافت!
یک شب،
که عریانی دلفریب ماه
در برکه‌ای نهان
تن به آب بسپارد!
در قلب من،
تندری است که می‌توفد،
ابری است
که تا پشت پلکهایم
بی‌وقفه می‌بارد،
عقابی است
که تا قلب آتشناک خورشید می‌پرد،
و برکه‌ای
که در آن
نیلوفرهای آبی می‌روید!

آدرس نشر افرا از این قرار است:

**Afra**
**Publishing Co**
**1930 Yonge Street, Suite # 1082**
**Tornto, Ontario**
**M451Z4 Canada**

www.iran-archive.com

# همبستگی جهانی، مهم ترین پیام اول ماه مه!

اگر به بهانه اول ماه مه، نگاهی به وضعیت جنبش جهانی کارگری بیافکنیم، بیش از آنکه یکپارچگی و همبستگی جهانی این جنبش در نظرمان نمود یابد، تنوع آن رخ می‌نماید. در حالی که همه جا سخن از جهان به هم‌پیوسته، "دهکده جهانی" و مسائل عام بشری می‌رود، جنبش‌های کارگران و زحمتکشان، عمدتاً در چارچوب‌های ملی محصور مانده‌اند. به نظر می‌رسد جنبش جهانی کارگری، نتوانسته است در مبارزه روزمره خود به پیام اصلی اول ماه مه، یعنی همبستگی جهانی، معنا و مفهوم عینی بخشد. نوشتار حاضر، نخست حاوی نگاهی کوتاه به وضعیت جنبش کارگری در مناطق مختلف جهان است، سپس به اختصار، به ریشه‌های تاریخی وضعیتی که بدان اشاره رفت می‌پردازد و بالاخره، آنچه را که می‌تواند جنبش کارگران و زحمتکشان را یک گام از موقعیتی که امروز دارد پیشتر برد، مورد توجه قرار می‌دهد.

جنبش کارگری در کشورهای صنعتی پیشرفته

جنبش کارگری در کشورهای صنعتی پیشرفته (کشورهای متروپل سرمایه‌داری) همواره به عنوان سازمان‌یافته‌ترین و نیرومندترین بخش جنبش در شرایط سرمایه‌داری، الگوی سایر بخش‌ها بوده است. در سال‌های اخیر، این جنبش متحمل شکست‌ها و عقب‌نشینی‌هایی شده است که بر وضعیت کل جنبش جهانی کارگری، تأثیر تعیین‌کننده‌ای می‌گذارد. این عقب‌نشینی‌ها صرفاً به سال‌های پس از فروپاشی نظام های سیاسی اروپای شرقی برنمی‌گردد، و در حقیقت از آغاز "انقلاب محافظه‌کارانه" در غرب نمایان شده است.

انگلیس، نخستین کشور مهم سرمایه‌داری بود که در آن، در پایان دهه هفتاد، محافظه‌کارترین نمایندگان سرمایه‌داری به قدرت رسیدند و یورش به دستاوردهای جنبش کارگری و سندیکایی را آغاز کردند. و می‌توان گفت فرانسه، آخرین کشور از هفت کشور بزرگ صنعتی است که در آن، در سال گذشته شاهد برخوردهای حاد بین راست مهاجم از یک سو، و جنبش کارگری از سوی دیگر بودیم. نگاهی به همه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، نشان می‌دهد که همه‌جا، عاملان موج جدید راست، از قدرت متشکل سندیکاها کاسته‌اند، دستاوردهای جنبش کارگری و دموکراتیک در عرصه تأمین اجتماعی را یکی پس از دیگری پس گرفته‌اند و بار بحران‌های ساختاری و ادواری سرمایه‌داری را به دوش کارگران و زحمتکشان منتقل کرده اند.

البته میزان و شکل این یورش در کشورهای مختلف، متفاوت است. در کشورهای انگلوساکسون، دولت‌های راستگرا راه برخورد مستقیم و سرسختانه را با سندیکاها برگزیدند. در انگلیس، در طول ماه‌ها اعتصاب معدنچیان علیه خصوصی کردن و تعطیل معادن، دولت تاچر کوچکترین انعطافی از خود نشان نداد و مقاومت سندیکاها عملاً با اجرای نقشه‌های محافظه‌کاران، بی‌نتیجه ماند. این کشور در دو دهه اخیر، شاهد کاهش شدید نفوذ و امکان تأثیرگذاری اتحادیه‌های کارگری بوده است. حتی در حزب کارگر نیز که به طور سنتی، متحد سندیکاها بود، تغییرات اساسنامه‌ای و برنامه‌ای و نیز تغییر ترکیب رهبری این حزب، به محدود کردن نفوذ سندیکاها انجامید.

در آمریکا پیش از روی کار آمدن ریگان نیز اتحادیه‌های کارگری در مقایسه با اروپا مواضع ضعیفی داشتند. با این حال در همان نخستین سال حکومت جمهوریخواهان، سرکوب اعتصاب کارکنان مراقبت پرواز فرودگاه‌ها نشان داد که محافظه‌کاران این کشور در به کرسی نشاندن برنامه خود همان قدر مصمم‌اند که همتایان انگلیسی‌شان. در طول ۱۲ سال حکومت جمهوریخواهان، بسیاری از برنامه‌های رفاهی و تأمین اجتماعی حذف شد و صاحبان صنایع، تحول ساختاری در شرکت‌های خود را به بهای بیکار کردن میلیون‌ها نفر از شاغلان، پیش بردند، بدون اینکه جنبش کارگری بتواند مقاومت مؤثری در برابر این یورش‌ها نشان دهد.

در طیف اشکال مختلف "انقلاب محافظه‌کارانه"، نقطه مقابل "مدل انگلوساکسون"، مدل آلمانی است که علاوه بر آلمان، چند کشور دیگر اروپایی نیز از آن پیروی می‌کنند. بر طبق این مدل، نه درهم شکستن سندیکاها، بلکه خنثی کردنشان از طریق کشاندن آنها به توافق‌هایی که در عمل، اهداف محافظه‌کاران را پیش می‌برد مد نظر است. محافظه‌کاران آلمان، به این واقعیت اشاره می‌کنند که توانسته‌اند بسیاری از موارد برنامه محافظه‌کارانه، مانند خصوصی‌سازی، کاستن از بودجه‌های تأمین اجتماعی و فراهم کردن شرایط برای تحول ساختاری با حفظ سود سرمایه را با کمترین میزان اعتصاب در قیاس با سایر کشورهای غربی، پیش برند. در آلمان، همه جا سخن از آشتی طبقاتی و انواع و اقسام اتحادهاست: اتحاد برای کار، اتحاد برای رشد اقتصادی و غیره. هر از چندی، صدراعظم آلمان نمایندگان سندیکاهای کارگری و اتحادیه‌های کارفرمایان را به دفتر خود فرا می‌خواند و با آنها درباره مسائلی مانند بیمه‌های اجتماعی و سطح دستمزدها به گفتگو می‌نشیند. هر چند سندیکاها در این یا آن مورد مشخص، موفق می‌گردند خواست‌های خود را پیش برند، اما نتیجه "مدل آلمانی" یورش محافظه‌کارانه به مواضع جنبش کارگری نیز در طی ۱۲ سالی که از روی کار آمدن دولت هلموت کهل در این کشور می‌گذرد، چیزی نبوده است جز شانه خالی کردن هر چه بیشتر سرمایه‌داران و دولت از تعهدات اجتماعی خود، انتقال بار بحران ساختاری به دوش طبقه کارگر از طریق بیکار شدن ده درصد از نیروی کار و سپردن شاخه‌های پرسودّ آینده اقتصاد مانند مخابرات به بخش خصوصی.

در آلمان نیز مبارزه سندیکاها یک مبارزه عمدتاً دفاعی و از موضع عکس‌العمل در برابر یورش محافظه‌کارانه است. به عنوان نمونه، سندیکاهای آلمان اخیراً در واکنش نسبت به بیکاری چهارمیلیونی در این کشور، به سرمایه‌داران پیشنهاد توافقی کردند که اگر مثلاً ۳۰ سال پیش صورت می‌گرفت، چیزی جز تسلیم محض در برابر سرمایه نبود: طبق این پیشنهاد، کارفرمایان باید متعهد شوند که هر سال با ایجاد مشاغل تازه، حدود ده درصد از میزان بیکاری در رشته خود را بکاهند و در مقابل، سندیکاها از طرح خواست اضافه‌دستمزد چشم‌پوشی خواهند کرد. همین خواست سندیکاها نیز با مخالفت سرمایه‌داران آلمانی روبرو شده است.

البته "مدل آلمانی" را نمی‌توان به همه کشورهای همسایه آلمان تعمیم داد و همان گونه که اعتصابات گسترده سال گذشته در فرانسه نشان داد، در برخی از این کشورها سندیکاهای کارگری از شیوه‌های سنتی مبارزه طبقاتی مانند اعتصاب نیز وسیعاً استفاده می‌کنند. اینکه این مبارزات، تا چه حد بتواند یورش راستگرایان و سرمایه‌داران را به دستاوردهای جنبش کارگری متوقف کند، در کشورهای مختلف یکسان نیست. اما می‌توان در مجموع چنین ارزیابی کرد که موفقیت‌های سندیکاها در این گونه مقاومت‌ها، عمدتاً موضعی بوده است و در درازمدت، موارد اصلی برنامه محافظه‌کارانه، یعنی خصوصی‌سازی، باز گذاشتن دست سرمایه‌داران در بیکار کردن میلیون‌ها نفر و کاستن از بودجه‌های رفاهی عمومی، تحقق یافته‌اند.

پتر گلوتس، از نظریه‌پردازان حزب سوسیال‌دمکرات آلمان، ارزیابی نسبتاً جامعی از وضعیت کشورهای سرمایه‌داری ارائه می‌دهد. او می‌نویسد:

"آن شکل از جامعه دوسوم که کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هر چه بیشتر به خود می‌گیرند، از یک سو تناسب قدرت بین دولت و بخش خصوصی را به سود بخش خصوصی تغییر داده و از سوی دیگر، وضعیت مهم‌ترین پایگاه چپ، یعنی حقوق‌بگیران را اساساً متحول کرده است... وجه مشخصه یک جامعه متکی بر بخش اطلاعات و خدمات، کاسته شدن از کار یدی و تولیدی است، یعنی در نتیجه به حاشیه راندن سنت‌های کارگران متخصص و محو تدریجی نمونه تیپیک کارگری که جنبش کارگری به او متکی بوده است: معدنچیان، تراشکاران، فلزکاران، کارکنان حمل زباله، به طور خلاصه آریستوکراسی کارگری. وجه مشخصه جامعه دوسوم، ایجاد شکاف بین هسته اصلی کارکنان و کارکنان حاشیه‌ای است. هر چند در سرمایه‌داری، مشاغل کاملاً مطمئن و دائمی وجود ندارد و یک فرد شاغل می‌تواند از مرکز به حاشیه پرتاب شود، اما به نظر می‌رسد سرمایه‌داری امروزی این توان را حفظ کرده است که در شرایط بحران‌های ساختاری و ادواری نیز اکثریت کارمندان و کارگران را به نوعی همکاری وا دارد و به آنها حداقل به طور ذهنی احساس بهره‌مند بودن از یک چشم‌انداز مطمئن برای زندگی‌شان بدهد. این دو روند، وضعیت را به گونه‌ای چشمگیر تغییر داده است."

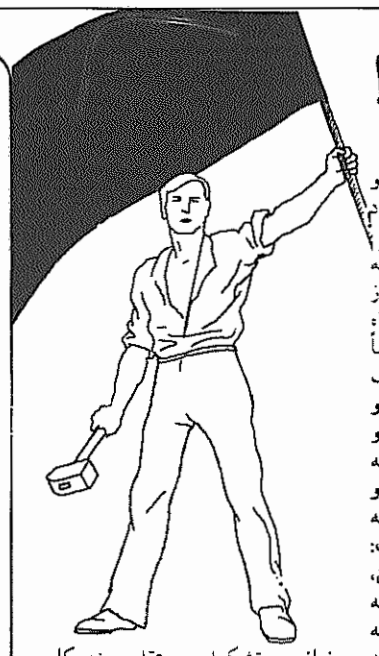

## جنبش کارگری در کشورهای «پیرامونی»

نتیجه اصلی پایان جنگ سرد، تبدیل کشورهای سوسیالیستی سابق به حواشی اقتصاد سرمایه‌داری است. از این رو، در تحلیل روندهای سرمایه‌داری می‌توان به تمایز میان "متروپل" و "حاشیه" اکتفا کرد. مشخصات عمومی جایگاه کشورهای قلمرو سابق سوسیالیسم واقعاً موجود و کشورهای جهان سوم در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، مشترک است. اما تحولات سرمایه‌داری در تک‌تک این کشورها ویژگی‌هایی دارد که هر یک از این کشورها را از دیگری متمایز می‌کند.

نکته مشترک در همه کشورهای حاشیه این است که "انقلاب محافظه‌کارانه" در مرزهای کشورهای متروپل متوقف نشده است. سرمایه‌داری جهانی می‌کوشد به کشورهایی که توسعه اقتصادی را مهم‌ترین مسئله خود می‌دانند، راه رشدی را تحمیل کند که "بازارگرایی رادیکال" سرلوحه آن است. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهایی اعتبار می‌دهند که نسخه "دولت لاغر" را به بهای حذف سوبسیدها و کمک‌های اجتماعی اجرا کنند و اقتصاد را هر چه بیشتر به بخش خصوصی بسپارند. این نسخه در بسیاری از کشورهای حاشیه، مورد پذیرش قرار گرفته است و اجرا می‌شود. اما از آنجا که این "راه رشد" همه جا نتوانسته است به موفقیت‌های ملموسی برسد، مقاومت در برابر آن نیز گسترده است. در کشورهای سوسیالیستی سابق، بدون اینکه جنبش کارگری مستقل و نیرومندی در برابر یورش محافظه‌کاران شکل گیرد، در سال‌های اخیر شاهد بازگشت احزاب کمونیست، سوسیالیست و چپ به قدرت بوده‌ایم. کارگران و زحمتکشان این کشورها، پیش از آنکه به اشکال سنتی مبارزه سندیکایی مرسوم در کشورهای سرمایه‌داری روی آورند، با مراجعه به حافظه تاریخی (حتی کوتاه‌مدت) خود به یاد می‌آورند که در سوسیالیسم، در نبود آزادی ،تأمین اجتماعی وجود داشت و شمشیر دامکلس بیکاری و فقر در بالای سر فرد نبود. مقاومت این مردم در برابر الگوهای محافظه‌کارانه رشد، به صورت رأی دادن آنها به احزابی صورت می‌گیرد که در زمان سوسیالیسم، زمام امور را در دست داشتند و اکنون اغلب با برنامه‌های سوسیال‌دمکراتیک، به قدرت باز می‌گردند. با این حال در این کشورها نیاز به تشکل مستقل سندیکایی احساس می‌شود، چرا که اولاً برنامه اقتصادی - اجتماعی برخی از احزاب کمونیست سابق نیز شامل نکاتی مانند خصوصی‌سازی است که در صورت تحقق آن بدون حضور نیرومند جنبش مستقل کارگری، می‌تواند به محو دستاوردهای اجتماعی بیانجامد و ثانیاً آنچه مد نظر احزاب سیاسی است، در وهله اول کسب و حفظ قدرت است، در حالی که جنبش مستقل کارگری، در همه حال وظیفه دفاع از منافع زحمتکشان را بر عهده دارد.

در بسیاری از کشورهای جهان سوم، اگر مقاومتی در برابر یورش محافظه‌کارانه صورت می‌گیرد، بار اصلی سازماندهی این مقاومت را اتحادیه‌های کارگری بر عهده دارند. با این حال، این گونه تشکل‌ها در کشورهای عقب‌مانده‌ای که بسیاری از آنها حکومت‌های به درجات مختلف خودکامه دارند، اغلب وظایفی عام در عرصه مبارزه برای دمکراسی و آزادی سیاسی و سندیکایی نیز بر عهده دارند. به عنوان نمونه، در اعتصابات اخیر بنگلادش علیه دولت، اتحادیه‌های کارگری نقش مؤثری داشتند.

مبارزه اتحادیه‌های کارگری در بسیاری از کشورهای جهان سوم را می‌توان در مواردی، مبارزه در راه تحقق ابتدایی‌ترین حقوق انسانی نامید. مثلاً وقتی سندیکاهای کارگری هند علیه استثمار کودکان مبارزه می‌کنند، و یا وقتی اتحادیه‌های کارگران مزارع قهوه آمریکای لاتین، خواهان رعایت موازینی می‌شوند که سال‌هاست به عنوان اصول مورد پذیرش بین‌المللی در منشورهای حقوق کارگری تصویب شده است، می‌توان این مبارزه را در چارچوب مبارزه عمومی برای تحقق حقوق بشر ارزیابی کرد.

در اغلب کشورهای جهان سوم، از جمله در کشور ما، هنوز مسئله تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان در دستور روز قرار دارد. بسیارند وظایفی که به خاطر نبود این تشکل‌ها، ناپرداخته مانده‌اند. بدون حل این مسائل، نمی‌توان از برقراری دمکراسی واقعی سخن گفت. از این رو، هر نیرویی که فی‌المثل در کشور ما از دمکراسی سخن می‌گوید، اما به نقش اتحادیه‌های مستقل کارگری در بنا و حفظ دمکراسی کم بها می‌دهد و یا حتی وجود چنین تشکل‌هایی را مانع راه رشدی می‌داند که برای جامعه تجویز می‌کند، در عمل به دنبال حفظ ساختارهای خودکامه است. دمکراسی تنها به معنای تعدد احزاب و انتخابات دوره‌ای نیست. دمکراسی باید بر چنان توازنی از قوای اقشار و طبقات مختلف استوار شود که امکان تحمیل اراده طبقه به لحاظ اجتماعی نیرومندتر را محدود نماید. چنین توازنی، بدون تشکل‌های مستقل مزدبگیران برقرار نمی‌شود.

در تحلیل شرایط شکل‌گیری جنبش مستقل کارگری در کشورهای جهان سوم، باید به پاره‌ای موانع نیز توجه داشت که این مبارزه را دشوار می‌کند. به عنوان نمونه، شرایط و بحران‌های بین‌المللی و داخلی، در برخی کشورها، از جمله کشور ما، به نوعی صنعت‌زدایی و پراکنده شدن مراکز کارگری انجامیده است. در ایران، این روند بسیار بارز است. طی سال‌های حکومت بحران‌زای جمهوری اسلامی، بسیاری از مراکز صنعتی ایران از بین رفته و یا به شدت تضعیف شده‌اند. کشور ما بدون اینکه مراحل رشدی را پشت سر نهد که کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری گذرانده‌اند، دچار بحرانی شده است که امروز مختص این کشورهاست: بحران ساختاری ناشی از صنعت‌زدایی و روی آوردن سرمایه به بخش خدمات. بدون اینکه بخواهیم پیش‌بینی دقیقی از روند آینده توسعه اقتصادی در ایران ارائه دهیم، می‌توان مطمئن بود که بخش عمده‌ای از اقتصاد ایران در هر شرایط، بر خدمات (چه داخلی و چه در ارتباط با تجارت بین‌المللی) متمرکز خواهد بود. در چنین شرایطی، جنبش سندیکایی ایران باید برنامه‌ها و شعارهای ابتکاری ویژه‌ای را برای جذب نیروها و اقشاری که معمولاً به علت عدم تعلق به هسته صنعتی طبقه کارگر، با شعارهای سنتی جنبش سندیکایی قابل جذب نیستند، تدوین کند. در شرایط حاضر، محور اصلی این شعارها و برنامه‌ها، دمکراسی و حقوق بشر است. اما جنبش اتحادیه‌ای بیش از هر چیز با شعارهای عدالت اجتماعی تعریف می‌شود. لبه تیز مبارزه برای عدالت اجتماعی نیز امروز متوجه حکومتی است که در خدمت قشر محدودی از تجار بازار و بوروکرات‌های فاسد قرار دارد.

## مسائل جهانی، راه‌حل‌های جهانی می‌طلبد

علیرغم تنوع شرایط ویژه هر کشور که بدان اشاره رفت، جهان امروز با مسائل عامی نیز روبرو است که بعضاً به طور سنتی و تاریخی، مورد توجه جنبش کارگری بوده است و اکنون نیز جنبش کارگری نمی‌تواند از کنار آنها بی‌تفاوت بگذرد. در جهان امروز، ده‌ها کانون جنگ و تخاصم ملی وجود دارد که در طول سال‌های اخیر، صدها هزار قربانی گرفته است. از قرن نوزدهم بدین سو، جنبش کارگری پیوند نزدیکی با جنبش صلح دارد. این سوسیالیست‌ها بودند که در برابر ناسیونالیسم سربرآورده از انقلاب‌های بورژوایی، همبستگی بین‌المللی را بر پرچم خود نوشتند. جهان امروز، شاهد بی‌عدالتی فاحشی است که اقتصاد جهانی سرمایه‌داری به بار آورده است. تنها یک جنبش همبسته جهانی است که می‌تواند به طور مؤثر علیه این بی‌عدالتی مبارزه کند. در طول تاریخ

بقیه درصفحه ۱۱

---

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به مناسبت اول ماه مه

## اول ماه مه، روز جهانی کارگران گرامی باد!

کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول ماه مه، روز جهانی کارگر را صمیمانه به شما شادباش می‌گوید و یاد آنانی را که به خاطر آرمانهای عدالتخواهانه و پی‌ریزی جامعه انسانی پیکار کرده‌اند، گرامی می‌دارد.

روز اول ماه مه بیش از هفت دهه است که در کشور ما علیرغم همه ناملایمات، توسط کارگران و زحمتکشان و همه آنانی که خود را با آماج‌های انسانی اول ماه مه همسو می‌بینند، پاس داشته می‌شود.

اول ماه مه سمبل پیکار کارگران و زحمتکشان علیه ستم سرمایه و بی‌عدالتی اجتماعی و برای رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و انسانی است. اردوی کار در نبرد علیه سرمایه در طی دو قرن اخیر به موفقیت‌های شایانی دست یافته و سرمایه‌داری را گام به گام عقب نشانده است. اما در دهه‌های اخیر تهاجم سنگینی از سوی سرمایه‌داران آغاز شده است. آنها آنچه را در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم از دست داده بودند، باز می‌ستانند و بیکاری عظیم و بی‌سابقه‌ای را بر کارگران تحمیل می‌کنند. اکنون جنبش کارگری نه در موضع مبارزه برای کسب حقوق بیشتر، بلکه در موضع تدافعی و در تلاش برای حفظ آن چیزهایی است که در پیکار با سرمایه به دست آورده است.

امروز پیکار کارگران علیه ستم سرمایه با مبارزه نیروهای دمکراتیک برای حل مشکلات بیشمار جهانی از جمله حفظ محیط زیست و شکاف عظیم بین شمال و جنوب پیوند خورده است و ضرورت همبستگی جهانی زحمتکشان و نیروهای دمکراتیک را دو چندان کرده است. اول ماه مه تجلی این همبستگی جهانی برای جستجوی راه‌های دمکراتیک و عادلانه برای حل مسائل مشترک انسانها است.

در میهن ما نیز کارگران با پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی، موج وسیع اخراجها و بازخریدها و با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی، در وضعیت فوق‌العاده طاقت‌فرسا به سر می‌برند. تورم لجام گسیخته و انتقال بار بحران اقتصادی بر دوش زحمتکشان جامعه توسط رژیم اسلامی، موجب شده است که سطح درآمد و زندگی آنها به طور بی‌سابقه‌ای کاهش یابد. از سوی دیگر تداوم و تشدید رکود اقتصادی، توقف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و عمرانی به بیکاری عظیم در جامعه انجامیده است. اکنون بخش نسبتاً وسیعی از نیروی کار جامعه بیکار گشته است. در سایه حکومت اسلامی، لایه‌ای نازک از جامعه به ثروت‌های بی‌کران دست یافته و با کارهای دلالی، تجاری و با زد و بند با مقامات رژیم حاکم و دزدی و ارتشاء دسترنج زحمتکشان و ثروت‌های ملی را به یغما می‌برند. اکثریت مردم ما در زیر خط فقر قرار دارند. شکاف طبقاتی در جامعه ما ابعاد فاجعه‌باری پیدا کرده است.

در مقابل این وضعیت بس ناگوار، کارگران و زحمتکشان ایران فاقد تشکل مستقل صنفی هستند تا از منافعشان در مقابل غارتگرها و سیاست‌های ضد کارگری رژیم اسلامی دفاع کنند. تشکل، حربه کارساز و مؤثر زحمتکشان است. استبداد حاکم تشکلهای دولتی را به جای تشکلهای مستقل کارگری در مراکز تولیدی نشانده است. انجمنها و شوراهای اسلامی به نفع رژیم حاکم عمل می‌کنند و تشکلهای نیمه دولتی همچون «خانه کارگر» در نهایت در خدمت حاکمان قرار دارند.

با این وجود کارگران صدای اعتراض خود را به اشکال مختلف بلند می‌کنند. اعتصاب کارگران خودروسازان در اعتراضی به سیاست انحلال این کارخانه، اعتصاب و تحصن کارگران بنز خاور و اعتصاب کارگران نساجی قائم‌شهر، نمونه‌ای از مبارزات کارگران در سال گذشته است. اما رژیم مستبد در موارد متعددی دستجات سرکوب خود را راهی کارخانه‌ها کرده، حرکات اعتراضی را سرکوب و کارگران را بازداشت کرده است. کارگران همواره در مبارزه برای منافع صنفی‌اشان با سرکوب رژیم حاکم مواجه می‌شوند. به همین خاطر مبارزه صنفی کارگران با مبارزه سیاسی فراگیر در جامعه علیه استبداد حاکم و برای تأمین آزادیهای سیاسی عمیقاً پیوند خورده است.

امروز مبارزه برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و مبارزه متشکل و متحد علیه ستم سرمایه و برای تأمین مطالبات کارگران از یک سو و از سوی دیگر پیکار برای تأمین آزادیهای سیاسی در جامعه، به یک امر مبرم تبدیل شده است.

اول ماه مه روز جهانی تجدید میثاق کارگران و زحمتکشان در مبارزه مشترک برای دستیابی به آرمانهای عدالت خواهانه و انسانی است. با برگزاری جشن اول ماه مه بر تداوم این میثاق پای بفشاریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۷۵

www.iran-archive.com

# مرگ دختر مد دوز

به نقل از کارل مارکس، کاپیتال، جلد اول، فصل هشتم، بند چهارم.

در آخرین هفته‌های ماه ژوئن ۱۸۶۳ تمام روزنامه‌های لندن خبر هیجان انگیزی را زیر عنوان «مرگ دختر مد روز» منتشر کردند. «مری‌آن واکلی»، ۲۰ ساله در یکی از معتبرترین سالن‌های مد درباری کار می‌کرد. مدیر سالن خانمی بود با نام دلربای «الیزه». داستان قدیمی که بارها تکرار شده از نو نقل می‌شود. این دختر بطور متوسط روزی ۱۶/۵ ساعت کار می‌کرد. ولی به هنگام فصل اغلب تا ۳۰ ساعت متوالی کار ادامه پیدا می‌کرد. مری «نیروی کار» فرسوده‌اش را با نوشیدن قهوه یا شری و پورتر جبران و خود را سرپا نگاه می‌داشت.

مرگ او درست در بحبوحه فصل اتفاق افتاد. لازم بود مدتی با شتاب هرچه بیشتر کارکند تالباس‌های خانمهای نجیب‌زاده برای شب‌نشینی رقص به‌افتخار «پرنس‌ویلز» به‌موقع آماده شود. مری ۲۶/۵ ساعت متوالی همراه با ۶۰ دختر دیگر کار کرده بود. ۳۰ نفر از این دختران در اطاق کوچکی که کمتر از یک سوم هوای لازم برای تنفس را داشت کار می‌کردند و شب‌ها هر دو نفر از آنها با هم در یک زاغه متعفن که با یک تخته از دیگری سوا می‌شد بیتوته می‌کردند. و این تازه یکی از بهترین سالنهای مد لندن بود. مری روز جمعه بیمار شد و روز یکشنبه درگذشت، بدون اینکه حتی «آخرین دست لباسی را که در دست داشت تمام کند» (امری که موجب شگفتی خانم الیزه شد).

پزشک هنگامی به بالین وی فراخوانده شد که کار از کار گذشته بود. او با کلماتی خشک به «هیأت تحقیق» چنین گزارش داد: «مری آن واکلی بدین علت مرده است که ساعات طولانی در کارگاهی کار کرده که بیش از حد کارگر داشته و در اطاقی خوابیده که بیش از حد تنگ بوده است».

هیأت تحقیق برای اینکه وظیفه دکتر را هم به او گوشزد کرده باشد اعلام کرد:

«مرحومه در نتیجه سکته قلبی درگذشته است ولی بیم آن می‌رود که مرگ در اثر کار در کارگاهی که بیش از حد کارگر داشته تسریع شده باشد».

و روزنامه مورنینگ‌استار خبر را زیر این تیتر انتشار داد:

«بردگان سفید تا دم گور کار می‌کنند و بی سر و صدا نابود می‌شود و می‌میرند».

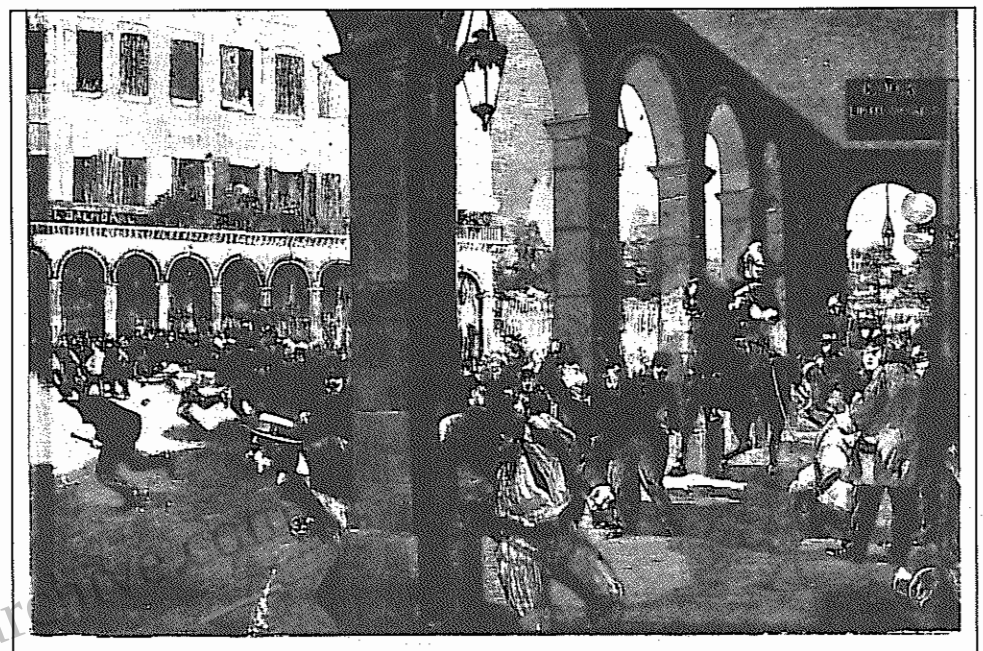

جشن نخستین ماه مه در فرانسه: کاستیلون پاریس، از دید «ژوزف بلون» ـ

*نشریه کار در ادامه سیاست خود دایر بر معرفی نهادها، تشکل‌ها و مجامع فرهنگی، سیاسی و سندیکائی و شناساندن اهداف و عرصه های فعالیت و اقدامات آنان، در این شماره به مصاحبه با آقای حسین نظری مسئول "کمیسیون ارتباطات سندیکایی" پرداخته است. در زیر متن این مصاحبه را ملاحظه می کنید:*

# همبستگی زحمتکشان؛ نیاز سرنوشت‌ساز

مصاحبه «کار» با آقای حسین نظری، مسئول کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

*کار: آقای نظری، ضمن تبریک روز جهانی کارگر، از شما خواهش می‌کنیم، در باره پیشینه پیدایش کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران و عملکرد کنونی آن، اطلاعاتی به خوانندگان ما بدهید.*

نظری: با تشکر فراوان از برگزاری این مصاحبه و شادباش متقابل به خاطر اول ماه مه، باید عرض کنم که از پیدایش کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، اینک ۳۶ سال می‌گذرد. این کمیسیون در واقع ادامه دهنده فعالیت شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران است. شورای متحده مرکزی در سال ۱۳۲۳ تشکیل شد و کمیسیون در سال ۱۳۳۹. شورای متحده در سال ۱۳۲۵، همزمان با تشکیل فدراسیون سندیکایی جهانی به عضویت آن درآمد. درواقع یکی از پایه‌گذاران آن نیز بود. اهمیت موقعیت شورای متحده باعث شد که دبیر کل آن رضا روستا به عضویت ارگان رهبری فدراسیون سندیکایی جهانی درآید.

در اول ماه مه ۱۹۴۶ (۱۳۲۵)، لوئی سایان، دبیر کل فدراسیون سندیکایی جهانی به تهران آمد و در راهپیمایی ۸۰ هزار نفره کارگران و زحمتکشان ایران شرکت کرد. شورای متحده در پیوند تنگاتنگ با دیگر اعضای فدراسیون سندیکایی جهانی، در همه نشست‌ها و گردهمایی‌های آن شرکت فعال داشت. پس از کودتای ۳۲، با وجود آنکه سندیکاهای مستقل کارگران و زحمتکشان سرکوب شدند، اماشورای‌متحده‌مرکزی‌همچنان‌به‌عنوان عضو رسمی فدراسیون جهانی جایگاهش را حفظ کرد. در سال ۱۳۳۹ تصمیم گرفته شد که فعالیت شورا، در ابعاد دیگری تحت عنوان کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، تداوم یابد. وظیفه اصلی کمیسیون ارتباطات طی این سالها (تا سال ۵۷) منعکس کردن مسائل جنبش سندیکایی ایران و جلب حمایت زحمتکشان جهان از کارگران ایران، از طریق شرکت در کنگره‌ها و گردهمائی‌های منطقه‌ای و جهانی فدراسیون سندیکایی و انتشار مطالب آگاهگرانه بزبان‌های فرانسه و فارسی بود. در دوره انقلاب، کمیسیون ارتباطات و نشریه آن «اتحاد»، چندگاهی از امکان فعالیت علنی برخوردار بودند. نشریه اتحاد، نقش مهمی در شکل‌گیری تشکلهای مستقل سندیکایی داشته است. بولتن‌هایی از نشریه اتحاد نیز به زبان فرانسه تهیه می‌شد و به خارج از کشور ارسال می‌شد. پس از یورش خمینی به نیروهای دموکرات و چپ و سازمانهای سندیکایی مستقل، کمیسیون ارتباطات با استفاده از پایگاه بین‌المللی خود در فدراسیون، به فعالیت خود ادامه داد. آخرین نمونه‌های فعالیت و حضور کمیسیون‌درعرصه بین‌المللی ، شرکت در سیزدهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی در دمشق (نوامبر ۹۴) و پیگیری در به تصویب رساندن قطعنامه محکومیت رژیم اسلامی ایران به دلیل جلوگیری از فعالیت سندیکایی مستقل کارگری و شرکت در چهل و پنجمین کنگره اتحادیه عمومی کار فرانسه (C. G. T.) در دسامبر ۹۵ و به تصویب رساندن قطعنامه ۷ فدراسیون سندیکایی حرفه‌ای فرانسه در محکوم کردن رژیم استبدادی آخوندی بوده است.

اضافه کنم که سیزدهمین کنگره سندیکایی زحمتکشان کوبا در هفته آینده در هاوانا برگزار می‌شود. کمیسیون ارتباطات نیز در این کنگره به عنوان میهمان شرکت خواهد کرد. ما پس از این اجلاس، شما و همه را در جریان دستاوردهای این کنگره قرار خواهیم داد.

*کار: گویا رژیم اسلامی ایران تلاش دارد، «خانه کارگر» (کانون شوراهای اسلامی کار) را به عضویت فدراسیون سندیکایی جهانی درآورد. شما این حرکت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟*

نظری: در سیزدهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی در دمشق، «خانه کارگر» تقاضای عضویت رسمی در فدراسیون را داد. پیش از این اجلاس، دبیر منطقه‌ای فدراسیون جهانی به ایران دعوت شده و با «خانه کارگر» اعلامیه مشترکی صادر کرد ، مبنی بر اینکه «دموکراسی در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی ایران وجود دارد». هیأت نمایندگی کمیسیون ارتباطات سندیکایی این اعلامیه را افشا کرد و آنرا نادرست خواند. به هر حال، پس از این مقدمات بود که «خانه کارگر» با استفاده از موقعیت میزبانی سوریه، فرصت را جهت تقاضای عضویت مغتنم شمرد. ولی فعالیت افشاگرانه ما و حمایت اکثریت سندیکاهای عضو فدراسیون از قرار پیشنهادی ما، موجب رد تقاضای عضویت «خانه کارگر» شد. به اعتقاد من، هدف «خانه کارگر» نه پذیرش دستاوردهای جهانی سندیکایی و اجرای ضوابط دموکراتیک آن بلکه، مشروعیت بخشیدن به موجودیت شوراهای اسلامی کار در عرضه بین‌المللی و تلاش برای تحمیل الگوی خود در مقیاس منطقه‌ای است. علاوه بر آن «خانه کارگر» می‌کوشد، همچنانکه در داخل مانع فعالیت سندیکاهای مستقل شده است، از فعالیت کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران در عرصه بین‌المللی نیز جلوگیری کند.

*کار: آقای نظری، کمیسیون ارتباطات سندیکایی در عرصه مطبوعاتی چه فعالیت‌هایی دارد؟*

نظری: ما فصلنامه «اتحاد» را به زبان فرانسه جهت آشنایی افکار عمومی جهانی با مسائل جنبش کارگری ایران، منتشر می‌کنیم. علاوه بر آن، آخرین دستاوردهای جنبش جهانی سندیکایی را جهت اطلاع هموطنان ما به فارسی منتشر می‌کنیم. به عنوان نمونه طی ۶ ماهه اخیر، سه جزوه به زبان فارسی انتشار داده‌ایم؛ ۱ـ سیزدهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی در دمشق (نوامبر ۹۴)، ۲ـ تاریخ یکصد سال مبارزه اتحادیه عمومی کار فرانسه (C.G.T) ۳ـ صدسالگی C. G. T. و چهل و پنجمین کنگره آن در (دسامبر ۱۹۹۵).

*کار: کمیسیون ارتباطات، در رابطه با احزاب و سازمانهای سیاسی، از چه موازینی پیروی می‌کند؟*

نظری: مهمترین اصل ساختاری مورد تاکید ما مستقل بودن این نهاد است. کمیسیون ارتباطات سندیکایی بمثابه یک نهاد سندیکایی، معتقد به حفظ استقلال خود از دولت، احزاب سیاسی، سازمانها و نهادهای مذهبی و یا ایدئولوژیک است. جهت‌یابی هر نهاد سندیکایی منوط به استقلال عمل آنست، که بر شالوده دموکراتیسم سندیکایی شکل می‌گیرد. ما ارتباط و همکاری با سازمانها و احزاب سیاسی را ضرور می‌دانیم و از آن استقبال می‌کنیم. اما آمریت هیچ سازمان و حزبی را نمی‌پذیریم.

*کار: آیا کمیسیون ارتباطات، با فعالین سندیکایی ایران در مهاجرت و نشریات سندیکایی‌ای که در خارج از کشور (به ویژه در انگلستان و سوئد) منتشر می‌شود،*

بقیه در صفحه ۱۱

# سرود بین‌الملل

*گفتار از: اوژن پوتیه*
*آهنگ از: پیر دوگیته*
ترجمه: *احمد شاملو*

برخیزید، دوزخیان زمین!
برخیزید، زنجیریان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندروار می‌غرد.
اینک! فوران نهائی‌ست این.
بساط گذشته برویم،
به‌پاخیزید! خیل بردگان، به‌پا خیزید!
جهان از بنیاد دیگرگون می‌شود
هیچیم کنون، «همه» گردیم!
نبرد نهائی است این.
به هم گرد آئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.
رهاننده برتری در کار نیست،
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب،
خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!
خود به کوره خویش بردمیم.
و آهن را گرماگرم بکوبیم!
نبرد نهائی‌ست این.
به هم گردآئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.
کارگران، برزگران
فرقه عظیم زحمتکشانیم ما
جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بی‌مصرفان جای دیگری است.
تا کی از شیره جان ما بنوشند؟
اما امروز و فردا،
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.
نبرد نهائی است این
به هم گردآئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.

# تعیین ساعات کار روزانه حاصل چند قرن مبارزه کار و سرمایه است

کارل‌مارکس

*از شروع رشد مناسبات سرمایه‌داری در قرن ۱۴ میلادی تا قرن هجدهم تمام تلاش کارفرمایان و نیز تمام مقررات و قوانین دولتی در اروپا در جهت افزایش زمان کار روزانه و کاهش حداقل سن کار تمرکز می‌یافت. در اولین آئین‌نامه‌های کار که در اواخر قرن ۱۵ در انگلیس به تصویب رسید اما در آن زمان نتوانست به اجرا درآید ساعات کار روزنامه «حداقل» ۱۵ ساعت در نظر گرفته شده (از ۵ صبح تا ۷ شب). سالها طول کشید تا اینگونه قوانین بتواند اجرا شود. تنها در دهه سوم و چهارم قرن ۱۹ بود که سرمایه‌داری ـ باز هم به اتکای قوانین دولتی در کارخانه‌های بزرگ روز کار را از ۵/۵ صبح تا ۸/۵ شب و حداقل کار روزانه را ۱۵ ساعت در این فاصله اعلام و آن را به اجرا گذاشت.*

*از دهه‌های هفتم قرن نوزدهم، صرفاً در اثر تشکل و مقاومت طبقه کارگر سمت و سوی قانونگزاری دولتی تغییر می‌کند و کارفرمایان ملزم به رعایت قوانینی می‌شوند که ساعات کار را محدود می‌کند.*

*بر اثر این مبارزه متوسط ساعات کار روزانه و متوسط ساعات کار در سال رو به کاهش می‌گذارد. جدول در این زمینه گویاست:*

| کشور | متوسط ساعات کار یک کارگر طی یکسال ۱۸۷۰ - ۱۹۸۷ | | | |
|---|---|---|---|---|
| فرانسه | ۲۹۴۵ | ۲۵۵۵ | ۱۸۴۸ | ۱۵۴۳ |
| آلمان | ۲۹۴۱ | ۲۵۸۴ | ۲۳۱۶ | ۱۶۲۰ |
| بریتانیا | ۲۹۸۴ | ۲۶۲۴ | ۲۲۶۷ | ۱۵۵۷ |
| آمریکا | ۲۹۶۴ | ۲۶۰۵ | ۲۰۶۴ | ۱۶۰۸ |
| سوئد | ۲۹۴۵ | ۲۵۸۸ | ۲۲۰۴ | ۱۴۶۶ |

*یعنی طی یک قرن و اندی ساعت کار هفتگی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از حدود ۶۰ ساعت در هفته به حدود ۳۳ ساعت تنزل یافته است. البته ساعات کار روزانه تمام وقت در کشورهای اروپا بین ۳۵ تا ۴۰ ساعت است. تفاوت از آنجاست که در جدول فوق متوسط ساعات کار برای کلیه کارگران تمام وقت و نیمه‌وقت در نظر گرفته شده، در حالیکه مطابق قانون مصوب پارلمان اروپا در سال ۱۹۹۳ و سپس طبق قرارداد ماستریخت حداکثر ساعات کار در هفته ۴۸ ساعت پذیرفته شده و تازه این تصمیم با اعتراض و عدم تمکین دولت انگلیس روبرو شده است. متوسط ساعت کار کارگران تمام وقت در انگلیس و نیز کشورهای دیگر در برخی رشته‌ها ـ از جمله در ساختمان ـ بیش از ۵۰ ساعت گزارش شده است. (منبع OECD)*

*کار منبع تمام ارزش‌هاست*
*مارکس*

# «وضعیت کودکان کارگر در ایران»

علی صمد (پژمان)

در ایران هرساله پای بسیاری از کودکان به محیط‌های کار باز می‌شود. دلیل این امر، فقر شدید اقتصادی است. در اکثر موارد این کودکان محکوم به زندگی در وضعیتی آکنده از رنج و محرومیت هستند که از همان سالهای تعیین کننده کودکی با تحمیل فشارهای شدید کار، دچار آسیبهای جدی از لحاظ رشد جسمی، روانی، اجتماعی و عاطفی می‌شوند. امروز، طرحهای توسعه ملی در کشورهای در حال توسعه می‌بایست محور کلیدی‌اش تضمین پیشرفت کودکان باشد. در کشورهائی که به سطحی مطلوب از توسعه اجتماعی و اقتصادی رسیده‌اند، می‌توان مشاهده کرد که بخش مهمی از منابع مادی و معنوی به مسائل کودکان و حمایت روانی و جسمی از آنان اختصاص یافته است. جهان در زمینه کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان در سه دهه اخیر شاهد پیشرفتهای گسترده‌ای بوده است. و اما چه کسی در اندیشه سالهای آموزش و تربیت آنهاست؟ چه کسی فراتر از زنده ماندن طبیعی را در نظر دارد و جرات می‌کند این پرسش را مطرح سازد که: «زنده ماندن آری اما برای چه آینده‌ای؟»

ما سعی داریم در مقاله ذیل، وضعیت کارگران خردسال در ایران را با مراجعه به قوانین داخلی حکومت اسلامی، بررسی کنیم.

## تعریف کودک

کودک در ماده اول کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ چنین تعریف شده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.». اما در ایران شروع کودکی طبق ماده ۹۵۶ قانون مدنی چنین می‌باشد: «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.». سپس در تبصره یک از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی چنین می‌خوانیم: «سن بلوغ برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است. تشخیص سن افراد از روی شناسنامه خواهد بود.». در مورد مسائل کارگری پایان کودکی طبق ماده ۷۹ قانون کار در دختر و پسر بطور یکسان ۱۵ سالگی است.

## حداقل سن پذیرش برای کار

برای نخستین بار، کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار که بنا به دعوت دولت آمریکا در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹، در واشنگتن تشکیل گردید و قوانین را به نفع کودکان کارگر به تصویب رساند. از جمله حداقل سن پذیرش کودکان در کارهای صنعتی را تعیین نمود. طبق ماده دوم این قوانین، کودکانی که کمتر از ۱۴ سال دارند نبایستی در مؤسسات صنعتی عمومی یا خصوصی، در یکی از رشته‌های مربوط به آن، غیر از مؤسساتی که فقط اعضای یک خانواده در آن شاغل هستند، استخدام و به کار مشغول شوند. بعد از تصویب قوانین مذکور، مسئله کار کودکان و لزوم حمایت از آنان در قبال خطرات احتمالی ناشی از کار و کارهای سنگین و نیز اضافه‌کاری و کار در شب و همچنین کارآموزی و آموزش حرفه‌ای به کودکان و رعایت اصول بهداشتی در مورد آنان، مورد توجه سازمان بین‌المللی کار قرار گرفت. این سازمان سعی کرده با ارائه راه حلهای مناسبی به این موضوع بپردازد؛ بطور مثال حداقل سن پذیرش کودکان بر حسب نوع کار و ساعات شبانه روز تعیین گردید. البته حداقل سن پذیرش کودکان کارگر بر حسب نوع کار و مشاغل مختلف متفاوت است و این مسئله کاملاً منطقی است زیرا ماهیت برخی از مشاغل ایجاب می‌نماید که سن پذیرش کودکان افزایش یابد. کنفرانسهای عمومی سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۳۷ تصویب نمود که حداقل سن برای پذیرش کودکان در کارهای صنعتی و غیرصنعتی نباید کمتر از ۱۵ سال باشد. سپس در ژوئن سال ۱۹۶۵ در یکی دیگر از کنفرانسهای عمومی سازمان بین‌المللی کار، قوانینی در خصوص کار کودکان در معادن زیرزمینی به تصویب رسید. طبق ماده دوم این قوانین استخدام در کارهای زیرزمینی و معادن، در هیچ موردی نباید کمتر از ۱۸ سال باشد. بعد از انقلاب باید دید که حکومت اسلامی ایران سیاستش در قبال این قوانین و توصیه‌نامه‌های متعدد بین‌المللی که حداقل سن پذیرش کودکان را در مشاغل گوناگون تعیین کرده، چیست؟ رژیم اسلامی ایران هیچیک از این مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی را امضا نکرده است. امروزه حداقل سن کار برای کودکان در ایران بدون در نظر گرفتن نوع مشاغل و شرایط آن ۱۵ سال تعیین گردیده است و متخلفین به جریمه نقدی و یا در صورت تکرار تخلف، به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز طبق قانون محکوم خواهند شد. پس چنانکه پیشتر متذکر شدم در مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌های متعددی که در کشورهای پیشرفته تنظیم و اجرا می‌شود حداقل سن نوجوانان برای کارهای صنعتی ۱۸ سال و برای کارهای سبک ۱۶ سال می‌باشد.

## وضعیت کودکان کارگر روستائی

امروزه نیز مانند گذشته، بسیاری از کودکان شاغل در بخش کشاورزی به کار مشغولند. در واقع هرساله در روستاهای ایران صدها هزار کودک از سنین ۴ – ۵ سالگی، در کنار پدران و مادران محروم و زحمتکش خود به کار چوپانی، علف‌چینی، گردآوری هیزم، مراقبت از دام و طیور، آبیاری، کار در مزرعه، کار در قناتها و لاروبی چاهها، کار در امور سمپاشی باغات و اشجار و ضدعفونی کردن اماکن و طویله‌ها و آشیانه‌های مرغداری،... و یا در دخمه‌های تاریک و پررنج قالی‌بافی با سرانگشتان کوچک و کودکانه خود به گل انداختن بر قالی‌ها می‌پردازند. کارهای کشاورزی در روستا طوری سازمان یافته‌اند که همه روستانشینان مرد، زن، میانسال و کودک می‌بایست برای حفظ بقای خانواده به سختی تمام روز را کار کنند. در حال حاضر از تعداد کودکان کارگر در روستاها و شهرها و ترکیب جنسی آنها آمار و اطلاعات دقیقی از طرف حکومت اسلامی داده نشده است. فقط هر از چندگاهی بعضی از مسئولین حکومتی، اینجا و آنجا به ارائه آماری پرداخته‌اند. تا قبل از پیروزی انقلاب‌بهمن ۱۳۵۷، تعداد کارگران خردسال در حدود ۲/۵ میلیون نفر بود. با گذشتن بیش از ۱۷ سال از عمر حکومت اسلامی آمار فوق افزایش زیادی یافته است.

بهره‌کشی از کودکان در ایران سابقه دیرینه دارد و تنها مختص به جمهوری اسلامی نیست. صنعت قالیبافی ایران با سرانگشتان ظریف و کوچک کودکان ۷ – ۸ ساله چرخیده است. در بسیاری از مناطق کشورمان، کودکان خردسال مجبورند ساعتها در این کارگاههای نمور و تاریک قالیبافی در مقابل دار قالی نشسته و گره بر گره زنند. آنها در این کارگاههای قالیبافی بینائی خود را از دست می‌دهند و پشت و کمرشان آسیب می‌بیند. در اکثر کارگاههای قالیبافی حداقل یک یا چند کارگر کمتر از ۱۲ سال به کار اشتغال دارند. در رژیم گذشته برای جلوگیری از این موضوع در سال ۱۳۴۷، ماده واحده قانون تشدید مجازات به کار گماردن کودکان کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای فرشبافی به تصویب رسید که طبق آن، هر کسی کودکان کمتر از ۱۲ سال تمام را به هر عنوان در کارگاههای قالیبافی به کار گمارد به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا یکسال و پرداخت غرامت از ۵۰۰ ریال تا ۵۰ هزار ریال محکوم خواهد شد و در صورت تکرار، به سه سال زندان و پرداخت جریمه تا ۳۰۰ هزار ریال محکوم خواهد گردید. ولی باید اذعان کرد که هر چند تشدید مجازات در کاهش استفاده از کارگران کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای قالیبافی می‌تواند مفید واقع شود اما این برخورد به تنهائی کافی نمی‌باشد زیرا در حال حاضر فقر در میان روستائیان چنان شدید است که باعث می‌شود که کودکان همچنان به این قبیل مشاغل بپردازند. از طرفی دستگاههای مجری قانون کار، غالباً قادر به اجرای تعهدات خود در روستاها و شهرهای ایران نیستند. کارفرمایان اینگونه مراکز، با دایر نمودن در منازل و دهات توانسته‌اند خود را از کنترل بازرسین وزارت کار خلاص کنند و بدین طریق با خیال آسوده به استثمار کودکان و زنان کارگر می‌پردازند. این را هم می‌بایست اضافه کرد که در روستاهای ایران بعضی از کارفرمایان، کار را به جائی رسانده‌اند که گاهی حتی قبل از متولد شده کودکان، همانند دوران برده‌داری آنها را از والدینشان پیش‌خرید می‌کنند تا بلکه از این طریق از سنین بسیار پائین و در شرایط بسیار غیر انسانی بتوانند از نیروی کار این نونهالان استفاده کنند. در این خصوص روزنامه کیهان چاپ تهران به تاریخ ۷ بهمن ۱۳۶۵ می‌نویسد: «صاحب و استادکار یک کارگاه قالیبافی در روستای تارخه از توابع دهستان بام شهرستان اسفراین که با خرید و در اختیار گرفتن کودکان خردسال زیر ۱۵ سال، ضمن شکنجه، آنان را در شرایط بسیار نامناسب به کار می‌گماردند دستگیر شدند». روزنامه کیهان در ادامه در باره شرایط کار دو تن از این کودکان خریداری شده می‌نویسد: «فاطمه و زهرا در مدت بیش از سی ماه، با بیگاری و ضرب و شتم و شکنجه‌های جسمی و روانی در کارگاه قالیبافی مواجه بودند. بطوریکه آثار جراحات در بدن آنها کاملاً مشهود است. دست و پای راست زهرا(خواهر کوچکتر) بر اثر ضربات چوب «روح‌الامین» پسر کارفرما شکسته شده و در اثر عدم مراجعه به پزشک به همان حال (کج) جوش خورده است و... ما همیشه کتک می‌خوردیم و دائماً دست و پا و بدنمان کبود بود. اگر شبها هم که می‌بایست خامه‌ها (کلافهای نخ قالی) را باز می‌کردیم به هنگام کار خوابمان می‌برد، زن کارفرما دست و پایمان را داغ می‌کرد تا خوابمان نبرد. از صبح زود تا شب کار می‌کردیم و غذایمان فقط نان و شیره انگور بود که در ساعت ده صبح می‌خوردیم». چنانکه می‌بینیم کودکان بوسیله کارفرمایان در روستاها بطرز وحشتناکی استثمار می‌شوند و کسی هم نیست به رنج و غم آنان در ایران برسد. در واقع جای این خردسالان و نونهالان آینده‌ساز در مدرسه و پشت میزهای درس است نه در پشت دستگاه و دار قالی!

## وضعیت کودکان کارگر شهری

در شهرها نیز هر ساله هزاران هزار کودک در کوره‌پز خانه‌ها، کارگاههای صنایع دستی، کارگاههای قالی‌بافی، کارگاههای آهنگری، کفاشی‌ها، چاپخانه‌ها کارخانه‌های بلور سازی و شیشه‌گری، کارخانه‌های ملامین سازی، کارهای ساختمانی، کارهای دستی و پیش‌خدمتی و تولیدی پوشاک و یادویی و حتی در معادن به کار گرفته شده‌اند. حتی گروهی از آنها در کارگاههایی که وابسته به ارگانها و مؤسسات دولتی هستند، کار می‌کنند. این کودکان در شرایط غیر انسانی و غیر بهداشتی، نیروی خود را در برابر دریافت دستمزد ناچیزی به فروش می‌رسانند. بسیاری از این کارها برای کودکان خطرناکند و بیشترین شواهد و مدارک مبنی بر سوانح، تجاوز و ستمکاری در این بخش‌ها مشاهده می‌شود. شرایط کار در این کارگاهها به گونه‌ای است که بزرگسالان را از پا می‌اندازد تا چه برسد به کودکان! به عنوان مثال، کودکان شاغل در کارخانه‌های آجرپزی بارهایی را حمل می‌کنند که در پایان می‌تواند باعث جراحت و سا تغییر شکل اعضای بدن آنها شود. در واقع کودکان در محیط کار از امکانات ایمنی بی‌بهره‌اند. تیترهایی از قبیل "سه انگشت کارگر ۱۴ ساله زیر پرس قطع شد."، در صفحات روزنامه‌ها فراوان است. طبق آمار منتشر شده، ۱۱٪ از موارد سوانح به کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله اختصاص دارد. یعنی در سال بیش از ۲۲۰۰ کودک در کارگاهها و کارخانه‌ها قربانی می‌شوند.

تعدادی از کودکان در شهرها، برای خودشان کار می‌کنند. یعنی بیشتر آنها در خیابانها به کارهایی نظیر دستفروشی، شیشه شوری ماشینها، روزنامه فروشی و غیره مشغول هستند و از این طریق سعی می‌کنند خرج خود و خانواده‌شان را درآورند. این کودکان هر روز صبح گروه گروه به خیابانها می‌ریزند اما نه برای بازی و نشاط و مدرسه رفتن، بلکه برای تهیه لقمه‌ای نان، برای زنده ماندن!

دبیرخانه یونیسف ،چند سال قبل اعلام کرد که در ایران بیش از ۵۰۰۰ کارگر کمتر از ۱۳ سال وجود دارد. البته این رقم تنها آمار رسمی کودکانی را که در کارگاهها به کار اشتغال دارند، شامل می‌شود. اگر به این آمار اکثریت قریب به اتفاق کودکان روستایی و نیز هزاران کودک بافنده و دستفروش و... را اضافه کنیم، رقمی ،چند میلیونی را تشکیل می‌دهند. آقای احمدی، یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی، در مصاحبه با روزنامه اطلاعات تاریخ بهمن ۱۳۶۵ اعلام کردند که "در حال حاضر از ۱۰۰۰ نفر انسانی که به دوره دبستان قدم می‌گذارند، تنها ۱۰ نفر وارد دانشگاه می‌شوند. در مجموع هر ساله ۶ میلیون نفر وارد دوره دبستان می‌شوند، ولی این تعداد در دوره راهنمای به سه میلیون نفر و در دوره دبیرستان به یک میلیون نفر تقلیل پیدا می‌کند." پس بر سر پنج میلیون نفر کودک دیگر چه می‌آید؟ پاسخ روشن است، پنج میلیون نفر (یعنی به طور متوسط هر سال ۶۲۵۰۰۰ کودک) از فرزندان مردم زحمتکش ایران به دلیل فقر و مشکلات اقتصادی به محیط کار رانده می‌شوند. هر چند، از یک میلیون نفر باقی مانده در دوره دبیرستان، تعدادی هم قبل از پایان این دوره، درس را به قصد کار رها می‌سازند.

در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، قوانینی وجود دارند که کار کودکان کمتر از ۱۵ سال را منع کرده است. ولی این قوانین قدرت اجرایی ندارند و توجیهات شرعی و غیر شرعی زیادی در این عرصه صورت می‌گیرد. مثلاً، طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، حداقل سن در کارگاههای خانوادگی کاهش می‌یابد. در این ماده آمده است: "اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری با سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی و نیز کار در کارگاههای خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می‌شود، مشمول مقررات این قانون نخواهد بود." یعنی همچنان که در بالا گفته شد، طبق قانون فوق حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نخواهد شد. در چنین مواردی، بازرسی از کار به دشواری صورت می‌گیرد.

برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت، استثمار و سوءاستفاده می‌بایست از شیوه‌ها و وسایل دیگری استفاده کرد. در واقع هدف قوانین کار باید برداشتن گامهایی در جهت محرومیت زدایی از این گروه کارگران باشد. در ایران هنوز متأسفانه، بیکاری جوانان و مضرات و اثر سوء آن در روحیه جوانان، به طور جدی از طرف کارشناسان مورد مطالعه قرار نگرفته و دولت اسلامی ایران نیز تا کنون راه حلی برای آن پیش‌بینی نکرده است. تنها اقدامی که به نظر می‌رسد ظاهراً برای رفع این مشکل انجام شده، تأسیس اردوی کار است ولی چون اردوی کار مختص جوانان نبوده بلکه سنین مختلف از آن استفاده می‌نمایند و مضافاً به این که فاقد شرایط تقویتی و حرفه‌ای لازم می‌باشد، لذا نتیجه مطلوبی در عمل به دست نیآمده است.

## برخی از قوانین داخلی و خارجی در خصوص کودکان کارگر

لزوم حمایت از کودکان در قبال خطرات ناشی از کار و اتخاذ تدابیر کافی، جهت معاینه پزشکی کودکان، برای احراز استعداد جسمانی آنان، همواره مورد توجه محافل بین‌المللی بوده و در تمام کنفرانس‌های عمومی سازمان بین‌المللی کار در سالهای ۱۹۱۹، ۱۹۲۱، ۱۹۴۶، ۱۹۶۵ و ... به این امر توجه کرده و قوانینی را در این خصوص منعقد نموده‌اند.اما دولت اسلامی ایران به هیچ یک از این قوانین و مصوبات سازمان بین‌المللی کار که در مورد آزمایشات طبی در زمینه توانایی کارگران جوان و از لحاظ اشتغال به مشاغل گوناگون صادر شده، ملحق نشده است. و در هیچ یک از قوانین داخلی، حمایت بخصوصی از کودکان در این گونه امور نشده و اگر هم در موارد خاصی مقررات بهداشتی و حمایتی وضع شده، تنها ناظر به کلیه کارگران بوده و نظر خاصی به کودکان کارگر نداشته است. با توجه به بنیه جسمی کودکان و جهت ایجاد امکانات لازم برای پرورش جسمی و روحی آنان، کار اطفال در ساعات شب می‌بایستی ممنوع باشد و در مورد اطفالی که ۱۶ سال کمتر دارند، این ممنوعیت شامل مدت زمانی به طول ۱۲ ساعت متوالی بین ده شب تا بامداد خواهد بود. اما شب و روز طبق ماده ۵۳ قانون کار چنین تعریف شده است: "کار روز، کارهایی است که زمان انجام آن از ساعت ۶ بامداد تا ۲۲ می‌باشد و کار شب کارهای است که زمان انجام آن بین ۲۲ تا ۶ بامداد قرار دارد." و نیز در ماده ۸۳ قانون کار می‌خوانیم: "ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است". کارگر نوجوان طبق ماده ۸۰ قانون کار چنین تعریف شده است: "کارگری که سنش بین ۵۱ تا ۱۸ سال تمام است کارگر نوجوان نامیده می‌شود..." پس با این حساب ارجاع هر نوع کار اضافی به کارگران کمتر از ۱۵ سال ممنوع است. کارفرمایان می‌توانند طبق ماده ۵۹ و ۶۰ قانون کار در صورت بروز حادثه و یا لزوم تعمیرات ضروری در کارگاه و ماشینها و همچنین در موارد پیش آمدن حالت فوق‌العاده، استثنا با پرداخت اضافه دستمزد قانونی از وجود کودکان کمتر از ۱۸ سال و حتی زیر ۱۵ سال استفاده کنند. و هرکسی هم که از وضعیت کودکان مقداری اطلاع داشته باشد، خواهد دید که کارفرمایان با توسل به این دو ماده ،که فشارهایی را بر کودکان وارد می‌آورند و هیچ کاردانی نیز در وزارت کار وجود ندارد که این وضعیت را کنترل کند و کارگر خردسال برای حفظ کار، حاضر به قبول هرگونه تضییقی است.

در اصل دوم و نهم اعلامیه حقوق کودک که مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ است می‌خوانیم: "اصل دوم: کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذیربط در اختیار وی قرار گیرد. در وضع قوانینی بدین منظور منافع کودکان باید والاترین اولویت را داشته باشد."

"اصل نهم: کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد."

در اصل ۳۲، ۳۶ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ می‌خوانیم: "ماده ۳۲ـ۱ـ کشورهای طرف کنوانسیون حقوق کودک جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زیانبار بوده و یا توقفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد، را به رسمیت می‌شناسند. ۲ـ کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات لازمه قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت تضمین اجرای این ماده به عمل خواهند آورد. در این راستا و با تکیه به مواد مربوطه در سایر اسناد بین‌المللی،کشورهای طرف کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را مورد توجه قرار خواهند داد: الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار. ب) تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار. ج) تعیین مجازات‌ها و یا اعمال سایر ضمانت‌های اجرایی مناسب جهت تضمین اجرای مؤثر این ماده."

"ماده ۳۶: کشورهای طرف کنوانسیون از کودکان در برابر تمام اشکال استثمار که هریک از جنبه‌های رفاه کودک را به مخاطره اندازد، حمایت خواهند کرد."

ماده ۳۹: کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را برای تسریع بهبودی جسمی و روحی و بهسازی اجتماعی کودکی که قربانی بی‌توجهی، استثمار، سوءاستفاده، شکنجه یا سایر اعمال خشونت آمیز، غیر انسانی و تحقیر کننده یا جنگ بوده است، به عمل خواهند آورد.این روند بهبودی و پیوستن مجدد به جامعه می‌بایست در محیطی که موجب سلامت، اتکای نفس و احترام کودک شود، انجام گیرد."

در برنامه اجرایی جهت انجام اعلامیه جهانی بقا و رشد و حمایت از کودکان در دهه ۱۹۹۰، ماده ۲۳ می‌خوانیم: "بیش از یکصد میلیون کودک به کار و غالباً کار سنگین و پر خطر اشتغال دارند و این وضعیت با میثاقهای بین‌المللی ناظر بر حمایت از خردسالان در برابر بهره‌کشی اقتصادی و ممانعت از اشتغالاتی که در جریان تحصیلی کودکان مداخله کرده و به سلامتی و رشد آنان زیان می‌رساند، مغایرت دارد. با توجه به این واقعیت، کلیه دولت‌ها باید به اقداماتی مبادرت ورزند تا به این شیوه اشتغال کودکان خردسال خاتمه دهند و مضافاً به بررسی این مسأله بپردازند که چگونه می‌توان به حمایت از شرایط و وضعیت کودکان شاغل در کارهای مشروع اقدام کرد تا فرصت کافی جهت پرورش و رشد سالم آنان فراهم آید."

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵ از بند دوم می‌خوانیم: "مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت خصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند." در میثاق بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۰ از بند سوم می‌خوانیم: "تدابیر خاصی در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیر ممیز و ممیز بدون هیچگونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر نباید اتخاذ بشود. اطفال غیر ممیز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامتی آنان زیان‌آور است یا زندگی آنان را به مخاطره می‌اندازد و یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد، باید به موجب قانون قابل مجازات باشد. دولت‌ها همچنین باید برای اشتغال اطفال به کار، حدود سنی قایل شوند که کمتر از آن به موجب قانون ممنوع و قابل مجازات باشد."

البته کنوانسیون‌های بین‌المللی بسیار امید بخشند زیرا این بیانگر این امر است که جهان بیش از هر دوره دیگر به کودکان اهمیت می‌دهد. اما اسلامی ایران بی‌اعتنا به مفاد این مقاوله‌ها نسبت به سرنوشت این آینده‌سازان اساساً بی‌توجه است. و بالطبع هر روزی که از عمر این رژیم قرون وسطایی اسلامی و استبدادی بگذرد وضعیت زندگی کودکان، زنان و دیگر اقشار مردم زحمتکش کشورمان به همان میزان اسفبارتر می‌شود.

منابع:
۱ ـ مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی ـ مدنی، تدوین فرج‌الله قربانی، انتشارات دانشور، تهران ۱۳۳۷۴
۲ ـ متن کامل قانون‌کار:روزنامه‌اطلاعات،۱۱دی۱۳۶۹
۳ ـ حقوق کودک (جلد اول)، نگارش شیرین عبادی، چاپ سوم، پائیز ۱۳۷۱، انتشارات روشنگران
۴ ـ تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، نگارش شیرین عبادی، انتشارات روشنگران، چاپ اول ۱۳۷۳
۵ ـ مصوبات کنفرانس‌های عمومی سازمان بین‌المللی کار در سالهای ۱۹۱۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۷، ۱۹۲۱، ۱۹۴۶، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۵ مورد استفاده قرار گرفته است (از متن فرانسوی این قوانین استفاده شده است).

www.iran-archive.com

# بیانیه توضیحی نهضت آزادی در رابطه با انتخابات مجلس

نهضت آزادی ایران طی بیانیه‌ای علل تصمیم این سازمان برای شرکت در انتخابات و سپس انصراف از آن را به تفضیل و در طی یک بیانیه طولانی اعلام نمود. در این بیانیه آمده است:

از حدود چهار سال قبل به دنبال جنگ دوم خلیج فارس و طرح ادعاهای واهی امارات عربی متحده در مورد مالکیت سه جزیره ایرانی در خلیج فارس و تجمع روزافزون تجهیزات و تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس، نهضت آزادی ایران با بررسی شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورمان به این جمع‌بندی رسید که بحرانها رو به فزونی است و خطرات جدی تمامیت ارضی کشور و حیات ملی ما را تهدید می‌کند.

نهضت آزادی ایران با توجه به این خطرات و حساس بودن اوضاع عمومی، راه حل اولیه و اساسی برای مقابله با چنین خطراتی را تقلیل نقش‌های داخلی تشخیص داد و حل بحران سیاسی را شرط اصلی و اجتناب‌ناپذیر هر نوع راه حلی اعلام نمود و به همین منظور مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی از طریق فعالیت انتخاباتی را مورد توجه قرار داد. به دنبال بحث‌ها و تلاش‌هایی که در این راه توسط نهضت آزادی و سایر گروههای سیاسی و شخصیت‌های مستقل ملی و ملی - مذهبی صورت گرفت. توافقهای کلی و اصولی بدست آمد و در نهایت به تشکیل «تلاشگران تأمین آزادی انتخابات» منجر گردید.

در اعلامیه‌هایی که در این دوران منتشر گردید به دو مسأله اساسی توجه مبرم شده بود. اول این که شرط سالم و آزاد بودن انتخابات تحقق و تأمین حقوق و آزادیهای اساسی ملت که در فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است، می‌باشد. دوم اینکه به دلیل حساس بودن اوضاع مملکت و خطرات تهدیدکننده، مردم نباید نسبت به سرنوشت خود بی‌تفاوت باشند، بلکه می‌بایستی از طریق مشارکت در انتخابات، حقوق خود را مطالبه کنند و در صورت تحقق شرایط ضروری در یک انتخابات سالم و آزاد کسانی را که شایستگی نمایندگی ملت را دارند و قادر به حل بحرانهای کنونی می‌باشند انتخاب نمایند.

در ادامه اطلاعیه به تفضیل روند کاندید شدن نمایندگان نهضت آزادی شرط شورای نگهبان مبنی بر آنکه آنها باید اعلام نمایند به ولایت مطلقه فقیه معتقدند، عدم پذیرش این شرط از جانب آنها و حذف اکثریت نمایندگان این سازمان، ممانعت از تبلیغات این سازمان که در نهایت منجر به تصمیم نهضت آزادی به امتناع از شرکت در انتخابات گردید طرح شده است و در ادامه آمده است:

پیامد رفتار حاکمیت با نهضت آزادی ایران در مجموع به نفع نهضت آزادی ایران و جنبش مردم‌سالاری و آزادیخواهی تمام شد. انتظار عمومی و وجدان بیدار جامعه دید و قضاوت کرد که نهضت آزادی، با وجود تمامی فشارها و شرایط نامساعد، برای ایفای وظیفه خود در برابر ملت از هر نوع خطری استقبال می‌کند و آن جناحهایی از حکومت هستند که به شدت از ورود مخالفان به مجلس نگرانند و آنها را پس می‌زنند.

حرکت نهضت آزادی ایران جناحهای مختلف حاکمیت را در بوته یک آزمون سیاسی جدی قرار داد. مخالفت با مشارکت نیروهای مستقل ملی در انتخابات در مجموع به ضرر متولیان حکومت و انتخابات تمام شد و نشان داد که حاکمیت، یا لااقل برخی از نیروهای درون آن، در برخورد با مخالفان حتی نمی‌توانند منافع بلند مدت خود را نیز به درستی تشخیص دهند و آن چنان بی‌مطالعه عمل می‌کنند که بهتر و بیشتر از هر دشمنی به اعتبار خود لطمه وارد می‌سازند.

قصد اصلی نهضت آزادی ایران از ورود به صحنه انتخابات صرفاً رفتن به مجلس شورای اسلامی نبود. بلکه این امر به منظور استفاده از شرایط سیاسی دوران انتخابات و ایجاد بستر قانونی مناسب برای ادامه مبارزات قانونی در جهت بهبود اوضاع سیاسی کشور، و به تبع آن اوضاع اقتصادی و غیره صورت گرفت.

نهضت آزادی ایران با استراتژی مبارزه قهرآمیز و براندازی نظام مخالف است و آن را نه مفید می‌داند و نه مؤثر، اما به استراتژی مبارزه مسالمت‌آمیز علنی و قانونی در جهت ایجاد تغییرات سیاسی تدریجی و سنگر به سنگر معتقد می‌باشد اگرچه تأمین تمامی حقوق و آزادیهای اساسی ملت آرمان استراتژی و اعتقادی نهضت آزادی است، عمیقاً بر این باوریم که این حقوق و آزادیها یکجا و به صورت بسته‌بندی شده به ملت یا به احزاب سیاسی مخالف حاکمیت تحویل داده نخواهد شد. بلکه مردم و احزاب سیاسی مردمی می‌بایستی آنها را به تدریج و با پشتکار و مبارزه مستمر و پیگیر به دست آورند. با موضعگیری‌های انفعالی نمی‌توان به هیچ یک از اهداف مردم‌سالارانه رسید.

در ادامه اطلاعیه آمده است

«با وجود تمامی محدودیت‌ها و موانع بر سر راه انتخابات آزاد و مردمی، نتیجه شمارش آراء نشان داد که در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه مردم با آراء خود عدم موافقت خود را با سیاست‌ها و عملکردهای گروههای حاکم ابراز داشته‌اند. اکثریت نامزدهای معرفی‌شده توسط قدرتمندترین جناحهای حاکمیت یعنی سرمایه‌داری تجاری و جامعه روحانیت یا انتخاب نشدند یا با حداقل آرا مردم آنچنان گویا بود که موجبات خشم برگزارکنندگان مطلق‌طلب انتخابات را فراهم ساخت و سبب شد که انتخابات این حوزه‌ها، بدون هیچگونه توضیحی، باطل اعلام شود. در برخی از حوزه‌ها، نامزدهای انتخاب‌شده با آراء مردم وادار به اعلام انصراف و استعفا شدند. در بعضی از حوزه‌ها، که مردم به رغم تشری‌گرایان انحصارطلب آراء خود را به نفع زنان داوطلب به صندوقها ریخته و آنها را انتخاب کرده بودند، اعلامیه‌هایی در تکفیر این زنان از جانب جریانهای ارتجاعی و تشری‌گرا صادر گردید.

تجربه انتخابات مجلس پنجم نشان داد که سیستم کنونی فاقد تحرک و کارآیی است و مجلس پنجم از این بابت بهتر از مجالس گذشته نخواهد بود».

# عباس کیارستمی و سانسور در ایران

چند ماه قبل آقای عباس کیارستمی نظرات خود را در برخورد با مسأله سانسور در کشور، امکانات تهیه فیلم و شرایط فیلمسازان در ایران، در چند مصاحبه در خارج از کشور مطرح نمود. برخی ایده‌های مطرح شده در این مصاحبه مباحثی برانگیخت و منجر به طرح یک سری انتقادات از نظرات ایشان گردید. منجمله آقای بصیر نصیبی در بهمن ماه سال گذشته در نشریه کیهان لندن به نقد نظرات ایشان پرداخت. وی در مقاله خود جملاتی از مصاحبه آقای کیارستمی را مورد استناد قرار داد که گفته شده بود: «برای من بهترین نوع فیلمسازی این است که مسائل را تا زیر سقف سانسور یعنی تا آنجا که سانسور جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد مطرح کنم».

و یا «من رضایت می‌دهم پنج دقیقه از فیلم را قیچی کنند. چون فیلمساز جهان سوم هستم و مجبورم با سانسور کنار بیایم» و یا «اینجا کشور من است. من آن را دوست دارم، نمی‌خواهم کسانی با استناد به کلیشه چادر به منظور لذت بردن خود از کشورم بد بگویند» و یا «برای من فیلمی که توقیف شود، هیچ جذابیتی ندارد».

آقای نصیبی در حین ارج گذاشتن به کار هنری آقای کیارستمی و فیلمهای ایشان، نظرات و برخوردهای وی را که در بالا درج گردید، توجیه روش جمهوری اسلامی و کم بها نشان دادن واقعیت سانسور در ایران دانست. وی این نحوه برخورد را با برخورد آقای بیضایی مقایسه کرد که گفته بود: «من به عنوان مالک معنوی فیلم اجازه نمی‌دهم حتی پس از مرگم یک دندانه از فیلم مسافران را حذف کنید.» و روش ایشان را روشی دانست که با پایداری در برابر سانسور و فشار رژیم، بالاخره آنان را وادار به عقب‌نشینی می‌نماید و روش آقای کیارستمی را با رضایت دادن به پنج دقیقه سانسور، روشی دانست که فردا مجبور می‌شود به ده دقیقه سانسور هم رضایت دهد. وی تاکید کرد که مسلماً فیلمهای آقای کیارستمی در خدمت ایدئولوژی اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی نیست ولی سخنان ایشان که حتی در مورد فیلمهای خود آقای کیارستمی هم صادق نیست، و بارها فیلمهای ساخته ایشان نیز دچار سانسور گردیده و مدت‌ها توقیف بوده، به رژیم جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا از خود چهره‌ای بزک آلود بسازد. وی این سخنان را با گفته‌های آقای بیضایی مقایسه کرد که در نامه به وزارت ارشاد نوشته بود: «تا زمانی که در وطنم این شغل بی‌حرمت شده و جایی برای فیلم من ندارد، اجازه نمی‌دهم کسی با نمایش آن در خارج برای خود کسب احترام کند».

در شماره ۵۹۵ نشریه کیهان لندن، مقاله‌ای به قلم خانم الهه بقراط در پاسخ به مقالاتی که در نقد نظرات آقای کیارستمی طرح گردیده بود، درج گردید.

ایشان مقاله خود را با ذکر مثال از گالیه و جوردانو برونو آغاز کرد و نوشت که روش گالیله و جوردانو برونو، دو دانشمند ایتالیا در برخورد با تفتیش عقاید به مظهر دو شیوه نگرش و عمل روشنفکران در برابر قدرت استبدادی تبدیل گشته و تا به امروز نیز بسیاری به این یا آن روش عمل کرده‌اند. یکی عقیده پنهان ساخت و زنده ماند، و دیگری بر بیان عقیده ماند و سوخت. چه کسی در طول چهار صد سال گذشته و امروز توانسته یا می‌تواند یکی از این دو را در برابر دیگری قرار دهد و هر یک را به سبب این یا آن روش تائید یا تکذیب کند، وی در ادامه مقاله خود از افرادی که می‌کوشند دو روش برخورد آقای بیضایی و کیارستمی را در برابر هم قرار داده و این دو روش را نافی هم می‌دانند، انتقاد کرده و می‌نویسد این دو روش برخورد مکمل یکدیگر و در هر جامعه استبدادی کاربست هر دو روش مبارزه با استبداد ضروری است و هر کس بنا به کاراکتر، تشخیص و توان خود راه و روش خود را انتخاب می‌کند. وی نگرشی را که از زاویه سیاسی با اندیشمندان و هنرمندان برخورد کرده و از آنان می‌خواهد همچون احزاب و فعالان سیاسی با مسائل برخورد کنند، رد کرده و می‌نویسد اگر قرار بود در تاریخ ایران همه به همان گونه که برخی می‌اندیشند، عمل کنند و روش جوردانو برونو را در پیش می‌گرفتند، تمام اندیشمندان و هنرمندان می‌بایست یا لب می‌دوختند و یا می‌سوختند. حال آن که مجموعه هنرمندان و اندیشمندان بسیار بهتر از این توصیه‌ها عمل کرده‌اند و گاه این و گاه آن روش را در پیش گرفته‌اند و بهتر است این متد را که همه را به اتخاذ یک روش فرا می‌خوانیم، روشی که خود صحیح می‌دانیم، کنار بنهیم و بپذیریم در جامعه متدهای متفاوتی در مبارزه با استبداد وجود دارد و اجازه دهیم که هر کس خود روش مناسب خود را انتخاب کند. تنها وجود هر دو روش فوق‌الذکر به موازات هم امکان طرح نظرات اندیشمندان و پس زدن استبداد در تاریخ وجود داشته و هم امروز وجود دارد.

در ادامه این مباحث، آقای نادر بکتاش در مقاله‌ای در شماره اخیر کیهان لندن به پاسخگویی به مقاله خانم بقراط پرداخت. در این مقاله آمده است که، مبنای روش درست در برخورد به هنر و هنرمند، جدا کردن آنهاست . نمی‌توان مثلاً به اعتبار این که کیارستمی سینماگر خوبی است، هر نظری را از جانب او پذیرفت و یا به دلیل آن که بیضایی جسورانه و درست در باب فلان مقوله حرف می‌زند با فیلمهای بد (احتمالی او) مسامحه کرد. وی می‌نویسد، آن چه کیارستمی می‌گوید و می‌کند دفاع از سانسور است و بنابراین در همان حوزه فعالیت‌های هنری، کار محدود کنندگان آزادی را تسهیل می‌کند. وی از خانم بقراط انتقاد می‌کند که ایشان از داوری در برابر روش‌های مختلف می‌گریزند و تنها با بیان این واقعیت که روش‌های مختلف وجود دارد، همه را تائید می‌کنند. و در ادامه مقاله می‌نویسند: هر کس آزاد است که شیوه برخوردی که می‌خواهد اختیار کند و دیگران هم مجاز و موظفند که در این رابطه قضاوت کنند. آقای کیارستمی هم روش معینی را انتخاب نموده و این روش روشی بزدلانه، خودخواهانه، سازشکار با قدرت و در خدمت شرایطی است که امکانات را خفه می‌کند. هر چند کارهای هنری ایشان با ارزش است.

# پیام دکتر شجاع‌الدین شفا

دکتر شفا به عنوان یکی از سخنگویان اصلی جناح افراطی سلطنت طلبان که نیروهای اپوزیسیون را محدود به نیروهای سلطنت‌طلب می‌دانند، در توضیحی در نشریه شماره ۳۶۰ نیمروز اعلام نمود که ایشان در اجلاس سلطنت‌طلبان در واشنگتن شرکت ننمود و در پیامی که برای این اجلاس ارسال نمود، دلایل خود را بیان نموده است. در این پیام آمده است:

«عقیده راسخ من در همه هفده ساله گذشته این بوده است که شرط اصلی مبارزه برای بازیابی حاکمیت ملی، وجود یک نیروی جانشین ناسیونالیست فعال و مصمم شناخته شده در جامعه برون‌مرزی است که بتواند پایگاه اصلی فعالیت‌های درون‌مرزی نیز قرار گیرد. برای وجود چنین نیروی جانشینی تمام شرایط انسانی و سیاسی، مادی و معنوی به مراتب بیشتر از آن چه در این مدت برای بسیاری از دیگر سازمانهای مشابه در جهان وجود داشته است در جامعه برون‌مرزی ایرانی وجود دارد، به استثنای یک عامل که مطلقاً وجود نداشته است و امروز هم ندارد، و آن مدیریت است. چنین مدیریتی، با توجه بدین واقعیت که اکثریت قریب به اتفاق ناسیونالیست‌های برون‌مرزی و درون‌مرزی ما هوادار پادشاهی مشروطه‌اند، در بهترین صورت آن می‌باید از طرف دستگاه سلطنت که از مشروعیت ناشی از قانون اساسی مشروطیت ایران و سنت سه هزار ساله تاریخی و از برداشت‌های فکری مساعد جامعه ایرانی برخوردار است اعمال شود، زیرا که در غیر این صورت اصولاً رژیم سلطنت مشروطه جایی در ایران فردا نخواهد داشت، در صورتی که بقای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و هویت فرهنگی ما بقای چنین رژیمی را ایجاب می‌کند.

در هفده ساله گذشته شهریار رضا پهلوی نه مطلقاً خود چنین مدیریتی را اعمال کرده است، نه با حضور تشریفاتی خود در صحنه امکان آن را داده است که هیچ جنبش دیگری در خط مشروطیت پادشاهی نضج بگیرد. نتیجه این وضع این شده است که رژیم آخوندی هفده سال است بر سر کار مانده است، در حالی که می‌بایست و می‌توانست در همان سالهای اول از میدان به در رانده شده باشد. برای توجیه این خلاء فاجعه‌انگیز رهبری، پیوسته از جانب شهریار رضا پهلوی ادعا شده است که دست زدن به یک تلاش کارساز مستلزم اتحاد همه گروههای اپوزیسیون است، در حالی که گروههای اپوزیسیون در سه زمینه هواخواهی از سلطنت مشروطه و لزوم بازستانی حاکمیت ملی و دمکراسی برای ایران فردا هیچوقت اختلاف نداشته‌اند و ندارند، و ناکامی هفده ساله آنها بسیار بیشتر از آن که مربوط به عدم یکپارچگی آنان باشد، زاده خلاء فاجعه‌زای رهبری بوده‌است. ...

# توضیح ضرور

در نشریه شماره ۱۲۹، کانون دفاع از دمکراسی در ایران (مالمو) معرفی گردید. متأسفانه در چاپ اصول اعتقادی این تشکل اشتباهات تایپی وجود داشت که با پوزش از خوانندگان، این اصول را مجدداً منتشر می‌کنیم.

۱ـ پذیرش حاکمیت و مرجعیت مردم، احترام به آرا و نظر اکثریت با تأمین حقوق اقلیت و انتخاب آزاد مردم در تعیین شکل حکومت و نظام سیاسی جامعه

۲ـ دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی در مقابل دخالت دولتهای خارجی در امور داخلی کشور، پیروی از سیاست خارجی مستقل و غیر متعهد و صلح آمیز و روابط برابر حقوق با همه کشورهای دنیا،

۳ـ پذیرش کثرت‌گرائی سیاسی، جدایی کامل دین و ایدئولوژی از حکومت، رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و ضمائم آن، بویژه حمایت از برابری کامل حقوق زن و مرد و دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی، شامل آزادی مطبوعات، آزادی بیان و عقیده، آزادی در اعتقادات و مراسم مذهبی و باورهای فلسفی، آزادی احزاب و سندیکاها و سایر آزادیهای دمکراتیک

۴ـ عدم تمرکز قدرت اداری و سیاسی جامعه از جمله به منظور تأمین خواستها و حقوق ویژه اقلیتهای قومی و ملی

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger:I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22442032
کد بانک: 37050198
Stadtsparkasse Koeln
Germany

آدرس:
I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

شماره فاکس Fax:0049 - 221 - 3318290

بهای اشتراک "کار"

اروپا:
شش ماه - ۴۵ مارک
یک سال - ۹۰ مارک
سایرکشورها:
شش ماه - ۵۲ مارک
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک ☐ شماره اشتراک: (  )
مدت اشتراک: شش ماه ☐ یک سال ☐

نام _____ تاریخ _____
آدرس:
Name: _____
Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

www.iran-archive.com

# دهمین سال چرنوبیل

## ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد

*ده سال از انفجار راکتور اتمی چرنوبیل گذشت. در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ در اوکراین، راکتور اتمی چرنوبیل بلوک ۴ در اثر انفجار از کار افتاد. منابع رسمی تعداد کشته‌شدگان را ۳۰ نفر اعلام کرد. منابع غیر رسمی آمار کشته‌شدگان را تا هزاران نفر تخمین می‌زنند. اولین کشته‌شدگان کسانی بودند که به منظور کنترل حریق به محل شتافتند و در معرض مستقیم تشعشع قرار گرفتند. ابری از مواد رادیواکتیو بر بالای چرنوبیل قرار گرفت و زمین، جنگل، مناطق مسکونی و محل بازی کودکان را آلوده ساخت. چهار صد هزار نفر مجبور به ترک مناطق مسکونی خود شدند. هنوز بعد از گذشت ۱۰ سال آمار روشنی از تعداد کشته‌شدگان، موارد سرطان، تعداد کسانی که مورد تشعشع قرار گرفتند و مقدار مواد آزاد شده حاصل از تشعشع در دست نیست. در موارد مورد تشعشع بسیاری از کودکان با اختلالات ژنتیکی به دنیا می‌آیند یا مبتلا به سرطان می‌شوند که ناشی از تأثیرات تشعشع می‌باشد. عمق فاجعه زمانی روشن می‌شود که بدانیم مواد آزاد شده تا ۲۰ هزار سال دیگر تشعشع خواهند کرد و این در حالی است که از عصر یخبندان ۱۰ هزار سال می‌گذرد.*

**وقایعی که تاکنون در راکتورهای اتمی اتفاق افتاده است.**

*به دلیل سیاست‌های مختلف کشورها در درج اینونه اخبار، امکان ارائه آمار دقیقی از این دست وجود ندارد. «گرین پیس» تاکنون ۱۵۰۰ مورد اختلال در نیروگاهها را گزارش کرده است که مهمترین آنها بدین قرارند:*

*۱۹۷۸ ـ بیلوبارسک در اورال. توربین نیروگاه اتمی سقوط کرد و موجب آتش سوزی شد، حداقل ۸ تن از کارگران در معرض تشعشع قرار گرفتند.*

*۱۹۷۹ـ در نیروگاه اتمی در هاریسبورگ شمال شرقی آمریکا. یک سوم هسته راکتور ذوب شد، ۵۰۰ هزار گیگا واحد تشعشع آزاد شد، چهار روز مهندسان در وضعیت خطرناک برای جلوگیری از فاجعه تلاش کردند ولی سرانجام راکتور منفجر شد.*

*۱۹۸۶ـ در چرنوبیل اوکراین، در بلوک چهار بعد از آتش سوزی هسته راکتور ذوب شد و در اثر انفجار راکتور ویران گردید. دو گیگا واحد تشعشع آزاد شد.*

*۱۹۸۸ـ در کانادا نیروگاه اتمی «پی‌کرنیک» از کنترل خارج شد.*

*۱۹۸۹ـ نیروگاه اتمی «واندل‌لوس» به دلیل آتش سوزی نابود شد.*

*۱۹۹۱ـ چرنوبیل بلوک ۲ـ بعد از آتش سوزی سقف تونل توربین*

*۱۹۹۲ـ در سنت پترزبورگ روسیه، کانال خنک کننده به دلیل گرمای بیش از حد ترکید.*

*۱۹۹۳ـ در نیروگاه اتمی «فرمین ـ ۲» در آمریکا توربین‌ها به دلیل آتش‌سوزی از بین رفتند.*

*۱۹۹۵ـ در نیروگاه «مون‌جو» ژاپن «ناتریم» در محوطه نیروگاه اتمی جاری شد. از وقوع انفجار در آخرین لحظات ممانعت به عمل آمد.*

*انرژی خورشیدی آلترناتیو انرژی اتمی*

*تمام این حوادث نشان می‌دهد که هنوز ایمنی نیروگاههای اتمی در هیچ کشوری قابل تضمین نیست. علیرغم آن هنوز هزینه‌های سنگین برای ساختن، نگهداری یا تجهیز این نیروگاهها صرف می‌شود. اگر فقط بخشی از این هزینه‌ها مصرف تحقیق و کاربرد انرژی خورشیدی شود، بشریت گامهای بلندی در دسترسی وسیع به این انرژی بر خواهد داشت و عصر ما به +عصر انرژی خورشیدی تبدیل خواهد شد.*

*اکنون در کشورهای صنعتی به خاطر ابعاد عظیم فاجعه احتمالی، گسترش نیروگاههای هسته‌ای تا حد زیادی منتفی و مسأله نحوه ادامه کار نیروگاههای کنونی مورد بحث جدی است.*

*ناامنی کلی نیروگاههای اتمی یکی از دلایلی است که می‌توانیم قاطعانه بگوئیم ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد.*

*بر اساس آمار مجله علمی «Nature» در مناطق تشعشع زده چرنوبیل اختلالات ژنتیکی در کودکان دو برابر دیگر مناطق است.*

# دودایف کشته شد

بنا بر گزارش خبرگزاری ایتارتاس روز یکشنبه ۲۱ آوریل دودایف بر اثر حملات موشکی ارتش روسیه در روستایی در ۳۰ کیلومتری گروسنی کشته شد. این خبر از طرف چچن مورد تائید قرار گرفت و مسکو را به تروریسم دولتی متهم کرد. معاون دودایف زلیم‌خان جانداربیف وظایف او را به عهده گرفت و ۳ روز اعلام عزای عمومی کرد. گفته می‌شود که ماهواره‌های غربی رد دودایف را که با تلفن موبیل سرگرم گفتگو بود پیدا کرده و آن را به اطلاع ارتش روسیه رسانده و ارتش روسیه منطقه را زیر آتش موشک گرفته که دودایف در این حمله کشته گردید.

دودایف در ۱۹۹۱ بعد از سقوط رئیس جمهور وقت در طی انتخاباتی که هیچوقت مورد تائید مسکو قرار نگرفت، رئیس جمهور چچن شد و خواستار استقلال چچن از روسیه گشت. در دسامبر ۹۴ ارتش روسیه به چچن حمله کرد و روستا به روستا در موجی از کشتار و آتش هدف سرکوب جدایی‌طلبان را پیش گرفت.

حملات ارتش روسیه و بمبارانها در درجه اول مردم چچن را مورد هدف قرار می‌دهد و بسیاری از آنها از محل زندگی خود آواره گشته‌اند. سرکوب مردم چچن موجی از اعتراض را در روسیه نیز برانگیخته است.

یلتسین در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری قول داده است که تا زمان انتخابات از چچن نیروهای خود را بیرون بکشد ولی همزمان بمباران مناطق مسکونی چچن را شدت داده است. عملیات سرکوبگرانه روسیه در چچن در غرب به سکوت برگزار می‌شود و آن را مسئله داخلی روسیه تلقی می‌کنند.

# همبستگی جهانی ...

بقیه از صفحه ۸

دو سده اخیر، هیچ جنبشی مانند جنبش کارگری، مدافع همبستگی بین‌المللی نبوده است.

با این حال، انترناسیونالیسم جنبش کارگری در قیاس با دوران آغاز این جنبش، تضعیف شده است. به لحاظ تاریخی، می‌توان این روند را بدون اینکه بخواهیم آن را توجیه کنیم، توضیح داد: در حالی که تا قبل از جنگ جهانی اول، هم جناح انقلابی و هم جناح رفرمیست جنبش کارگری، به طور یکسان به همبستگی بین‌المللی برای پیشبرد اهداف خود نیاز داشتند، با انشعاب تاریخی این جنبش در جریان جنگ جهانی اول، دو برخورد به انترناسیونالیسم شکل گرفت که هیچ یک در خدمت تقویت همبستگی بین‌المللی نبود: رفرمیست‌ها، مبارزه خود را به چارچوب دولت‌های ملی محدود کردند و همبستگی بین‌المللی را به فراموشی سپردند. انترناسیونال سوسیالیستی، به عنوان نمونه در دهه هفتاد، در حالی که جنبش‌های رهایی‌بخش جهان سوم، بعضاً با مشارکت احزاب عضو همین انترناسیونال اوج گرفته بودند، این جنبش‌ها را در مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو تنها گذاشت (و برای این جنبش‌ها راهی جز روی آوردن به حمایت شوروی نماند). در مقابل، بخشی از جناح انقلابی جنبش کارگری نیز انترناسیونالیسم را تنها در راستای حفظ منافع شوروی تفسیر کرد و با این تفسیر، به جاذبه و اعتبار انترناسیونالیسم به عنوان یکی از وجوه مشخصه اصلی جنبش کارگری لطمه زد.

### ضرورت احیای همبستگی جهانی جنبش کارگری

قدر مسلم آن است که در ۲۰ سال اخیر، روند بین‌المللی شدن و فراملیتی شدن سرمایه به سرعت پیش رفته و به وابستگی متقابل اقتصادهای ملی کشورها دامن زده است. در مقابل، جنبش کارگری نتوانسته است پاسخ شایسته به این روند را بیابد. بحث درباره رابطه سندیکاها و شرکت‌های چندملیتی در مراحل اولیه مانده است.

تئوری‌هایی درباره لزوم تغییر تقسیم کار بین‌المللی در اقتصاد جهانی تدوین شده‌اند، اما توجه چندانی در جنبش کارگری به خود جلب نکرده‌اند. تحت فشار جهان سوم، برخی محافل جنبش کارگری بین‌المللی مدتی از لزوم برقراری "نظام اقتصادی نوین جهانی" سخن می‌گفتند. بحران بدهی‌های جهان سوم مورد بررسی برخی نظریه‌پردازان چپ قرار گرفته است. در سال گذشته در واکنش نسبت به اعدام کن سارو ویوا نویسنده نیجریه‌ای توسط رژیم این کشور، بحثی درباره پیوندهای منافع شرکت‌های چندملیتی و رژیم‌های دیکتاتوری در جهان سوم صورت گرفت. اما همه این مباحث نتوانسته‌اند عمل روزمره جنبش کارگری را تحت تأثیر قرار دهند.

گیلبرت تسیبورا، محقق آلمانی و از صاحبنظران جنبش کارگری اروپا، در مقاله‌ای تحت عنوان "در دفاع از چپ انترناسیونالیست و منتقد حاکمیت" این نظریه را مطرح می‌کند که بازسازی چپ در دوران جدید، هم در تئوری و هم در عمل باید صورت گیرد، عملی که "در هر شرایطی، یک شعار قدیمی را که هرگز جدی گرفته نشده است در سرلوحه خود قرار دهد: جهانی بیاندیشیم و مطابق با شرایط محلی عمل کنیم." این تئوریسین چپ، هدف نهایی چپ را تبدیل شدن به نیرویی بین‌المللی می‌داند که تنها پاسخ شایسته به بین‌المللی شدن بحران‌های جهان امروز است.

در جهانی که مسائل آن، هر چه بیشتر خصلت فراملیتی به خود می‌گیرند، همبستگی معنا و مفهوم ملموس‌تری به خود می‌گیرد. اگر جنبش کارگری با نیروها و سنت و تاریخ خود نتواند ضرورت همبستگی جهانی را که شرایط بین‌المللی آن را ایجاب می‌کند، دریابد، روند تاریخ، نیروی جایگزینی را که بتواند به این ضرورت پاسخ گوید، ایجاد خواهد کرد. اما از آنجا که مسائل حاد جهان امروز، منتظر نمی‌مانند، چه بهتر که جنبش کارگری، با توشه تاریخی‌ای که دارد، شرایط جدید را با همه ابعاد آن درک کند و به احیای همبستگی جهانی در صفوف خود همت گمارد.

# کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ...

بقیه از صفحه اول

این خانم که «گلنار فون اسوالد» نام دارد و ۴۵ ساله است، دختر یک بازرگان ایرانی است. در شهر هامبورگ بدنیا آمده و در همانجا نیز بزرگ شده است. او سیزده سال قبل با یک فرد آلمانی ازدواج کرده و از زندگی با همسرش کمال رضایت را دارد. اکنون مایل است مانند همسر و چهار فرزندش تابعیت آلمانی داشته باشد.

اشپیگل می‌نویسد این خانم برای دستیابی به خواسته خود مبارزه سختی را در پیش دارد چرا که، براساس قراردادی که در ۱۷ فوریه ۱۹۲۹ مابین حکومت آلمان و «شاهنشاهی ایران» بسته شده و هنوز هم معتبر است، هیچیک از دو کشور نمی‌توانند بدون توافق هم، شهروندان یکدیگر را به تابعیت خود بپذیرند. اینکه کدام ایرانی، کی و تحت چه شرایطی می‌تواند از تابعیت ایران خارج شود، امری است که فقط نمایندگان جمهوری اسلامی درباره آن تصمیم می‌گیرند.

هر روزه از ایرانی‌هایی که برای خروج از تابعیت ایران اقدام می‌کنند و مورد آزار و اذیت نمایندگی‌های جمهوری اسلامی واقع می‌شوند، گزارش‌هایی به ما می‌رسد. این نوع رفتار نمایندگی‌های ایران سالهاست که ادامه دارد. اغلب از متقاضیان مدارکی خواسته می‌شود که اساساً دست نیافتنی هستند.

متخصصین، از جمله «باربارا یان» که مسئول امور خارجیها در برلین است، ماجراهای غم‌انگیزی زیادی را در مورد متقاضیان ترک تابعیت مشاهده کرده‌اند و متعجب و بهت‌زده می‌گویند: "در حقیقت آنها نمی‌خواهند بگذارند که مردم بروند و از اینکه کسی از "کلوپ نخبه گان" خداحافظی کند، خشمگین می‌شوند."

از طرف دیگر دیپلماتهای ایران که در نمایندگی‌های خارج کار می‌کنند مدعی هستند که به هیچوجه از ترک تابعیت کسی جلوگیری نمی‌کنند بجز پزشکان، چون پزشک مورد نیاز است. و در راه هیچ متقاضی ترک تابعیت سنگ‌اندازی نمی‌کنند. این ادعای «احمد بلبلی» مدیر بخش کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن است. از اینکه ایرانیها هنگام دریافت پاسپورت آلمانی پاسپورت ایرانی خودرا تحویل نمی‌دهند، نتیجه گرفته می‌شود که: "ایرانیها ملت مغروری هستند و مایلند سقوط کرد و لوله‌های خنک کننده را نابود کرد.

۱۹۹۱ـ در نیوجرسی آمریکا، توربین‌ها از حرکت باز ماندند و ژنراتور نیروگاه منفجر و در آتش سوخت.

تابعیت ایرانی خودرا حفظ کنند."

راینر آلبرشت، عضو دفتر متقاضیان خارجی در هامبورگ، مخالف این است که ایرانی‌ها از ترک تابعیت "داوطلبانه" امتناع می‌کنند. حقوقدانی مثل «اویلر» که چهار سال است خانم فون اسوالد را در تمام مراحل قضایی همراهی می‌کند، وضعیت حقوقی فعلی را وحشتناک توصیف می‌کند: "موکل من در چنین وضعی ناگزیر به تابعیت اجباری شده است." مسئولان ایرانی برای جلوگیری از ترک تابعیت هم‌میهنان خود با کاغذبازی و تشریفات اداری متقاضیان را سر می‌دوانند. زنان ایرانی که در آلمان ازدواج کرده‌اند، بیشتر مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند. دولت ایران اصولاً شوهران آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. شوهرانشان ابتدا باید مسلمان شوند و سپس یکبار دیگر براساس قوانین و حقوق اسلامی ازدواج کنند. فقط در این صورت است که فرزندان آنها حلال‌زاده شناخته می‌شوند. از طرف دیگر متقاضی ترک تابعیت باید مدارکی به سفارت ارائه دهد که به نام خانوادگی دوران مجردی‌اش باشند و اثبات کنند که متقاضی مجرد است.

گلنار فون اسوالد می‌گوید که در یک ملاقات با مسئولین کنسولگری ایران به وی اینگونه اهانت شده است: " شوهر شما، شوهر شما نیست و بچه‌های شما تنها بچه‌هایی حرامزاده هستند."

یک خانم ایرانی دیگر «روشنک طبری» ۳۳ ساله است که خودرا به عنوان زنی که به اجبار تابع ایران است، احساس می‌کند. او دختر یکی از منتقدین رژیم اسلامی است که در سال ۱۹۸۹ در زندان اوین درگذشت. با یک مرد آلمانی ازدواج کرده و هفت سال است که برای ترک تابعیت خود تقلا می‌کند. او چندین بار ناگزیر به شرکت در گفتگوهای اعصاب خردکن ایدئولوژیک - سیاسی با سرکنسولگری جمهوری اسلامی بوده‌است. با وجودی که ارگانهای دفاع از حقوق بشر مثل عفو بین‌الملل سالها برای آزادی پدرش تلاش کرده‌اند، یکی از وابستگان سفارت ادعا می‌کند وی اصولاً در زندان نبوده‌است. خانم طبری می‌گوید: "من نمی‌خواهم با این رژیم سروکاری داشته باشم. مراجعه به کنسولگری هم کاری بیهوده است."

هر پناهنده ایرانی که خواهان ترک تابعیت باشد، باید شخصاً به کنسولگریهای جمهوری اسلامی مراجعه کند و با توجه به اینکه هر دولتی در قلمرو نمایندگی‌های خود بیشترین اختیارات را دارا هستند، این پناهندگان در معرض خطر قرار دارند. سوری ۴۴ ساله، عضو اتحادیه پناهندگان ایرانی در برلین می‌گوید: "چه کسی از جان ما حفاظت می‌کند وقتی در قلمرو آنها هستیم؟"

با قرارداد کهنه شده ۱۹۲۹ حدود صد هزار ایرانی که در آلمان زندگی می‌کنند، در مقایسه با دیگر خارجیان مورد تبعیض قرار دارند. مهاجرین خارجی دیگر پس از ۱۵ سال اقامت به صورت مجرد و یا پس از ۸ سال ازدواج با یک آلمانی، این حق را دارند که برای دریافت تابعیت آلمانی اقدام نمایند.

از آنجائیکه داشتن تابعیت دوگانه قانوناً در آلمان مورد پذیرش نیست، خارجی‌ها در صورت پذیرش تابعیت آلمان باید پاسپورت قدیمی خودرا تحویل دهند. اما اغلب کشورهای دیگر در این زمینه مشکلی برای شهروندان (متقاضی ترک تابعیت) ایجاد نمی‌کنند و در صورت ضرورت ادارات مربوط به خارجی‌های آلمان با تابعیت دوگانه فرد موافقت می‌کند.

وزیر کشور آلمان می‌تواند با مراجعه به قانون تابعیت و صرفنظر از قبول مسئولین سفارت، با علم به اینکه متقاضیان تلاش خودرا کرده اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند، راه را برایشان آسان کند. اما مانفرد کانتر وزیر کشور و نیز مسئولین قبلی با در نظر گرفتن اینکه شریک مهم تجاری ما ایران نباید خشمگین شود، عمل کرده‌اند.

آلمان سعی می‌کند ازکانالهای دیپلماتیک این مقررات‌که دولت آلمان این مقررات را از نظر عدم انطباق با شرایط کنونی به رسمیت نشناسد. وی سپس اعلام کرد: "فقط یک راه وجود دارد و آنهم لغو فوری این قرارداد آزار دهنده." کهنه شده را لغو کند. سفیر سابق آلمان در تهران «راینولد اشتک» در ماه مه سال گذشته به دولت ایران پیشنهاد کرد بخش دست و پاگیر این‌قانون بردارند، اما تاکنون موفقیتی حاصل نگردیده است. «آمکه دیترت شویر» از طرف نمایندگان سبزهای آلمان توضیح داد که دولت آلمان این مقررات را از نظر عدم انطباق با شرایط کنونی به رسمیت نشناسد. وی سپس اعلام کرد: "فقط یک راه وجود دارد و آنهم لغو فوری این قرارداد آزار دهنده."

# مصاحبه "کار" با ...

بقیه از صفحه ۸

*ارتباط و همکاری دارد؟*

*مثلاً با نشریه «کارگر تبعیدی» که توسط «انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی» در انگلستان چاپ می‌شود، شما ارتباط دارید؟*

نظری: متأسفانه، نه. ما از تشکیل نهادها و انتشار نشریات سندیکایی توسط فعالین سندیکایی ایران در خارج از کشور، خوشحالیم. در عین حال از پراکندگی فعالیت‌ها و عدم ارتباط این انجمنها با یکدیگر متأسفیم. تردیدی نیست که دشورای انتشار منظم یک نشریه جدی و تضمین ادامه کاری آن در شرایط مهاجرت، یکی از موانع جدی این ارتباط است. نکته دیگر اینکه بسیاری از تلاش‌هایی که توسط این انجمنها صورت گرفته و می‌گیرد ـ از جمله فعالیت‌های کمیسیون ارتباطات سندیکایی بندرت در مطبوعات مترقی و چپ ایرانی در خارج کشور بازتاب می‌یابد. امیدواریم که در آینده بتوانیم اقدامات و نظریات خود را از جانب شما و دیگر مطبوعات علاقمند به مسائل سیاسی و سندیکایی ایران منعکس کنیم. مصاحبه شما با ما هم تلاشی در این زمینه است.

اول ماه مه فرصتی است که به مسائل زحمتکشان و جنبش سندیکایی کشور ما توجه بیشتری بشود. بجای آنکه در پیامهای همبستگی به طرح مسائل کلی بپردازیم، بهتر است به مشکلات مشخص و مبرم جنبش کارگری و سندیکایی توجه شود. اگر توان ما برای تأثیر گذاری بموقع و مشخص در مبارزات داخل کم است، در عوض، در خارج از کشور می‌توانیم با شناسائی و بسیج امکانات و بکارگیری آن، به مراتب موثرتر از این باشیم.

ما آمادگی خود را برای تبادل نظر، مکاتبه، گفتگو، مبادله نشریات و همکاریهای گسترده‌تر اعلام می‌کنیم. برای زحمتکشان، هیچ نیازی، مبرم‌تر و حیاتی از همبستگی نیست.

*کار: با تشکر مجدد از شما و آرزوی همبستگی پیروزمندانه جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران.*

نظری متشکرم، موفق باشید.

# اعدام دو زندانی سیاسی در ایران

بقیه از صفحه اول

عضو کومولهٔ بود. وی از فرماندهان نظامی برجستهٔ کومولهٔ در مناطقی از کردستان به شمار می‌رفت.

مصطفی قادری ۳۲ ساله بود. او در مهاباد چشم به جهان گشوده بود. در سال ۱۳۶۱ به کومولهٔ پیوست و سپس عضو کومولهٔ و از فرماندهان آن شد.

صابرنیا و قادری در سال ۱۳۶۹ از کومولهٔ جدا شده و قصد خروج ازکشور را داشتند که گرفتار شدند. حکم اعدام انان در همان روزهای اول صادر شد. تنها در سایهٔ تلاش‌های بین‌المللی از جمله همت سازمان عفو بین‌الملل بود که اجرای حکم اعدام آنان به تعویق افتاد.

تا این که سحرگاه روز ۲۲ فروردین‌ماه این دو مبارز آماج گلوله‌های کینهٔ تاریک اندیشان حاکم بر میهن‌مان شدند.

کالبدهای بی‌جان این جان‌بازان تنها به این شرط به خانواده‌هاشان داده شد که در ارومیه به خاک سپرده شوند و به زادگاه‌هاشان برده نشوند. به علاوه خانواده‌های تیرباران شدگان از اعلام خبر اعدام و برگزاری مراسم برای آنان بازداشته شده‌اند.

ما متأثر از جان‌باختن سلیم صابرنیا و مصطفی قادری کشتن آن‌ها توسط رژیم جلادپرور اسلامی را محکوم می‌کنیم.

www.iran-archive.com

کار

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۵ - اول مه ۱۹۹۶ - دوره سوم - شماره ۱۳۲

# پیروزی چپ‌ها در انتخابات ایتالیا

برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، چپ‌ها با پیروزی در انتخابات ایتالیا، مسئولیت تشکیل دولت را بر عهده می‌گیرند.

در انتخابات ایتالیا که در روز ۲۲ آوریل برگزار شد، ائتلاف چپ و میانه که هستهٔ مرکزی آن از حزب سوسیالیسم دموکراتیک (PDS) تشکیل شده است، در انتخابات دو مجلس ایتالیا با اضافه شدن آرای حزب بازسازی کمونیستی اکثریت مطلق آرا را به دست آوردند.

ائتلاف چپ و میانه که زیر نام درخت زیتون کارزار انتخابات خود را سازمان داد، ائتلاف وسیعی از ۱۳ جریان سیاسی است. حزب سوسیالیسم دموکراتیک، سبزها، جناح چپ دموکرات مسیحی‌ها، جنبش ضد مافیا و تکنوکرات‌های گروه اومبرتو دینی، نخست وزیر ایتالیا پیش از آغاز انتخابات در برابر ائتلاف خطرناک دست راستی‌ها که با نام «قطب آزادی» فعالیت می‌کند، ائتلاف خود را بر پا کردند.

حزب بازسازی کمونیستی که پس از انشقاق در صفوف حزب کمونیست ایتالیا همچنان بر مواضع کمونیستی پایبند است، در انتخابات اخیر در ائتلاف درخت زیتون شرکت نکرد. رهبران حزب بازسازی کمونیستی پیش از انتخابات اعلام کرده بودند، که از ائتلاف درخت زیتون در مقابل دست راستی‌ها حمایت مشروط خواهند کرد. حزب سوسیالیسم دموکراتیک رسماً خود را حزب سوسیال دموکرات می‌خواند و چندی پیش به انترناسیونال سوسیالیستی پیوست. این حزب قوی‌ترین جریان سیاسی در بین ائتلاف ۱۳ جریان سیاسی است.

کاندیدای ائتلاف درخت زیتون رومانو پرودی پس از روشن شدن نتایج انتخابات قول داد که در اسرع وقت کابینهٔ پیشنهادی خود را معرفی کند و هر چه جدی‌تر به مصاف با بحران سیاسی و اجتماعی ایتالیا برود. پرودی عضو حزب دموکرات مسیحی و دارای تجربهٔ وزارت در سال ۱۹۷۹ است. او استاد دانشگاه و اقتصاددان است.

بازندهٔ انتخابات، ائتلاف دست راستی‌ها یعنی «قطب آزادی» جبهه‌ای از سه تشکل «ایتالیا به پیش» به رهبری سیلویو برلوسکونی، «اتحاد ملی» تحت فرمان فینی و دست راستی‌های حزب دموکرات مسیحی است.

«قطب آزادی» و مخصوصاً کانالهای تلویزیونی برلوسکونی که به وی نام «تزار تلویزیونی» نهاده‌اند، از یکسال پیش به تبلیغات جنون‌آمیز ضد چپ پرداختند و دوباره پرچم «خطر کمونیسم» را در مقابله با ائتلاف درخت زیتون علم کردند. حزب نئوفاشیستی اتحاد ملی ۲۰٪ آرا را به دست آورد و در ائتلاف دست راستی‌ها تبدیل به قوی‌ترین جریان شد.

پس از خروج «لیگ شمال» از دولت برلوسکونی در سال ۱۹۹۴، جبههٔ راست‌ها دچار شکاف بسیار بزرگی شد.

لیگ شمال که تمایلات برتری‌طلبانهٔ شمال ایتالیا را علیه دولت رم و جنوب فقیر نمایندگی می‌کند، پس از شکست دولت برلوسکونی سیاست همراهی با دولت مرکزی برای کسب امتیازات را به کنار نهاده است و برای تمایلات جدایی‌طلبانه میدان وسیع‌تری را فراهم می‌کند. رهبر لیگ شمال لامبرتو روسی پس از اعلام نتایج انتخابات دریک مصاحبهٔ تلویزیونی گفت: مردم شمال ایتالیا دوباره تصمیم گرفتند بردهٔ رم باشند و این باعث تأسف من است. بیش از ۲۱٪ از اهالی شمال ایتالیا به لیگ شمال رأی دادند. لیگ شمال در مجموع ۱۰٪ آرای انتخاباتی را به دست آورد.

به نظر می‌رسد که با پیروزی ائتلاف چپ و میانه در انتخابات اخیر به بحران سیاسی ایتالیا که نمود خود را در دولت‌های متعدد و بی‌ثبات نشان می‌دهد، نقطهٔ پایانی گذاشته می‌شود.

صف‌بندی‌های سیاسی موجود، موقعیت ایتالیا در جامعهٔ اروپا و شاید دقیق‌تر نیاز دو طرفهٔ ایتالیا و اروپا به یکدیگر راه دولت باثبات در ایتالیا را فراهم می‌آورد. ائتلاف چپ و میانه از امکانات بیشتری برای همراهی با روند موجود برخوردار است. در اواسط دههٔ ۷۰ در زمان نخست‌وزیری آلدو مورو، برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ایتالیا، پس از پایان جنگ جهانی دوم، زمینه‌های ائتلاف چپ و میانه فراهم بود. در آن سالها تلاش‌های آلدو مورو نخست‌وزیر دموکرات مسیحی وقت و انریکو برلینگوئر رهبر حزب کمونیست ایتالیا برای پی‌ریزی سیاستی دیگر و ضربه زدن به دسته‌بندی‌های فاسد سیاسی با قتل آلدو مورو پایان گرفت. مرگ آلدو مورو را به گردن بریگادهای سرخ گذاشتند، ولی در واقع جنگ سرد قربانی دیگری می‌گرفت.

پیروزی ائتلاف چپ و میانه در انتخابات ایتالیا با استقبال و خوشحالی نیروهای چپ و در سراسر جهان مواجه شد.

# کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل در آفریقای جنوبی

نهمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه در میدراند ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی با شرکت ۱۸۸ نماینده آغاز شد و تا ۱۱ ماه مه به کار خود ادامه خواهد داد. موضوعات مورد بحث این کنفرانس جهانی‌شدن و لیبرالیزه شدن بازار می‌باشد. مرکز این بحث‌ها در مورد ۲ میلیارد انسان ساکن کشورهای کم‌توسعه می‌باشد که اکثر آنها در آفریقا ساکنند.

اینکه چگونه کشورهای فقیر و در حال توسعه از جهانی شدن اقتصاد بهره‌گیرند و نظم جدید جهانی را به نفع خود استفاده کنند، جزو بحث‌های اصلی این کنفرانس می‌باشد که انتظار می‌رود که کلاً با بحث ساختاری علت و مفهوم وجود کلیت این تشکیلات همراه باشد. پس از فروپاشی سیستم دوبلوکی و تصویب گات و تأسیس سازمان جهانی تجارت «WTO» سازمان ملل، کشورهای صنعتی وجود کنفرانس تجارت و توسعه را غیر ضرور تشخیص دادند. آمریکا مایل است که هرچه سریعتر این سازمان منحل شود.

کنفرانس جهانی تجارت و توسعه اولین بار در سال ۱۹۶۴ تشکیل شد. مهمترین وظیفه این کنفرانس در آن زمان نمایندگی کشورهای تازه استقلال یافته بود. در دهه هفتاد این سازمان وظیفه خود را برقراری نظم اقتصادی نوین قرار داد که هسته آن ثابت نگه‌داشتن قیمت کالاهای اصلی صادراتی کشورهای در حال توسعه و از این راه تثبیت اقتصادی این کشورها بود. دهه هشتاد سالهای عقب نشینی از تثبیت قیمت کالاهای صادراتی در مقابل کشورهای صنعتی بود. در دهه ۹۰ به دلیل تأسیس سازمان جهانی تجارت سازمان ملل، سازمان تجارت و توسعه امکان تبدیل خود به یک سازمان تأثیر گذار در روند تجارت جهانی را از دست داد. تنها دستاورد این سازمان در این مدت این بود که صادرات کشورهای کم توسعه به کشورهای صنعتی از امتیازات گمرکی ویژه بهره گیرد. از دیگر نکات برنامه این سازمان در مورد سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و پیوندهای چندگانه در بین کشورهای جنوب هنوز به نتیجه نرسیده است.

# تظاهرات زنان افغانی علیه گروههای اسلامی

صدها تن از زنان افغانی مقیم پیشاور افغانستان روز ۸ اردیبهشت (شنبه گذشته) در سالروز به قدرت رسیدن مجاهدین به دعوت سازمانی به نام «جنبش انقلابی زنان افغانستان» بر علیه گروههای اسلامی درگیر در افغانستان دست به تظاهرات زدند و خواهان رفع محدودیت و تضیقات زنان شدند. آنها به نفع استقرار صلح و دمکراسی در افغانستان شعار داده و مخالفت خود را با سرکوب و فشارهای مجاهدین علیه زنان ابراز داشتند. تظاهرات زنان افغانی در شهری برگزار شد که اکثر مجاهدین افغانی در آنجا دارای دفتر و دستک و گروههای مسلح می‌باشند.

# در پی حملات وحشیانه اسرائیل به لبنان نیم میلیون نفر آواره شدند

## آتش بس بین اسرائیل و حزب‌الله

روز ۲۶ آوریل اعلام شد که اسرائیل و حزب‌الله لبنان در مورد آتش بس به توافق رسیدند. این توافق که همزمان در اسرائیل توسط وزیر امور خارجه آن کشور و در لبنان توسط رفیق حریری، وزیر امور خارجه لبنان اعلام شد، به میانجیگری کریستوفر، وزیر امور خارجه امریکا، به انجام رسید. طبق این توافق، دو طرف حق حمله به مناطق غیر نظامی یکدیگر را ندارند. اسرائیل خواستار شد که در صورت حمله حزب‌الله به «نوار امنیتی» اسرائیل در لبنان یعنی مناطق اشغالی لبنان توسط اسرائیل، اسرائیل حق دارد که به مناطق غیر نظامی حمله برد. این بند ابتدا مورد مخالفت لبنان و سوریه بود که سرانجام به نفع اسرائیل در مورد این بند توافق حاصل شد.

قبل از اعلام این توافق، شورای امنیت در روز ۲۵ آوریل، حمله اسرائیل به مناطق غیر نظامی لبنان را محکوم کرد و از اسرائیل خواست که نیروهای خود را بدون قید و شرط از جنوب لبنان خارج کند. ۶۴ کشور به این قطعنامه رای مثبت دادند. اسرائیل و امریکا به آن رای مخالف دادند. ۶۵ کشور از جمله کشورهای بازار مشترک اروپا، از رای دادن امتناع کردند.

در طی دو هفته عملیات نظامی اسرائیل و بمباران مناطق غیر نظامی و حمله هلی‌کوپترهای جنگی، نیم‌میلیون لبنانی آواره شدند، آنها که ساکنین چهل شهر واقع در جنوب لبنان هستند در پی اولتیماتوم‌های اسرائیل و به دنبال آن بمبارانها، مجبور به فرار از محل مسکونی خود شدند.

تنها در روز ۱۸ آوریل به دنبال حمله هلی‌کوپترهای جنگی اسرائیل به قانا، ۱۰۱ تن کشته و ۱۵۰ تن مجروح شدند.

دهکده قانا که تحت نظر نیروهای سازمان ملل می‌باشد، پناهگاه هزاران آواره‌ای قرار گرفته بود که از وحشت بمبارانها و تصور امن بودن این منطقه، به آنجا گریخته بودند. عملیات اسرائیل در این دهکده خشم و نفرت جهانی را برانگیخت.

اردوگاه آوارگان و آمبولانس‌های لبنان از جمله جاهایی بودند که اسرائیل هدفمند به آن حمله کرده است و منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای گردید. بر اثر بمباران نیروگاه برق در شهر بیروت، برق قسمتی از شهر قطع شده است.

به گفته دیپلمات اسرائیلی در واشنگتن ایتامار رابینویچ، امریکا به اسرائیل در مورد حمله به لبنان چراغ سبز داد. رادیوی اسرائیل از آمریکا گزارش داد که آمریکا برای پیروزی پرز، حاضر است در انتخابات ماه مه اسرائیل هر کاری انجام دهد. اسرائیل خواستار خلع سلاح حزب‌الله در لبنان است. رفیق حریری، وزیر امور خارجه لبنان، خطر جنگ داخلی را در صورت پیش گرفتن سیاست خلع سلاح حزب‌الله پیش‌بینی می‌کند. حزب‌الله که در سال ۱۹۸۲ تاسیس شد، در عین حال یک نیروی سیاسی است و در پارلمان این کشور ۸ نماینده دارد. از نظر مالی و نظامی توسط جمهوری اسلامی حمایت می‌شود و احتیاجات آن از طرف سوریه تأمین می‌گردد. سوریه از این نیرو برای گرفتن امتیاز از اسرائیل استفاده می‌کند.

عملیات اسرائیل در لبنان بیش از آن که حزب‌الله را به طور مستقیم مد نظر داشته باشد، هدفش فشار آوردن بر سوریه و لبنان برای کنترل این نیرو است.

عملیات نظامی اسرائیل در لبنان، موجی از احساسات دفاع از تمامیت ارضی در میان مردم این کشور را برانگیخته است و این مسئله که این عملیات نه یک گروه نظامی بلکه مردم جنوب را مورد هدف قرار داده است، باعث همبستگی مردم لبنان شده است.

## یک لحظه از جنایات ارتش اسرائیل در جنوب لبنان

# چند ثانیه بعد دیگر آن خانواده وجود نداشت

گزارشی از لبنان «روزنامه تاگس تسایتونگ ـ آلمان»

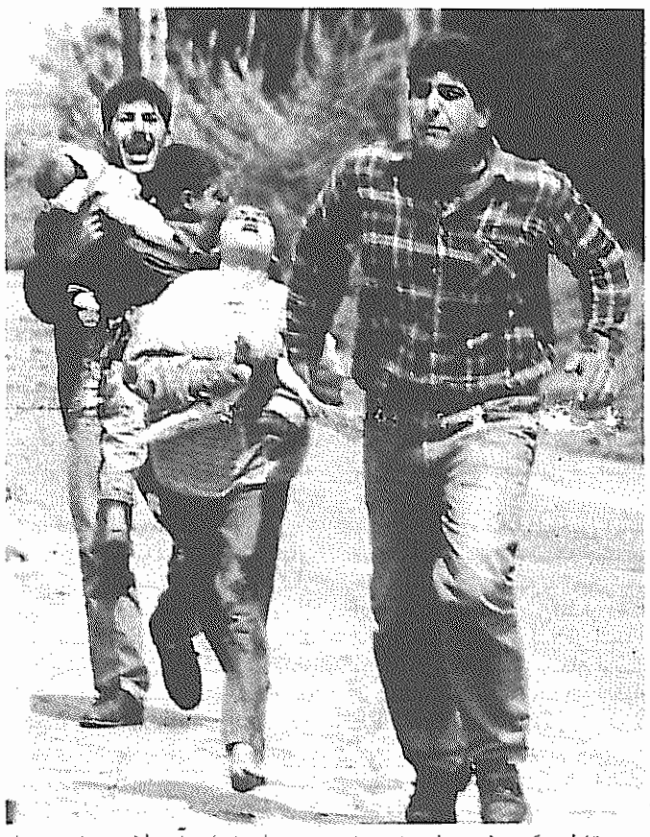

خانواده جها هیچ فرصتی نداشت. هلی‌کوپترهای جنگی اسرائیل ناگهان در آسمان پدیدار شدند. درست بالای سر آمبولانس لبنانی، که در آن پدر، مادر و چهار فرزند و ۸ سرنشین دیگر در راه بودند. چند ثانیه بعد خانواده جها وجود نداشت. زینا ۳ ساله توسط راکت از ناحیه سر مجروح شد. پدرش نیز کشته شد. لیلا ۴ ساله، حسن ۵ ساله و مادرش دقایقی بعد در بیمارستانی در تیروس درگذشتند. کودک دیگر که ۴ ماهه بود در بیمارستان صیدون درگذشت.

یک سخنگوی ارتش اسرائیل در باره این حادثه می‌گوید: آمبولانس در خدمت تروریستهای حزب‌الله قرار دارد، در صورتی که افراد دیگری کشته شدند. آنها توسط حزب‌الله به عنوان سپر دفاعی استفاده می‌شدند.

ساعت ۱۴ و سی دقیقه به وقت محلی آمبولانس در راه بود تا آخرین ساکنان کلایله را کوچ دهد، روز پیش این منطقه توسط ارتش اسرائیل بمباران شده بود. خانواده جها و هشت تن دیگر که اتومبیل در اختیار نداشتند منتظر کمک از بیرون بودند. وقتی آمبولانس به تقاطعی که ۵۰ متر با محل محل استقرار نیروهای سازمان ملل فاصله داشت رسید، راکت‌های اسرائیلی آمبولانس را به دیوار مقابل کوبیدند. بقیه ۸ تن مجروح شدند.

www.iran-archive.com